

سخنرانی در سیدنی

لی هنگجی

۱۹۹۶

از آنجاکه همگی شما مرا می‌شناسید، نیازی نیست خودم را معرفی کنم. من لی هنگجی هستم. درباره دیدار با همگی فکر می‌کردم. هرچند به دلایل مختلفی، چنین فرصتی پیش نیامده است. این بار مخصوصاً آمده‌ام تا با همه ملاقات کنم، چراکه می‌دانم در گذشته تعداد افرادی که در استرالیا درباره این دفا می‌دانستند به اندازه امروز نبود. به‌علاوه، بسیاری از کسانی که در حال یادگیری بودند، به مطالعه فا توجه نمی‌کردند و درک‌شان نیز نسبتاً سطحی بود. احساس می‌کنم اکنون که همگی، آنچه را که آموزش داده‌ام درک می‌کنند، باید برای دیدن‌تان می‌آمدم. زیرا اکثر چیزهایی که می‌خواهید بدانید پیشاپیش در کتاب‌ها نوشته شده است. من شخصی هستم که چنین عادت‌های دارم که دوست دارم افراد مسائلی را که در طول تزکيه‌شان درک نمی‌کنند از من بپرسند. درخصوص افرادی که هنوز حتی نمی‌دانند که این فا درباره چیست و از من درباره آن می‌پرسند، من... چگونه باید آن را توضیح دهم؟ حتی صحبت درباره آن در سطحی ظاهری نیز برای شما آسان نمی‌سازد که به یک‌باره آن را درک کنید. اگر بتوانید کتاب‌های مرا بخوانید، فا را مطالعه کنید و درکی از آن داشته باشید، آن‌گاه ممکن است بیابید و از من چیزهایی هدمند برای پیشرفت‌تان بپرسید و فکر می‌کنم فقط در این صورت است که برای شما مفید خواهد بود، خواه در مطالعه‌تان یا در تزکيه‌تان باشد. فکر می‌کنم که این فرصت امروز پیش آمده است. در نتیجه اینجا هستم.

می‌دانم برخی از شما که اینجا حضور دارید هنوز یادگیری آن را شروع نکرده‌اید. برخی هنوز صرفاً تمرین‌ها را انجام می‌دهند بدون اینکه به مطالعه فا توجهی کنند. برخی نسبتاً بهتر عمل می‌کنند. چرا لازم می‌دانم که هر کسی باید فا را مطالعه کند؟ زیرا چنین رابطه‌ای وجود دارد. همه می‌دانند که در چین، بیش از بیست سال است که چی‌گونگ به‌طور گسترده‌ای در اجتماع مردم عادی ترویج پیدا کرده و در نیمه «انقلاب بزرگ فرهنگی» و در اواخر آن به اوج خود رسید. اما هیچ‌کسی هرگز درباره اینکه چی‌گونگ کلاً درباره چیست صحبت نکرده است و هیچ‌کسی درباره توانایی‌های فوق‌طبیعی که از تمرین چی‌گونگ حاصل می‌شود و پدیده‌های خاصی که علم نوین قادر به توضیح آنها نیست نیز صحبت نکرده است. پس در ابتدا چی‌گونگ با چه هدفی پدیدار شد؟ حتی تعداد کمی از افراد آن را می‌دانند. به لحاظ تاریخی، چی‌گونگ هرگز وجود نداشت. چرا آن امروز پدیدار شده، و به‌عنوان یک روش تزکيه در جامعه منتشر شده است؟ چرا به این شکل است؟ تعداد بسیار اندکی پاسخ را می‌دانند. البته در ابتدای همگانی شدن چی‌گونگ در چین، بسیاری از استادان خیلی خوب چی‌گونگ به میان عموم مردم آمدند و فقط می‌دانستند که هدف از انجام آن، فایده رساندن به سلامت مردم بود. آن صرفاً چنین فکر و درک ساده‌ای بود.

گرچه از زمانی که چی‌گونگ گسترش یافته مدت‌زمانی طولانی، چندین دهه، سپری شده است، اما هیچ‌کسی از نتایج واقعی آن آگاهی ندارد. بنابراین، در کتاب *جوآن فالون* همه چیز درباره پدیده‌های خاصی در جامعه چی‌گونگ را نوشته‌ام، اینکه چرا چی‌گونگ در اجتماع مردم عادی منتشر شده است و اینکه هدف نهایی چی‌گونگ چیست. از این رو این کتاب اثری نظام‌مند است که شخص را قادر می‌سازد تا تزکيه کند. بسیاری از افراد با خواندن مکرر آن احساس می‌کنند که چیزی منحصربه‌فرد درباره این کتاب وجود دارد؛ بدون توجه به اینکه چند مرتبه این کتاب را خوانده‌اید، همیشه احساس می‌کنید که تازه به نظر می‌رسد و بدون توجه به اینکه چند بار آن را خوانده‌اید، همیشه از جمله‌ای یکسان، درکی متفاوت می‌گیرید و بدون توجه به اینکه چند بار آن را خوانده‌اید، همیشه احساس می‌کنید که محتوای عظیمی در آن وجود دارد که هنوز آن را متوجه نشده‌اید. پس چرا این گونه است؟ زیرا به‌صورت نظام‌مندی، بسیاری از چیزهایی را که اسرار آسمانی در نظر گرفته شده‌اند در این کتاب گردآوری کرده‌ام، مانند

اینکه مردم قادر هستند تزکیه کنند، تمرین تزکیه چگونه باید انجام شود و ویژگی‌های این جهان و غیره. برای یک تمرین‌کننده، او را قادر می‌سازد تا تزکیه‌اش را با موفقیت کامل کند. به‌خاطر اینکه هیچ‌کسی هرگز چنین کاری را در گذشته انجام نداده است، بسیاری از افراد وقتی کتاب را می‌خوانند، پی می‌برند که بسیاری از محتوای آن، اسرار آسمانی هستند. برخی از آنها رازهایی در میان اسرار هستند که انسان‌ها هرگز مجاز نبودند آنها را بدانند. چیزهایی را در این کتاب برملا کرده‌ام که نژاد بشر هرگز نمی‌توانست بداند. البته این کار را با هدفی انجام می‌دهم. اگر کسی به‌طور سرسری اسرار آسمانی را برملا کند، با بی‌مسئولیتی چنین کارهایی را انجام دهد و چنین اصول سطح بالایی را به‌دلخواه خود همانند نظریه‌های معمولی در میان مردم عادی آشکار کند، در آن صورت او حقیقتاً درحال برملا کردن اسرار آسمانی یا انجام کاری بد است. در نتیجه، مسلماً با مجازات مواجه می‌شود.

برای انجام این کار دلایلی دارم. یکی اینکه، در سطحی ظاهری، متوجه شدم بسیاری از افراد در نتیجه سال‌های بسیار زیاد تمرین چی‌گونگ، دریافته‌اند که چی‌گونگ محتوای بسیار عمیقی دارد. همچنین می‌دانند که آن می‌تواند شخص را قادر سازد تا از طریق تزکیه به قلمروی بسیار بالایی برسد و حتی می‌تواند فرد را قادر سازد تا تزکیه خود را با موفقیت کامل کند. اما، از آنجاکه نمی‌توانند چنین راه تزکیه‌اصیلی را پیدا کنند، احساس ناامیدی می‌کنند. و سیستم‌های چی‌گونگ معمولی برای شفای بیماری‌ها و حفظ سلامتی هستند، به‌جای اینکه تمرین تزکیه باشند. بنابراین بسیاری از مردم به معابد می‌رفتند تا بودیست‌های غیرروحانی شوند و راهبان را به‌عنوان استاد عبادت کنند. ضمن گفتن این، خاطرنشان می‌کنم که بودا شاکيامونی گفت دارمایش نمی‌تواند در دوره‌ای پایان دارما مردم را نجات دهد. این چیزی است که بودا شاکيامونی گفت. این وضعیت در نتیجه بسیاری از دلایل است. از این‌رو، برای بسیاری از مردم، بدون توجه به اینکه چگونه تزکیه می‌کنند، چه در معابد باشند یا چی‌گونگ تمرین کنند، هنوز احساس می‌کنند چیزی کسب نکرده‌اند یا رشدی نداشته‌اند و هیچ پیشرفت واقعی حاصل نکرده‌اند. مشاهده کرده‌ام که مردم چنین آرزویی برای بهتر شدن دارند، اما از آن‌جاکه نمی‌توانند راهی برای انجام آن پیدا کنند دچار پریشانی و اندوه می‌شوند. احساس می‌کنم مردم درحال رنج کشیدن هستند. بر همین اساس، مايلم آنهايي را که می‌خواهند فا را کسب کنند به‌طور واقعی به سطوح بالاتر ببرم. این یک دلیل اصلی است.

اما، وقتی فای راستین عمومی می‌شود، لازم است ذهن بشری و ارزش‌های اخلاقی به سطوح بالاتری بازگردد و مردم باید خوب باشند. بنابراین، الزامات برای تمرین‌کنندگان باید فراتر از استانداردهای متوسط اخلاقی مردم عادی باشد. در نتیجه آن به اجتماع بشری نیز سود می‌رساند. گرچه بسیاری از مردم پس از خواندن این کتاب، ممکن است قادر نباشند به‌طور واقعی تزکیه کنند، اما به‌رحال اصول رفتار انسانی را درک خواهند کرد. ممکن است پس از آن، افراد بهتری شوند. هرچند ممکن است نتوانند تزکیه کنند، اما هنوز افراد بهتری خواهند شد. پس آنها به جامعه سود می‌رسانند. وقتی فای راستین عمومی می‌شود مسلماً این‌گونه است. درحقیقت، مذاهب راستینی که در طول تاریخ در دنیا ظاهر شدند، مانند مسیحیت، کاتولیک، بودیسم، دائوئیسم و یهودیت، همگی توانستند قلب بشری را قادر سازند به نیکی بازگردند، درحالی‌که هم‌زمان، افرادی که واقعاً می‌خواستند در تزکیه به بالا صعود کنند را نیز قادر کردند فا را به‌دست آورند و تزکیه‌شان را کامل کنند. همچنین به کسانی که در آن زمان نمی‌توانستند در تزکیه موفق شوند کمک می‌کردند تا افراد بهتری در جامعه مردم عادی شوند و برای آنها فرصت‌هایی ایجاد می‌کردند تا دوباره در آینده تزکیه کنند. آن به این شیوه خواهد بود.

اگرچه ما مذهب نیستیم، اما درحال آموزش چیزهایی از سطوح بالاتر چی‌گونگ هستیم، در نتیجه این چی‌گونگ معمولی نیست. ساده بیان کنیم، چی‌گونگ چیزی نیست که انسان‌های عادی آن را به‌وجود آورده باشند. پس این چی‌گونگ چیست؟ چی‌گونگ تمرین تزکیه است، اما آن چیزی در پایین‌ترین سطح تزکیه است، شامل مشت‌زنی تای چی. همه می‌دانند که مشت‌زنی تای چی بسیار خوب است و به‌طور گسترده‌ای از دهه ۱۹۵۰ در سراسر چین پخش شده است. جانگ سن‌فنگ از سلسله مینگ آن را عمومی کرد. اما فقط فنون و حرکات منتقل شده است درحالی‌که فای تزکیه ذهن، عمومی نشد. به‌عبارت دیگر، او برای انسان، فای را به جای نگذاشت که بتواند تمرین تزکیه را هدایت کرده و به مردم نشان دهد که در هر سطحی چگونه پیشرفت کنند. از این‌رو، مشت‌زنی تای چی فقط می‌تواند محدود به چنین قلمرویی از شفای بیماری‌ها و حفظ تندرستی باشد و نمی‌تواند تزکیه به‌سوی سطوح بالاتر را تمرین کند. اگرچه آن چیزی بسیار خوب است، اما فای آن درخصوص تزکیه ذهن، منتقل نشد. در آن

زمان فای تزکیه ذهن وجود داشت، ولی نگه‌داشته نشد و برای نسل‌های بعدی باقی نماند. ولی این فا که امروز درحال آموزش آن هستیم به‌طور نظام‌مندی چنین کاری را انجام می‌دهد.

البته ما تعدادی تمرین‌کننده جدید اینجا داریم، برخی از آنها ممکن است با شنیدن چیزهایی که می‌گوییم، پی ببرند که آنها بسیار ژرف هستند. این مشخص است که تمامی مذاهب به مردم می‌گویند که خوب باشند تا بتوانند به بهشت بروند. درخصوص بودیسم، بهشت سعادت غایی نیز مطمئناً بهشتی در آسمان است. درطول تاریخ، موجودات روشن‌بین و فرزندان همگی درباره اینکه چگونه باید شخصی خوب بود، صحبت کردند و اینکه فرد فقط با رسیدن به استاندارد قلمروی بالاتر می‌تواند به بهشت برود. اما، هیچ‌یک از آنها اصول پشت آن را شرح ندادند. زیرا چنین موجودات روشن‌بین بزرگی، خواه عیسی باشد، بودا شاکيامونی یا لائو‌زی، و غیره، همگی حدود دو هزار سال پیش پدیدار شدند. مردم در آن زمان مانند مردم امروزی نبودند. در آن زمان آنها ذهنی ساده‌تر داشتند و مهربان‌تر بودند. افکارشان این اندازه پیچیده نبود. به‌خاطر اینکه ذهنیت مردم آن زمان با ذهنیت مردم امروزه متفاوت بود، فایی که در آن زمان آموزش دادند می‌توانست در آن هنگام مؤثر باشد و آنچه آموزش دادند می‌توانست شخص را به‌طور کامل قادر سازد تا تزکیه را کامل کند. با گذشت زمان، ذهن بشر امروزه به‌طور فزاینده‌ای درحال پیچیده شدن است و شیوه‌های تفکر نیز تغییر کرده است. در نتیجه، امروزه مردم نمی‌توانند آنچه را که این موجودات روشن‌بین بزرگ در گذشته آموزش دادند درک کنند. بنابراین وقتی مردم حالا این متون را می‌خوانند، احساس می‌کنند قادر به درک معنای واقعی آنها نیستند. گرچه امروز در قالب چی‌گونگی درحال آموزش فا هستیم، اما مردم همگی می‌دانند که درواقع درحال آموزش فای بودا هستیم. برخی ممکن است تعجب کنند: «آیا آموزش فای بودای شما برخلاف نوع گفتاری نیست که بودا شاکيامونی داشت؟» اگر من از کلمات بودا شاکيامونی برای آموزش آن استفاده می‌کردم، امروزه هیچ‌کسی آن را درک نمی‌کرد. زبان بودا شاکيامونی زبان انسان‌ها در آن زمان بوده است، بنابراین مردم آن زمانه می‌توانستند آن را بفهمند. بنابراین، امروز در آموزش فای بودا، مجبورم از زبان نوین برای صحبت با همه استفاده کنم و فقط در این صورت است که قادر به درک آن خواهید بود. برخی ممکن است هنوز بپرسند: «اما آنچه شما آموزش می‌دهید با متون بودیستی یکی نیست.» آیا بودا شاکيامونی فایی را آموزش داد که شش بودای اولیه آموزش دادند؟ اگر مایتریا به این جهان پایین بیاید، آیا آنچه بودا شاکيامونی گفت را تکرار می‌کند؟ همه موجودات روشن‌بینی که نجات را عرضه می‌کنند، فایی را آموزش می‌دهند که به آن روشن‌بین شدند و برای نجات مردم آن را عمومی می‌کنند.

در این کتاب موارد بسیاری درباره تمرین تزکیه نوشته‌ام. شخص به‌عنوان فردی عادی تمرین تزکیه را شروع می‌کند و تا کامل شدن تزکیه‌تان، فا وجود خواهد داشت تا تمرین تزکیه شما را هدایت کند. با آموزش دافای اساسی بزرگ‌تر جهان، واقعاً کاری انجام داده‌ام که هیچ‌کسی در گذشته انجام نداده است. حتی اگر تمام کتاب‌ها در داخل یا خارج، از گذشته یا امروز را بررسی کنید چنین چیزهایی نمی‌تواند یافت شود. اصولی که آموزش داده‌ام ویژگی‌های جهان و جوهر فای بودا است، که صادقانه از زبان من تشریح می‌شوند. بسیاری از افراد پس از خواندن این کتاب فکر می‌کنند و برخی می‌پرسند: «معلم لی چقدر دانش آکادمیک دارد؟ به‌نظر می‌رسد در این کتاب گستره وسیعی از دانش را شامل کرده است، دانشی از زمان‌های باستان تا به امروز، هم داخلی و هم خارجی، مانند ستاره‌شناسی، جغرافیا، تاریخ، شیمی، فیزیک، نجوم، فیزیک انرژی‌بالا و فلسفه.» مردم فکر می‌کنند دانش آکادمیک معلم بسیار وسیع و عمیق است. درحقیقت، از نظر دانش مردم عادی، در مقایسه با دیگران، احساس می‌کنم دانشی ناکافی دارم. اما، درخصوص این تئوری‌ها، هرچند ممکن است تمام کتاب‌های دنیا را خوانده باشید یا تمام موضوعات روی زمین را مطالعه کرده باشید، هنوز نمی‌توانید آنها را کسب کنید. ممکن است تمام دانش آکادمیک در دنیا را یاد گرفته باشید، اما هنوز یک شخص عادی هستید. زیرا فقط فردی در این سطح بشری هستید و شخصی عادی باقی می‌مانید، به‌جز اینکه کمی بیشتر درباره دانش بشری فراگرفته‌اید. درصورتی که اصولی که من آموزش داده‌ام و آنچه که گفته‌ام چیزهایی از این سطح عادی بشری نیستند. آنها فراتر از این سطح عادی بشر هستند. بنابراین اصول آن، از دانش معمولی بشری نمی‌آید. فا دربرگیرنده همه دانش است، از جهان گرفته تا اجتماع بشری عادی.

من با استفاده از زبان بسیار واضح و ساده مردم عادی و از طریق چی‌گونگ، پایین‌ترین شکل تمرین تزکیه، تمام اصول فا را شرح داده‌ام، از پایین‌ترین سطح تا بالاترین سطح جهان. پس از خواندن کتاب برای بار اول، پی خواهید برد که آن به مردم اصولی را آموزش می‌دهد که چگونه شخص خوبی باشند. اگر آن را دوباره بخوانید، پی خواهید برد که آنچه بیان می‌کند اصول مردم عادی نیست، بلکه کتابی ورای دانش بشری عادی است. اگر بتوانید برای بار سوم آن را بخوانید، پی خواهید برد که آن کتاب آسمان است. اگر به خواندن ادامه دهید، آنقدر به آن علاقه‌مند می‌شوید که صرفاً نمی‌توانید آن را کنار بگذارید. در چنین افرادی هستند که پس از اینکه بیش از صدبار آن را خوانده‌اند، هنوز درحال خواندن آن هستند. آنها صرفاً نمی‌توانند آن را زمین بگذارند چراکه معانی ضمنی بسیار زیادی در آن وجود دارد. هر چه بیشتر آن را بخوانند، چیزهای بیشتری برای خواندن وجود دارد. هر چه بیشتر آن را بخوانند، از آن چیزهای بیشتری دریافت می‌کنند. چرا این‌گونه است؟ اگرچه اسرار آسمانی بسیاری را برملا کرده‌ام، اما یک غیر تمرین‌کننده نمی‌تواند آنها را در سطح ببیند. فقط وقتی به‌عنوان تمرین‌کننده کتاب را به‌طور پیوسته بخوانید می‌توانید در آن، معانی ضمنی را پیدا کنید. زیرا فرد در طول تمرین تزکیه به‌طور پیوسته درحال پیشرفت است. چرا در ابتدا حس کردید که این کتاب درحال گفتم اصولی است که چگونه فردی خوب باشید؟ چرا پس از خواندن آن برای بار دوم همان احساس را ندارید؟ چرا درک شما رشد کرده است؟ زیرا اگر شخص بخواهد تزکیه کند، اول از همه باید از مبنای مردم عادی شروع کند. او به‌تدریج شین‌شینگ خود را بهبود می‌بخشد و به استاندارد بالاتر می‌رسد. وقتی به استاندارد اولین سطح برسید، باید فای آن سطح وجود داشته باشد تا تزکیه شما را هدایت کند. وقتی به سطح دوم رسیده باشید، فای مربوط به سطح دوم را نیاز دارید تا تزکیه شما در آن قلمرو را هدایت کند. همان‌طور که به‌طور پیوسته پیشرفت می‌کنید، این فای هنوز قادر خواهد بود تا تزکیه شما را در گستره آن قلمرو راهنمایی کند. به‌عبارت دیگر، صرف‌نظر از اینکه تزکیه شما به چه سطحی برسد، هنوز به فای آن سطح نیاز دارید که تزکیه شما را هدایت کند تا اینکه در نهایت تزکیه خود را کامل کنید. تمام این چیزها را در سراسر این کتاب گنجانده‌ام. بنابراین، تا وقتی که بخواهید به‌طور واقعی تزکیه کنید، می‌توانید این چیزها را ببینید، که قادرند شما را در تزکیه به سوی بالا راهنمایی کنند. معانی ضمنی در این کتاب بسیار ژرف هستند. حتی اگر ده‌هزار بار آن را بخوانید، هنوز تزکیه‌تان را راهنمایی خواهد کرد تا اینکه تزکیه خود را کامل کنید.

با صحبت درباره کامل کردن تزکیه، همه می‌دانند که عیسی گفت: «اگر به من ایمان داشته باشید می‌توانید به بهشت بروید.» در بودیسم گفته می‌شود: «اگر کسی بوداشدن را تزکیه کند، می‌تواند به بهشت سعادت غایی برود.» البته همگی آن را بسیار ساده بیان کردند و تأکید نکردند که فقط از طریق تمرین تزکیه واقعی است که شخص می‌تواند به آنجا برود. اما مذهب نیز در ذات خود تمرین تزکیه است. فقط این‌طور است که خواه بودا شاکیامونی بود یا عیسی، آنها همگی یک حقیقت را دیدند، همان‌گونه که در اجتماع تزکیه‌کنندگان این گفته نقل می‌شود: «تزکیه به خود شخص بستگی دارد و تبدیل گونگ به استاد مربوط است.» مردم عادی نیز این را نمی‌دانستند. مردم عادی فکر می‌کنند: «با انجام تمرین، می‌توانم مقدار مشخصی گونگ به‌دست بیاورم.» از نظر ما این شوخی است و این مطلقاً غیرممکن است. البته اگر بخواهید تزکیه کنید، استاد باید به‌طور واقعی مسئول شما باشد و بسیاری از مکانیزم‌های انرژی را در بدن‌تان نصب کند. همچنین چیزهای بسیاری را مانند بذرهایی در بدن‌تان می‌کارد. فقط آن هنگام قادر خواهید بود در تزکیه موفق شوید. به‌علاوه، در طول تزکیه، استاد باید مراقب شما باشد، از شما محافظت کند، کارمای شما را از بین ببرد و کمک کند گونگ‌تان تبدیل شود. فقط بعد از آن می‌توانید در تزکیه صعود کنید. مذاهب درباره تمرین تزکیه صحبت نمی‌کنند. چرا این‌طور است؟ عیسی می‌دانست: «اگر به من ایمان داشته باشید می‌توانید در تزکیه‌تان بالا بروید.» امروزه فرد نمی‌تواند در مذاهب تزکیه کند صرفاً به این خاطر که قادر نیست معنای واقعی آنچه که او گفت را درک کند. بسیاری از مردم فکر می‌کنند: «من به عیسی باور دارم، و پس از مرگ می‌توانم به بهشت بروم.» لطفاً درباره آن بیندیشید. ما می‌خواهیم به بهشت برویم، اما چگونه به آنجا برویم؟ شما ذهنیت بشری عادی با احساسات و تمایلات مختلف، وابستگی‌های مختلف‌تان، ذهنیت رقابت‌جویی و ذهنیت خودنمایی را با خود حمل می‌کنید. تعداد بیش از حد از چنین وابستگی‌های بد مردم عادی وجود دارد. اگر به شما اجازه داده می‌شد آنجا با بوداها باشید، ممکن بود با بوداها وارد رقابت شوید یا دعوایی را شروع کنید، چراکه ذهنیت بشری عادی‌تان رها نشده بود. اگر پی ببرید که بودی‌سات‌وایی بسیار زیبا است، ممکن است افکاری پلید را پرورش دهید. آیا این می‌تواند مجاز باشد؟ مسلم است که مجاز نخواهد بود. بنابراین باید این وابستگی‌ها، آلودگی و افکار بد در اجتماع

بشری عادی را رها کنید. فقط آن هنگام می‌توانید به چنان قلمرویی صعود کنید. شخص می‌تواند به‌وسیله تزییه یا به‌وسیله ایمان به آنجا برود. اما، فرد بعد از اعتراف نباید آن اشتباه را دوباره تکرار کند. به این شیوه، شخص بهتر و بهتر می‌شود. فقط پس از رسیدن به استاندارد یک خدا، فرد می‌تواند به بهشت برود. این درواقع تمرین تزییه است.

بعضی از مردم می‌گویند: «اگر به عیسی باور داشته باشم، می‌توانم به بهشت بروم.» می‌گوییم نمی‌توانید. چرا نمی‌توانید؟ زیرا امروزه مردم معنی واقعی سخنان عیسی را درک نمی‌کنند. عیسی در سطح تاتاگاتا و نیز موجودی روشن‌بین در قلمروی بودا است. مردم عادی نمی‌توانند معانی ضمنی سخنانش را درک کنند. فقط وقتی می‌توانید به‌تدریج معانی ضمنی گفته‌هایش را دریابید که به‌طور پیوسته با پیروی از شیوه او تزییه کنید. برای مثال عیسی گفت: «اگر به من ایمان داشته باشید، می‌توانید به بهشت بروید.» درحقیقت باید از اصولی که برای انسانی خوب بودن به شما آموزش داد پیروی کنید. فقط در آن صورت به‌طور واقعی به او ایمان دارید و می‌توانید به بهشت بروید. در غیر این صورت چرا او آن اندازه سخن گفت؟! وقتی اعتراف می‌کنید، ممکن است احساس کنید که آن را به‌خوبی انجام می‌دهید و در حالت خوبی هستید. اما وقتی از در کلیسا قدم به بیرون می‌گذارید، به رفتار کردن مطابق میل‌تان ادامه می‌دهید و حتی ممکن است بدتر از یک شخص عادی شوید. چگونه می‌توانید به بهشت بروید؟ ذهن‌تان اصلاً صعود نکرده است. همان‌طور که عیسی گفت: «اگر به من ایمان داشته باشید می‌توانید به بهشت بروید.» آن به این معناست که اگر به او ایمان دارید، باید از آنچه که گفت پیروی کنید، آن، باور حقیقی است، آیا این‌طور نیست؟ این اصل در مذاهب دیگر نیز مصداق دارد.

آنچه که بودا شاکيامونی گفت بعدها به‌عنوان متون مقدس گردآوری و نوشته شد. بعدها، مردم شروع کردند مقدار مطالعه متون و مقدار دانش بودیستی که فرا می‌گیرند را به‌عنوان تزییه درنظر بگیرند. درحقیقت، وقتی بودا شاکيامونی در این دنیا بود اصلاً متون مقدسی وجود نداشت. آن متون فقط ۵۰۰ سال بعد به‌طور نظام‌مندی گردآوری شدند و با آنچه که شاکيامونی در زمان خودش گفته بود پیشاپیش فاصله گرفته بودند. اما، در آن زمان از مردم انتظار می‌رفت فقط آن اندازه بدانند، و دانستن خیلی زیاد نامناسب می‌بود. بنابراین آنچه که اتفاق افتاد اجتناب‌ناپذیر بود. بودا شاکيامونی در سال‌های آخر زندگی‌اش درنهایت گفت: «در طول زندگی‌ام هیچ فایده‌آموزش ندادم.» او بدین خاطر آن را گفت که واقعاً فای این جهان را آموزش نداد و به تجلی این ویژگی جن-شن-رن در اجتماع بشری عادی یا در سطح تاتاگاتای خود نیز اشاره نکرد. او واقعاً آن را آموزش نداد! پس آنچه که آن بودا تاتاگاتا آموزش داد چه بود؟ آنچه که او آموزش داد چیزهایی بود که در طول تزییه در زندگی‌های قبلی خود به آنها روشن‌بین شده بود، برخی وضعیت‌های تمرین تزییه در بازپیدایی‌های قبلی‌اش، داستان‌های تزییه و نیز درک خود از برخی تجلیات خاص فا. از آنجاکه متون مقدس به‌صورت نامرتب جمع‌آوری شدند، آنها نظام‌مند نیز نیستند. پس چرا مردم بعدها آنچه را که بودا شاکيامونی گفت به‌عنوان فای بودا درنظر گرفتند؟ از یک جهت، این درک بشری است. از سوی دیگر به این خاطر است که شاکيامونی یک بودا است. بر همین اساس، آنچه که او گفت سرشت بودایی را با خود دارد. درنتیجه، آموزش‌هایی که حاوی سرشت بودایی هستند، لایه‌ای از اصول بودا برای بشریت هستند، که بعداً به‌عنوان فای بودا درنظر گرفته می‌شود. اما او حقیقتاً اصول تمرین تزییه و ویژگی کیهان را به‌طور نظام‌مندی آموزش نداد، و این را نیز تشریح نکرد که چرا فرد می‌تواند به سطوح بالاتر صعود کند و غیره. واقعاً آن را عمومی نکرد! از این‌رو، گفتم که کاری انجام داده‌ام که قبلاً هیچ‌کسی انجام نداد است و دری بزرگ را گشوده‌ام. کاری حتی عظیم‌تر را انجام داده‌ام. یعنی، تمام اصول تمرین تزییه و عناصر برای کامل کردن تزییه را عمومی کرده‌ام. به‌علاوه، به‌صورت بسیار نظام‌مندی درباره آن صحبت کرده‌ام. به همین دلیل خدايان در سطوح بسیار بالا گفته‌اند: «تو برای انسان نردبانی به آسمان - جوآن فالون - را به‌جای گذاشته‌ای.»

اینجا درحال گفتن این نیستم که در مقایسه با بودا شاکيامونی چگونه هستم. من چنین وابستگی‌ای ندارم. در میان حالت‌های احساسی انسان‌های عادی نیستم و وابستگی به شهرت و منفعت در دنیا را ندارم. از آنجاکه این چیزها را عمومی می‌کنم، نسبت به شما مسئول هستم و چنین اصلی را به‌وضوح برای‌تان بیان می‌کنم. هیچ چیزی از شما نمی‌خواهم، و همچنین یک ریال نیز از شما نمی‌خواهم. فقط به شما آموزش می‌دهم به نیکی و خوب بودن بازگردید. کسی از من سؤال کرد: «معلم، شما چیزهای بسیاری به ما آموخته‌اید و چیزهای بسیار زیادی به ما داده‌اید. چه چیزی می‌خواهید؟» گفتم: «هیچ چیزی نمی‌خواهم. فقط

آمدهام تا شما را نجات دهم. فقط می‌خواهم قلب شما خوب و پاک شود و بتوانید صعود کنید.» زیرا دریافته‌ایم که برای یک شخص، انسان بودن هدف نیست. مردم امروزه همگی در واقعیت دروغین اجتماع بشری عادی گم شده‌اند و فکر می‌کنند به‌عنوان موجودی بشری باید بدین‌صورت باشند. به‌ویژه، ارزش‌های اخلاقی اجتماع بشری اکنون به‌طور بسیار بدی در حال سقوط است. همه در این جریان سیل‌آسا به پایین می‌لغزند و جامعه بصورت یک کل در حال انحطاط است. از این‌رو، هیچ‌کسی آگاه نیست که به‌سوی انحطاط در حال سقوط است. برخی از مردم وقتی خود را کمی بهتر از دیگران در نظر می‌گیرند، فکر می‌کنند که انسان‌های خوبی هستند. درحقیقت، شما در حال سنجیدن خودتان با این استاندارد سقوط کرده هستید و در میان تمام بدی‌ها صرفاً به مقدار خیلی کمی بهتر از دیگران هستید. اگر بتوانید تزکیه کنید و به این قلمروی اولیه اجتماع بشری بازگردید، حتی از سطحی نه چندان بالا پی خواهید برد که مردم امروز و اجتماع بشری هولناک هستند! آن حقیقتاً ترسناک است! شما پی خواهید برد که بشریت امروزه واقعاً مملو از همه آن ده گناه است.

موجودات روشن‌بین بزرگ، خواه بوداها باشند، یا داتوها و خدایان، مردم امروزی را دیگر موجودات بشری در نظر نمی‌گیرند. این گفته شاید کمی مطلق به نظر بیاید. البته، هنوز افراد خوبی وجود دارند. اما، آنچه که آنها به آن اشاره می‌کنند، بشریت به‌صورت کل و در مقیاسی وسیع است. حقیقتاً به این شکل است. در گذشته، وقتی شخصی به معبد یا کلیسا می‌رفت تا اعتراف کند، حس می‌کرد که عیسی یا موجودی در آسمان واقعاً در حال گوش دادن به گفته‌های او است. به‌علاوه، چیزی شبیه پاسخ در ذهنش منعکس می‌شد طوری که گویی سوالاتش را پاسخ می‌داد. اما امروزه مردم چنین حسی نخواهند داشت و آنهایی که بوداها را عبادت می‌کنند نیز نمی‌توانند حضور بوداها را ببینند. چرا این‌طور است؟ زیرا مردم در اجتماع بشری، کمتر و کمتر آگاه می‌شوند، و مردم در اجتماع بشری به‌طور فزاینده‌ای فاسد شده‌اند. در نتیجه خدایان از آنها دیگر مراقبت نمی‌کنند. زیرا مردم نوین کارمای بسیار عظیمی دارند و آگاهی آنها کمتر و کمتر می‌شود، پس از اینکه کار اشتباهی انجام می‌دهند و با مجازات مواجه می‌شوند، آن را صرفاً تصادفی در نظر می‌گیرند. دیده‌ام که گرچه ارزش‌های اخلاقی بشر به‌طور بسیار بدی در حال سقوط است، اما همگی مردم هنوز همراه با این جریان سیل‌آسا در حال سقوط هستند بدون اینکه از آن آگاه باشند. برخی از مردم هنوز سرشت بودایی خود و سرشت اصلی خود را دارند. از طریق آموزش‌هایی در طول این سال‌ها، افراد زیادی هستند که از طریق تزکیه سطح‌شان را ارتقاء دادند و سطح تزکیه‌شان بسیار بالا است. برخی از افراد روشن‌بین شده‌اند، برخی در روند روشن‌بینی تدریجی هستند، و برخی هم‌اکنون در محدوده ثمره حقیقی در حال تزکیه‌اند. از این که چنین کاری را بیهوده انجام نداده‌ام بسیار خوشحال هستم. نسبت به بشریت و اجتماع مسئول بوده‌ام. اسرار آسمانی را بی‌ثمر افشاء نکرده‌ام و مردم را قادر می‌سازم از طریق تزکیه صعود کنند.

موضوعی که الان مطرح کردم برای این است که بگویم، هدف از زندگی بشری این نیست که یک موجود انسانی بود. بسیاری از مردم احتمالاً هنوز کاملاً درک نکردند که منظورم چیست. آنها فکر می‌کنند موجودات بشری باید به این شیوه زندگی کنند. بله، وقتی از بطن مادرتان متولد شدید، همگی به‌طور مشابه نمی‌توانستید وجود بعدهای دیگر را ببینید. پس حتی آنها را باور نداشتید. به‌علاوه، امروزه مردم بیش‌ازحد به علم نوین اعتقاد دارند درحالی که علم نوین به‌خودی خود ناقص و ناقص است. گستره درک آن از این جهان بسیار سطحی است یا به‌عبارت دیگر، بسیار سطح‌پایین است. آن‌گاه، وقتی مردم بیش‌ازحد به آن باور دارند، باعث می‌شود بشریت با بزرگترین خطر مواجه شود: یعنی، اخلاقیات بشر به‌طور کامل نابود خواهد شد. بر این اساس، بهشت‌ها در آن بالا، مردم بدون ارزش‌های اخلاقی را دیگر موجودات بشری در نظر نمی‌گیرند! زیرا فقط موجودات انسانی نیستند که شکل بیرونی بشری دارند، بلکه اشباح، میمون‌ها و بوزینه‌ها همگی مغز و چهار دست و پا دارند. دلیل اینکه انسان انسان نامیده می‌شود این است که او باید اخلاقیات بشری داشته باشد تا در این جهان با استاندارد اخلاقی بشری و شیوه هستی بشری زندگی کند. بدون این‌ها، خدایان مردم را موجودات بشری در نظر نمی‌گیرند. اما مردم همگی فکر می‌کنند که چگونه باید بهتر زندگی کنند و چگونه باید پیشرفت کنند. به‌هرحال، اجتماع بشری به‌وسیله موجودات بالاتر کنترل می‌شود و انسان هرگز نمی‌تواند از طریق فناوری به قلمروی بودا برسد. در غیر این صورت جنگ‌های ستارگان حقیقتاً به وقوع می‌پیوست! بنابراین فناوری بشری که ذهنیت رقابت‌طلبی، حسادت، انواع و اقسام احساسات و تمایلات را در بردارد، مجاز نیست به استاندارد بالاتر دست یابد.

بیش از هفتاد درصد از مغز انسان نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و پزشکی نوین نیز به این نکته پی برده است. چرا این‌گونه است؟ خرد انسان محدود شده است. پس چرا بوداها خردی عظیم و قدرت‌های فوق‌طبیعی بزرگی دارند؟ چرا آنها می‌توانند هر چیزی را بدانند؟ و هوش و خردی عظیم دارند؟ به‌خاطر این اصلی است که تشریح کردم. برخی افراد می‌گویند این کتاب من گستره وسیعی از دانش علمی را در برمی‌گیرد! آیا معلم دانش آکادمیک بسیاری دارد یا در دانشگاه‌های بسیاری حضور داشته است؟ خیر. پس چرا این‌گونه است؟ تفاوت بین من و هرکسی دیگر این است که ذهن من به‌طور کامل باز شده درحالی که ذهن شما باز نشده است. زیرا در این جهان، خواه آن فلسفه باشد، نجوم، فیزیک، شیمی یا تاریخ بشر و غیره باشد، مردم آنها را بسیار پیچیده در نظر می‌گیرند. درحقیقت آنها بسیار ساده هستند و صرفاً آن مقدار اندک از چیزهای بشری در پایین‌ترین سطح درون گستره فای بودا هستند. آنها همگی مربوط به یک اصل یکسانی هستند و به‌وسیله ویژگی جهان و نیز شکل هستی ماده در این سطح پدید آمده‌اند. آن فقط این مقدار جزئی است. اما خرد بشر هنوز قادر نیست آنها را در خود جای دهد چراکه مغز انسان مهر و موم شده و نمی‌تواند آنها را در خود جای دهد. چه کاری می‌توان برای آن انجام داد؟ چیزهای بیشتری یاد گرفت، اما مغز شخص نمی‌تواند آنها را در یابد. پس باید فیزیک را مطالعه کنید، شیمی را مطالعه کنید و علم نجوم را مطالعه کنید و فیزیک انرژی‌بالاتر را مطالعه کنید و فلسفه را مطالعه کنید و تاریخ را مطالعه کنید. شما این را مطالعه خواهید کرد و آن را مطالعه خواهید کرد. اما حتی درخصوص دانش یکی از چنین موضوعاتی نیز شخص نمی‌تواند تمام آن را در طول زندگی خود کسب کند. بنابراین دانش بشری بسیار رقت‌انگیز است.

همان‌طور که الان ذکر کردم، بدون توجه به اینکه چقدر دانش آموخته‌اید، هنوز یک فرد عادی باقی می‌مانید حتی اگر استاد دانشگاه یا مدیر در یک دانشگاه باشید یا هر قدر هم که مشهور باشید. زیرا دانش شما فراتر از سطح مردم عادی نمی‌رود. به‌علاوه این علم تجربی انسان نوین ناقص است. برای مثال، این علم نوین نمی‌تواند وجود خدایان را اثبات کند و نمی‌تواند وجود بعدهای دیگر را تأیید کند. آن نمی‌تواند زندگی و شکل‌های هستی ماده در بعدهای دیگر را ببیند. نمی‌داند که تجلی ماده تقوا در بدن انسان وجود دارد. همچنین نمی‌داند که تجلی ماده کارما نیز دور بدن انسان وجود دارد. مردم همگی به علم نوین باور دارند اما علم نوین توانایی تأیید این چیزها را ندارد. بیشتر اینکه، هر زمان تقوا، مهربانی، گناهان، یا چیزهایی دیگر فراتر از علم ذکر می‌شود، آنها خرافات در نظر گرفته می‌شوند. در اصل، آیا علم نوین چوبی نیست که بلند می‌شود تا بر سر اساسی‌ترین سرشت بشریت - اخلاقیات بشری - بکوبد؟ آیا این‌طور نیست؟ به‌خاطر اینکه نه آن می‌تواند وجود تقوا را تشخیص دهد و نه می‌تواند آن را تأیید کند، ادعا می‌کند که آن خرافات است. اگر ارزش‌های اخلاقی بشری حقیقتاً نابود شود، انسان محدودیت‌های ناشی از فا درخصوص ذهن و نیز اخلاقیات را از دست خواهد داد. مردم جرأت می‌کنند هر کاری انجام دهند و جرأت می‌کنند مرتکب هر کار اشتباهی شوند، که باعث می‌شود ارزش‌های اخلاقی بشر به‌طور پیوسته در حال سقوط باشد. این نقشی است که ضعیف‌ترین جنبه علم ایفا می‌کند.

من تشریح کردم دانشمندی که دستاوردهایی دارد، مانند بسیاری از آنهایی که احساسات را جایگزین خردمندی کرده‌اند و درون یک چهارچوب ثابت به علم نوین چسبیده‌اند و اعتقاد دارند هر چیزی فراتر از علم تجربی علم نیست، این درک سرسختانه را نخواهند داشت. درباره آن بیندیشید. برای چیزهایی که انسان هنوز نشناخته است، اما وقتی با روش‌های علمی آنها را تشخیص دهیم، آیا آن علم نیست؟ آن نیز علم شده است. انسان به‌طور پیوسته خودش را بهبود داده و دوباره خود را می‌شناسد. بنابراین، علم در نهایت می‌تواند گسترش یافته و به‌طور واقعی جهان را درک کند. شیوه‌ای که علم تجربی نوین اکنون توسعه می‌یابد بسیار ناشیانه و کند است. آن واقعاً مانند شخصی کور است که می‌خواهد به‌صورت کورمال یک فیل را کشف کند. آن نمی‌تواند شکل هستی ماده در تمام جهان و وجود ویژگی‌های جهان را بشناسد. بر همین اساس، اگر آن بخش کوچکی از چیزی را لمس کند، آن را یک کل در نظر می‌گیرد. آن فقط پای فیل را لمس کرده و ادعا می‌کند: «اوه علم این چنین است. این علم است که واقعاً ماده و زندگی را می‌فهمد.» آن نمی‌تواند ببیند که کل این فیل به چه شکل است. در نتیجه نمی‌تواند درک کند که جهان از زمان مکان‌های بی‌شماری ساخته شده است و نمی‌تواند بُعدهای دیگر را درک کرده و وجود شکل‌های دیگری از زندگی و ماده را درک کند. در نتیجه، آن افراد سرسخت و ساده‌ذهن همه آنها را خرافات می‌نامند. این مهم‌ترین دلیلی است که چرا اخلاقیات

بشری در حال سقوط است. آنگاه بسیاری از افراد چوب علم را بلند می‌کنند تا بر سر اصیل‌ترین و اساسی‌ترین فضیلت انسان بکوبند. آن واقعاً خطرناک است! اگر مردم تقوا نداشته باشند، خدایان آنها را دیگر موجودات بشری در نظر نمی‌گیرند. اگر دیگر آسمان مردم را موجودات بشری در نظر نگیرد، آنها از بین رفته و دوباره شروع جدیدی خواهند داشت.

برخی از مردم فکر می‌کنند: «بشریت ما در حال پیشرفت است، و هم اکنون هم بسیار باشکوه است که از میمون به چیزی که امروز هست تکامل یافته‌ایم!» اما بگذارید به شما بگویم که به لحاظ تاریخی، در طول زمان‌های ماقبل تاریخ، یکصد هزار سال پیش، یا حتی خیلی خیلی قبل‌تر از آن، تا بیش از یکصد میلیون سال پیش، تمدن‌های بسیار پیشرفته‌ای همیشه بر روی این سیاره وجود داشته است، فقط این‌طور است که آنها در دوره‌های زمانی مختلف از بین رفتند. چرا آنها نبود شدند؟ زیرا از نظر مادی و فناوری، بسیار سریع پیشرفت کردند در حالی که اخلاقیات آنها توانست همگام با آن پیش رود یا تباه شد. سپس دیگر اجازه نداشتند که به هستی خود ادامه دهند و نابود شدند. برای توضیح آن با درک علم نوین، حرکت ماده از قانونی پیروی می‌کند. وقتی حرکت آن به شکل خاصی برسد، به‌طور اجتناب‌ناپذیری شکل دیگری می‌گیرد. برای مثال، زمین در طول حرکت خود در این جهان، وقتی با برخی سیارات برخورد کرده ممکن است آسیب دیده باشد. بدون توجه به اینکه احتمالاً چه دلایلی داشته، اکنون دانشمندان واقعاً کشف کرده‌اند که تعداد بسیار زیادی از بقایای تمدن‌های باستانی بر روی سیاره ما وجود داشته است. به علاوه چنین بقایای باستانی، با زمان حاضر کاملاً فاصله دارند. برخی از آنها از چندصد هزار سال پیش، چندین میلیون سال پیش، یا حتی از ده‌ها میلیون سال پیش هستند. تمدن‌هایی که وجود داشتند و بقایای به‌جای مانده در هر دوره‌ی زمانی کاملاً با هم متفاوتند، و آنها چیزهایی از یک دوره تاریخی نیستند. از این‌رو برخی از دانشمندان درباره این موضوع تعمق می‌کنند. برخی از دانشمندان هم اکنون این تئوری را ارائه داده و گفته‌اند: «تمدن‌های ماقبل تاریخ و فرهنگ‌های ماقبل تاریخ وجود داشته است.» این چیزی است که دانشمندان گفته‌اند. جامعه‌ی تزکیه‌کنندگان ما می‌تواند آن را واضح‌تر ببیند که قبل از این تمدن بشری ما، واقعاً تمدن‌های بشری بسیاری وجود داشت. به‌خاطر اینکه ارزش‌های اخلاقی آنها فاسد شد، بعداً چنین تمدن‌هایی دیگر وجود نداشتند. البته این چیزی است که ما دیده‌ایم. از فرهنگ ویران‌شده‌ی یونان باستان، می‌توانیم بقایای فساد و انحطاط در آن زمان را ببینیم.

برخی از مردم ادعا می‌کنند: «نژاد بشری ما از میمون تکامل یافته است.» در حقیقت بگذارید به شما بگویم انسان اصلاً از میمون تکامل نیافت. داروین یک تئوری پیشنهاد داد، که می‌گوید: «انسان از میمون تکامل یافته است.» وقتی این تئوری را در آن زمان عمومی کرد، با بیم و هراس بسیار آن را عرضه کرد. تئوری او ناقص و پر از شکاف است، و با این حال، تا امروز نیز مردم آن را پذیرفته‌اند. لطفاً درباره‌ی آن بیندیشید. روند مربوط به تکامل، که او درباره تکامل میمون به انسان پیشنهاد داد، روندی ده‌ها میلیون‌ساله، نمی‌تواند یافت شود. این روند وجود ندارد. چرا افرادی بین میمون‌ها و موجودات انسانی وجود نداشته‌اند؟ نه فقط موجودات بشری، بلکه همین‌طور چیزهای دیگر. هیچ‌یک از حیوانات تکامل یافته که او به آنها اشاره کرد روند دوره‌ی گذار نداشته است. به‌علاوه، چرا گونه‌های موجود بر روی قاره استرالیا از گونه‌های موجود در دیگر قاره‌ها متفاوت هستند؟ او نتوانست هیچ‌یک از آنها را توضیح دهد. با این حال، این نظریه تکامل با وجود تمام شکاف‌هایش به‌وسیله‌ی موجودات بشری پذیرفته شده است. این واقعاً عجیب است!

درحقیقت از نظر ما، انسان هرگز از میمون تکامل نیافت، فقط این‌طور است که گونه‌های مختلفی در هر دوره زمانی وجود دارد. صفحات قاره‌ای بر روی سیاره زمین که انسان‌ها روی آنها ساکن هستند در حال جابجایی و تغییر هستند. زمین‌شناسان قاره‌های آسیا، اروپا، آمریکا، آمریکای شمالی، و آمریکای جنوبی را صفحات قاره‌ای می‌نامند. صفحات قاره‌ای در زمان‌های مختلف تغییر کردند و تمدن‌های روی آنها به قعر آب‌ها فرو رفتند. سپس، شاید قاره دیگری در اقیانوس دیگری به سطح بیاید و چنین تغییراتی به‌طور پیوسته به وقوع می‌پیوندد. امروزه مردم بناهای باستانی عظیم و وجود تمدن‌های گذشته را در اعماق اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس، اقیانوس هند و خیلی از اقیانوس‌های دیگر کشف کرده‌اند. اما، پس از بررسی، کشف شد که همگی آنها چیزهایی هستند که چندصد هزار سال یا چند میلیون سال پیش یا حتی پیش‌تر از آن وجود داشتند. حداقل، بشریت امروزه ما می‌داند که صفحات قاره‌ای در طی چندصد هزار سال گذشته تغییر نکرده است. پس آنها چه زمانی به زیر آب فرو رفتند؟ قطعاً

خیلی قبل تر، چندصد هزار سال پیش یا حتی قبل تر از آن غرق شدند. بنابراین، وقتی صفحات قاره‌ای مختلف تغییر کردند، گونه‌های روی آنها نیز متفاوت بودند. آن‌ها حاصل تکامل نبودند. مشابهت‌هایی وجود داشته، اما آنها از همان نوع گونه نبودند. مطلقاً نبودند!

البته من درحال آموزش فای بودا هستم، که با تئوری‌های مردم عادی متفاوت است. آموزش ما درک بالاتری است که حقیقتاً بشریت را درک می‌کند. درحال گفتن این به همگی هستیم که انسان از میمون تکامل نیافت، بلکه در این جهان متولد شد. همه می‌دانند که تئوری داتوئیستی تای چی در چین وجود دارد. این تئوری تای چی درباره دو چی بین و یانگ صحبت می‌کند. قبل از اینکه دو چی بین و یانگ وجود داشته باشد، حالت بی‌نظمی وجود داشت، که ووچی (بدون نهایت) نامیده می‌شد. سپس تای چی از آن زاده شد، و دو چی بین و یانگ وجود داشت. سپس تمام مواد و گونه‌ها از تای چی زاده شدند. این تئوری داتوئیستی است. پی برده‌ام که از نظر علمی بسیار منطقی است. درحقیقت، به موقعیتی پی برده‌ام. البته من تنها کسی نیستم که دریافته است ماده عظیم در جهان می‌تواند با حرکت خود، حیات‌ها را بیافریند. اگرچه ما نمی‌توانیم این ماده را ببینیم، اما این طور نیست که لزوماً وجود ندارد. برای مثال هوا را درنظر بگیرید، چشمان بشری نمی‌تواند آن را ببیند. آیا آن وجود ندارد؟ آن وجود دارد. آیا ماده میکروسکوپی تر از هوا وجود ندارد؟ به فراوانی وجود دارد. درخصوص موادی که حتی میکروسکوپی تر از آن ماده میکروسکوپی هستند، باز هم به فراوانی وجود دارند. چگونه چنین مواد عظیمی به این شکل هستی دارند؟ درحقیقت، آنها همگی وجود زندگی هستند. تمام مواد حیات دارند، صرفاً این طور است که در این بُعد بشری عادی نشان داده نمی‌شوند و شما نمی‌توانید وجود حیات آن را ببینید. کمی بعد باید بگویم چرا این گونه است. تمام مواد حیات دارند. این ماده عظیم درحالی که حرکت می‌کند زندگی را به وجود می‌آورد. بیشتر چنین حیات‌هایی حتی در سطوح بسیار بالا نیز بی‌شکل هستند. بخش بسیار کمی از آنها به شکل بشر، یا به شکل حیوان، یا به شکل ماده، یا به شکل گیاهان است.

چرا این سطح بشری وجود دارد؟ در ابتدا چنین سطح بشری وجود نداشت. حیات‌هایی که به وسیله حرکت این ماده در جهان آفریده شدند همگی جذب شده در ویژگی‌های جهان هستند. یعنی آنها جذب شده در اصول فای جهان هستند، جذب شده در جن - شن - رن هستند، چراکه درواقع از جن - شن - رن آفریده می‌شوند. سپس وقتی تعداد چنین حیات‌های آفریده شده در بعدهای سطح بالا افزایش می‌یابد، محیط زندگی آنها پیچیده تر می‌شود، و آنها چهارچوب بقای اجتماعی خود را شکل می‌دهند، دقیقاً مانند اجتماع بشری ما، موجودات بشری چهارچوب اجتماعی خود درخصوص چگونگی بقا داشتن خود را دارند. پس وقتی این حیات‌ها شیوه‌های اجتماعی خود را داشته باشند، آنها به تدریج تغییر کرده و پیچیده تر می‌شوند. برخی از آنها افکار خودخواهانه خود را رشد می‌دهند و از الزاماتی که ویژگی‌های جهان برای حیات‌ها در آن سطح لازم می‌داند منحرف می‌شوند. آنگاه دیگر نمی‌توانند در آن قلمرو باقی بمانند، فقط می‌توانند به پایین و به سطحی پایین تر سقوط کنند. سپس وقتی در آن سطح پایین تر حتی بدتر شوند، مجبورند که دوباره بیشتر به پایین سقوط کنند. به این شکل، چنین حیات‌هایی در طی سال‌های بی‌پایان تاریخ، به طور پیوسته بدتر می‌شوند و به تدریج، بُعد به بُعد، به پایین سقوط می‌کنند تا اینکه به این بعد بشریت می‌افتند. در نتیجه، زندگی سطح پایینی را به پیش می‌برند، تولید مثل کرده و فرزندان خود را با توانایی‌هایی سطح پایین پرورش می‌دهند.

اما، در ابتدا چنین بُعد بشری وجود نداشت. سپس، این موجودات روشن بین و موجودات سطح بالا خواستند تا بُعد دیگری برای انسان خلق کنند، بُعدی که از همه بیشتر در توهم قرار دارد، تا ببینند آیا انسان می‌تواند آن مقدار کم سرشت خود را نگه دارد و آیا هنوز می‌تواند برگردد. از این رو چنین بُعدی خلق شد. در آن زمان آنها صرفاً خواستند تا به انسان و حیات‌ها آخرین فرصت را بدهند و بسیاری از مسائل را در نظر نگرفتند. هرچند بعداً دریافتند که این بعد بسیار منحصربه‌فرد است چراکه تمام موجودات در این بعد نمی‌توانند بعدهای دیگر را ببینند و نمی‌توانند حیات‌ها در بعدهای دیگر را نیز ببینند. درحالی که موجودات در بعدهای دیگر این جهان همگی می‌توانند صحنه‌هایی از بعدهای دیگر را ببینند. برای یک موجود در هر بُعد دیگری، بدنش می‌تواند در فضا پرواز کرده و اینجا و آنجا شناور باشد. یک موجود از هر بعد دیگری می‌تواند بدنش را کوچک و بزرگ کند. اکنون دانشمندان بر این باورند که افکار بشر ماده است، چیزی شبیه امواج الکترونیکی. البته شما تصدیق می‌کنید که امواج الکترونیکی ماده هستند. اما پی برده می‌شود که در بعدهای دیگر آنقدر ساده نیست. فکر انسان می‌تواند آنچه تصور می‌کنید را به وجود آورد.

و آنچه فکر می‌کنید می‌تواند تبدیل به واقعیت شود. به‌خاطر اینکه مردم انرژی ندارند، پس از اینکه آن خلق شد زود پراکنده می‌شود. اما برای موجودات روشن‌بین بزرگ، موجودات آسمانی و حیات‌های سطح‌بالا که انرژی دارند، چیزهایی که به آن فکر می‌کنند واقعاً هستی می‌یابند. به این ترتیب اگر چیزی بخواهید، وقتی به آن فکر می‌کنید آن خلق خواهد شد. از این‌رو در گذشته گفته شد: «برای بوداها، آنها می‌توانند هرچه را که بخواهند، داشته باشند و از آزادی عظیمی لذت می‌برند.» آن حیات‌ها همگی به این شکل وجود دارند. اما وقتی انسان به این بُعد انداخته شود، به چنین شیوه‌ای از هستی تبدیل می‌شود.

همه از بطن مادرشان می‌آیند و احساس خیلی بدی ندارند. برخی از مردم در تجارت خود موفق هستند، برخی مقامی عالی‌رتبه دارند، برخی بسیار راحت زندگی می‌کنند و خودشان را بهتر از دیگران در نظر می‌گیرند. درحقیقت، شما نیز شاد و راحت نیستید! زیرا نمی‌دانید قبلاً چگونه زندگی می‌کردید. برای مثال در مذاهب گفته شده: «زندگی کردن رنج بردن است.» چرا این‌گونه است؟ وقتی از بطن مادر خود بیرون آمدید، این بدن فیزیکی ساخته‌شده از مولکول‌ها را داشتید. در بعدها دیگر، فرد این لایه از بدن ساخته‌شده از مولکول‌ها را ندارد و سطحی‌ترین بدن آنها از اتم ساخته شده است. ماده سطحی ساخته‌شده از مولکول‌ها، این بعد را تشکیل می‌دهد، و آن شامل بدن گوشتی انسان نیز می‌شود، که آن نیز از چنین مولکول‌هایی ساخته شده است. با بدنی ساخته‌شده از این لایه مواد، به‌محض به‌دنیا آمدن، این بدن گوشتی را داشتید و به شما یک جفت چشم ساخته‌شده از مولکول‌ها داده می‌شود به‌طوری که نمی‌توانید بعدها دیگر را ببینید. از این‌رو شما همگی در سردرگمی به‌سر می‌برید. پس درحالی که در توهم هستید نمی‌توانید حقیقت جهان را ببینید. آیا نمی‌گویید شیوه‌ای که زندگی می‌کنید مانند نگاه کردن به آسمان از ته چاه است. این شیوه زندگی، به‌خودی‌خود کاملاً رقت‌انگیز است؟ به‌علاوه پس از این که این بدن را به‌دست آوردید، بدن‌تان از درد می‌ترسد و نمی‌تواند سرما، گرما یا تشنگی را تحمل کند. نمی‌تواند خستگی حاصل از راه رفتن را نیز تحمل کند. به‌هرحال، آن برای شما ناراحتی بیشتر و رنج بیشتری را آورده است. علاوه بر این، تولد، پیری، بیماری و مرگ وجود دارد. شما اغلب بیمار می‌شوید. فکر می‌کنید که خیلی راحت زندگی می‌کنید. درحقیقت، در میان این رنج، شما با داشتن اندکی رنج کمتر، به‌نظر می‌رسد نسبت به دیگران بهتر باشید. و آنگاه حس می‌کنید خیلی راحت هستید. انسان صرفاً این‌گونه هستی دارد. با زندگی در چنین محیطی است که انسان به‌تدریج سرشت انسانی اصلی خود را از دست می‌دهد، به‌طور فزاینده‌ای به وجود خدایان بی‌اعتقاد می‌شود. با نارسایی علوم تجربی، انسان ارزش‌های اخلاقی بشری را نیز از دست می‌دهد و به‌سوی خطرناک‌ترین شرایط می‌لغزد.

اما جامعه بشری مزیت بزرگی نیز دارد: به‌خاطر اینکه فرد رنج می‌برد، می‌تواند تزکیه کند. چرا یک بودا همیشه یک بودا در قلمروی بودا است؟ چرا او نمی‌تواند بالاتر رود؟ چرا یک بودی‌ساتوا نمی‌تواند از طریق تزکیه یک بودا شود؟ زیرا نمی‌توانند مکانی پیدا کنند که کمی در آن رنج بکشند حتی اگر بخواهند. او می‌تواند تزکیه کند دقیقاً به‌خاطر اینکه می‌تواند سرشت بودایی خود را در میان توهم مستحکم کند. اگر آنجا هیچ توهمی برای او وجود نداشته باشد و بتواند هر چیزی را ببیند، آنگاه تزکیه به‌حساب نمی‌آید زیرا می‌تواند همه چیز را ببیند. بنابراین، تزکیه و روشن‌بینی ابتدا می‌آید. دیدن بعداً می‌آید. برخی از افراد می‌گویند: «اگر آن را ببینم، تزکیه می‌کنم. اگر نبینم، تزکیه نمی‌کنم.» اگر هر کسی اجازه داشت که آن را ببیند، جامعه بشری عادی، دیگر جامعه بشری نمی‌بود، بلکه اجتماع خدایان می‌بود. صددرصد افراد، بدون اینکه حتی یک نفر جا بماند، همگی تزکیه می‌کردند. آن افراد با انواع و اقسام گناهان غیرقابل بخشش و مردم با بدترین خصوصیات همگی می‌خواستند تزکیه کنند. آیا فکر می‌کنید آن هنوز هم یک اجتماع بشری می‌بود؟ علت اینکه انسان به این محیط سقوط کرده، این است که او فاسد شده است. اگر بخواهید به جایی که از آن آمدید برگردید، باید این دو عامل را داشته باشید. یکی رنج بردن است. دیگری روشن‌بینی [یا آگاهی] است. در رابطه با روشن‌بینی، عیسی درباره ایمان صحبت کرد درحالی که در شرق روشن‌بینی را لازم می‌دانند. اگر این چیزها را از دست داده باشید، نمی‌توانید تزکیه کنید. اما، چرا این‌طور است که معمولاً افراد در طول دوره تزکیه، پی می‌برند که آن بسیار سخت است؟ درحقیقت تمرین تزکیه سخت نیست. سختی آن در عدم توانایی رها کردن ذهنیت بشری عادی نهفته است. در طول تاریخ به انسان هرگز گفته نشده است که فای بودا چیست. مردم همگی سخنان بودا شاکيامونی را به‌عنوان فای بودای نظام‌مند در نظر گرفتند. لطفاً درباره آن ببینید. این جهان بی‌کران بسیار کامل و خردمند است. بودا شاکيامونی فقط بخش کوچکی از اصول بودا را ذکر کرد. علاوه بر آن، بودا شاکيامونی همه دانسته‌هایش را برای انسان‌ها فاش نکرد. فقط آنچه

را که مردم باید می‌دانستند به آنها آموزش داد. بنابراین دارمایی که برای اجتماع بشری امروز باقی ماند فقط بخش بسیار بسیار کوچکی از فای بودا است. پیش‌تر ذکر کردم، چیزهایی که برای جامعه بشری به‌جای گذاشته‌ام بسیار است و کاری انجام داده‌ام که هیچ‌کسی در گذشته انجام نداده است. زبانی که در این کتاب «جوآن فالون» استفاده کرده‌ام استاندارد نیست زیرا به کار بردن زبان استاندارد شده نوین نمی‌تواند محتوای عظیم‌تر و سطح بالاتر را در بر بگیرد. بنابراین آن را به سبکی محاوره‌ای نوشتم.

بسیار صحبت کرده‌ام. از آنجاکه به نظر می‌رسد امروز زمان زیادی داریم، مایل‌م کمی بیشتر به همه بگویم. اما، اگر چیزهای بسیار عمیقی بگویم ممکن است برخی افرادی که اینجا نشستند نتوانند آن را بپذیرند. برای مثال برخی افراد اصلاً آن را مطالعه نکرده‌اند و آمده‌اند به من گوش دهند زیرا حس می‌کنند آن بسیار خوب است. بعضی‌ها ممکن است بخواهند چیزی به دست بیاورند یا می‌آیند تا ببینند من چه چیزی نمایش می‌دهم. آنها با ذهنیت‌های مختلفی می‌آیند. اگر امروز اینجا برای شما چیزهایی نمایش می‌دهم، به آن می‌خندیدید گویی در حال تماشای جادو یا تردستی می‌بودید. شما فا و من را جدی نمی‌گرفتید. همچنین انجام آن در آموزش فای بودا مجاز نیست. فقط در حال آموزش این فای بودا به شما هستم و اینکه آن را باور کنید یا باور نکنید بستگی به شما دارد. اما قدرت آن بسیار عظیم است. هر آنچه که می‌خواهم به موجودات بشری بدهم و چیزهایی که آنها را قادر می‌سازد تا تزکیه کنند همه را در آن کتاب قرار داده‌ام. تا وقتی نوارهای ویدیویی مرا تماشا کنید، به نوارهای صوتی گوش دهید، یا این کتابی که نوشته‌ام را بخوانید، آن را تجربه خواهید کرد. تا وقتی آن را بخوانید، بدن‌تان پاکسازی می‌شود و می‌توانید به حالتی برسید که عاری از بیماری باشید. تا وقتی تزکیه کنید، قادر خواهید بود چیزهایی را ببینید که مردم عادی نمی‌توانند ببینند. تا وقتی تزکیه کنید، چیزهایی را تجربه خواهید کرد که مردم عادی نمی‌توانند تجربه کنند. قلمرو بالاتر و بالاتر و شگفت‌انگیز و شگفت‌انگیزتر می‌شود. همه اینها در آن کتاب است. اما اگر تزکیه نکنید، آن را نخواهید دید. اگر بگویید که می‌خواهم بلافاصله پس از یکبار خواندن، تمام آن را ببینم، این غیرممکن است! فقط می‌توانید چیزها را درون قلمروی خودتان و درون توانایی درک خودتان ببینید. برای چیزهای شگفت‌انگیزتر، تا وقتی در تزکیه صعود کنید و تا وقتی به‌طور پیوسته آن را عمیقاً مطالعه کنید، عمیقاً تزکیه کنید، و عمیقاً آن را بخوانید، آنگاه قادر خواهید بود آن را تجربه کرده، دیده، و بدانید.

اگر درباره چیزهایی بسیار عمیق صحبت کنم، ممکن است بسیاری از افراد آن را درک نکنند. همان‌طور که در نظر داشتیم، هم‌اکنون دو سال است که فا را به شکلی نظام‌مند آموزش نداده‌ام زیرا فایی که به انسان ارائه کردم هم‌اکنون به‌طور کامل و جامع به‌جای گذاشته شده است. حتی نگذاشته‌ام افراد سخنرانی‌هایم را ضبط کنند. چرا این‌طور است؟ بسیاری از مردم در جستجوی چیزهای تازه هستند. معلم چه چیز دیگری گفته یا درباره آن صحبت کرده؟ آنها به جای اینکه به‌طور پایدار تزکیه کنند به دنبال چنین چیزهایی هستند. آنچه برای تزکیه به انسان داده‌ام جوآن فالون است و این کتاب فای نظام‌مند است. چیزهای دیگری که گفته‌ام صرفاً تشریح جوآن فالون است و همگی مطالبی تکمیلی هستند. اگر چیزهایی ضبط شود و در جامعه پخش شود، برای آن تمرین‌کنندگان واقعی مداخله ایجاد خواهد کرد. کتاب جوآن فالون از سطح پایین‌تر تا سطح بالاتر نظام‌مند است و آنچه که اکنون درباره آن صحبت می‌کنم فقط مربوط به افراد حاضر در اینجا است.

همچنین می‌خواهم به نکته دیگری تأکید کنم: اینکه، تمرین‌کنندگان ما ملزم هستند فقط یک راه تزکیه را دنبال کنند. به همگی می‌گویم که این گفته برداشتن بهترین‌ها از هر مدرسه، گفته‌ای از مردم عادی است. آن در زبان جامعه تزکیه‌کنندگان نیست. در فراگیری فنون، یادگرفتن از هر کسی که مهارت‌های خوبی دارد مسئله‌ای نیست. اما از منظر بعدهای بالاتر، اصول بشریت معکوس هستند. آنچه انسان خوب در نظر می‌گیرد ممکن است خوب نباشد. کاملاً برعکس هستند. شما می‌بینید که سمت ما روز است، اما سمتی دیگر تاریک است. آنچه شما صحیح در نظر می‌گیرید شاید صحیح نباشد. چرا این‌طور است؟ اصل ساده‌ای را به همه می‌گویم. همه می‌دانند که وقتی مردم رنج می‌برند، خوب نیست، یا اگر کسی به شما ظلم کند، احساس خوب و راحتی ندارد. به همگی می‌گویم که وقتی فرد کمی درد بکشد و کمی سختی بکشد، چیز خوبی است! می‌بینید آنچه که می‌گویم حقیقتاً متفاوت است. چرا؟ زیرا وقتی از بُعد سطح بالاتر دیده شود، این قانون کاملاً برعکس است. آنها بر این باورند که برای انسان، انسان بودن هدف نیست. اگر در جامعه بشری کمی سختی بکشید و کارمایی که از زندگی‌های گذشته خود بدهکار هستید را باز بپردازید، قادر خواهید بود به بُعد بالاتر برگردید. حتی ممکن است به مکانی بازگردید که زندگی‌تان در ابتدا خلق شد،

شگفت‌انگیزترین مکان. حتی اگر نتوانید بالا بروید، در زندگی بعدی خود سختی‌های کمتری خواهید داشت زیرا کارمای‌تان تقلیل یافته است.

در عین حال، اگر کارمایی که بدهکار هستید را بازپردازید، نمی‌توانید به بهشتی سطح‌بالا بروید. دقیقاً مانند اصلی است که گفتیم. اگر این بطری با چیزهای کثیف پر شود، بدون توجه به اینکه درپوش آن را چقدر محکم بسته باشید، «دانگ»، وقتی آن را درون آب پرتاب کنید فوراً به زیر آب فرو می‌رود. اگر مقدار کمی از چیزهای کثیف داخل آن را بیرون بریزید، کمی بالاتر شناور می‌شود. اگر مقدار بیشتری بیرون بریزید، بطری کمی بالاتر خواهد آمد. هرچه بیشتر آن را خالی کنید، پس از اینکه درپوش آن را گذاشتید، بیشتر متوجه می‌شوید که حتی اگر آن را فشار دهید نمی‌توانید آن را زیر آب فرو کنید، و آن خودش روی آب شناور می‌ماند. دقیقاً شبیه تزکیه موجودات بشری ما است. در طول دوره‌های زندگی خود، یعنی در طول هر یک از زندگی‌های‌تان، هر یک از دوره‌های زندگی خود، ممکن است به کسی ظلم کرده باشید کسی را فریب داده باشید، یا به کسی آسیب رسانده باشید یا کسی را کشته باشید و غیره. شاید حتی کار بدتری انجام داده باشید. آنگاه باید این کارمایی که بدهکار هستید را بپردازید. قانونی در این جهان وجود دارد، که نامیده می‌شود: بدون از دست دادن، به دست نمی‌آید. برای به دست آوردن، باید از دست بدهید. بدهکاری باید پرداخت شود. اگر در این دوره زندگی پرداخته نشود، در دوره زندگی بعدی انجام خواهد شد. قطعاً بدین صورت است. وقتی فردی اکنون رنج می‌کشد، آن را اتفاقی در نظر می‌گیرد، و فکر می‌کند دیگران با او منصف نیستند یا دیگران خوب نیستند. به شما می‌گویم که هیچ یک از اینها تصادفی نیست و مسبب همه آنها کارمایی است که از گذشته بدهکار هستید. اگر کارما نداشته باشید، همین طور که در خیابان قدم می‌زنید هر کسی وقتی شما را می‌بیند لبخند می‌زند. افرادی که آنها را نمی‌شناسید به شما پیشنهاد کمک می‌دهند، و بسیار راحت خواهید بود! اما چنین فردی قطعاً در این بعد بشری زندگی نمی‌کند، و او باید به بهشت بازگردد. موجودات بشری صرفاً به این شکل هستند. به خاطر اینکه مردم کارما دارند، اگر افکارشان پاک نشود، نمی‌توانند در تزکیه بالا روند. این همان اصلی است که پیش‌تر ذکر کردم.

برای مردم بد نیست که کمی رنج ببرند و مقدار کمی سختی داشته باشند. در مواجهه با کمی محنت، شما کارمای خود را بازمی‌پردازید. واقعاً به مکانی شگفت‌انگیز خواهید رفت و هرگز دوباره از سختی رنج نخواهید کشید. بدون توجه به اینکه چگونه با شادی در جامعه بشری زندگی می‌کنید، با میلیون‌ها دلار پول در خانه، یا چه مقام بلندپایه‌ای داشته باشید، آن فقط برای چند دهه خواهد بود و به‌زودی تمام می‌شود. لطفاً درباره بازپیدایی خود فکر کنید. بدون اینکه چیزی با خود بیاورید می‌آید و بدون اینکه چیزی با خود ببرید می‌روید. چه چیزی می‌توانید با خود ببرید؟ هیچ چیزی نمی‌توانید با خود ببرید. چیزها را برای چه کسی باقی می‌گذارید؟ فکر می‌کنید که آنها را برای بازماندگان خود گذاشته‌اید. اما دفعه بعد وقتی دوباره به دنیا بیایید، آنها نمی‌دانند شما چه کسی هستید. اگر بروید و برای آنها کار کنید یا زمین را برای آنها جارو بزنید، ممکن است با شما مهربان نباشند یا پول اضافه‌تری به شما ندهند. واقعاً به این صورت است! انسان صرفاً نمی‌تواند آن را ببیند.

اینجا در حال صحبت درباره اصول اساسی زندگی بشری هستیم. مخصوصاً برای تمرین‌کنندگان مان، درباره این بیندیشید، وقتی از دردی رنج می‌بریم، وقتی دیگران به شما زور می‌گویند، وقتی دیگران برای تان دردسر درست می‌کنند، یا وقتی برخی منافع مادی را از دست می‌دهید، از نظر من ممکن است لزوماً چیز بدی نباشد. زیرا قانونی در این جهان وجود دارد که آنهایی که از دست نمی‌دهند به دست نمی‌آورند؛ برای به دست آوردن، فرد باید از دست بدهد. ویژگی دیگری نیز وجود دارد که اگر شما به دست بیاورید، اما از دست ندهید، مجبور خواهید شد که از دست بدهید. این یک ویژگی جهان است. هر ماده در این جهان پهناور یک حیات است. هر ماده از جن - شن - رن ساخته شده است. بنابراین برای هر شیئی مانند یک تخته سنگ، آهن یا فولاد، هوا، هر ماده یا محصول ساخت انسان، اجزای میکروسکوپی آنها همگی موادی هستند که از این ویژگی جن - شن - رن ساخته شده‌اند. این جهان پهناور از جن - شن - رن تشکیل شده است، که همه چیز را در جهان هماهنگ می‌کند. وقتی شخصی به دیگری ضربه‌ای می‌زند، به کسی ناسزا می‌گوید، به کسی زور می‌گوید، یا موجب درد و رنجی برای شخص دیگری می‌شود، خیلی احساس خوشحالی می‌کند چراکه طرفی است که به دست آورده است. فردی عادی به او می‌گوید: «تو واقعاً توانا هستی! عالی!» او هیچ چیز از دست نداده است. اما فکر می‌کنم او چیزهای بسیاری از دست داده است. چرا این طور است؟ وقتی کار بدی

انجام می‌دهد، طرفی است که به‌دست آورده است. او به شخص دیگری زور گفته است، که این‌طور حساب می‌شود که به‌دست آورده است. پس باید چیزی از دست بدهد. به‌خاطر اینکه آنچه نصیب فرد دیگر شده درد و رنج است، این شخص دیگر نیز واقعاً شادی از دست داده است. در نتیجه، این فرد دیگر باید چیزی به‌دست بیاورد. چگونه به‌دست می‌آورد؟ اگر او را با مشت بزنید و کلمه‌ای درشت به او بگویید، مقدار مساوی از ماده سفید به تناسب اینکه به چه اندازه به او دشنام داده یا با چه شدتی او را زده‌اید از ناحیه اطراف بدن شما پرواز خواهد کرد. این ماده تقوا نامیده می‌شود. آن بر روی طرف دیگر، بر روی بدن آن فرد دیگر می‌نشیند. سپس دوباره آن فرد دیگر نیز موجودی بشری است و ممکن است این اصل را درک نکند. «مرا با مشت زد.» او خشمگین است. وقتی عصبانی می‌شود، درواقع آن تقوا را به سمت مقابل هل می‌دهد. وقتی در پاسخ، فرد دیگر را با مشت زده یا به او توهین می‌کند، او این تقوا را دوباره به سمت مقابل پرتاب می‌کند. آنها با هم برابر شدند، و هیچ‌کسی چیزی نگرفته است. اصول فا در جهان منصفانه است.

اگر او به‌عنوان تمرین‌کننده، بتواند آن را در ذهنش رها کند: تو مرا می‌زنی، به من توهین می‌کنی، قلب من بسیار آرام است و آن را جدی نمی‌گیرم چراکه تمرین‌کننده هستم. تو فردی عادی هستی و من نمی‌توانم مانند تو باشم. درباره این بیندیشید، آیا استانداردهای اخلاقی این شخص هم‌اکنون بالا نرفته و ورای استانداردهای مردم عادی نرفته است؟ وقتی کسی او را می‌زند، آیا به او تقوا نمی‌دهد؟ و این ماده تقوا می‌تواند به گونگ تبدیل شود. گونگ شما از کجا می‌آید؟ به همگی می‌گوییم آن درست از تبدیل تقوا می‌آید، به اضافه برخی مواد جمع‌آوری شده از جهان که به تقوای شما اضافه می‌شود. فقط آن هنگام گونگ‌تان می‌تواند تبدیل شود. اگر این تقوا را نداشته باشید، نمی‌توانید این گونگ در تزکیه را رشد دهید. بنابراین وقتی او شما را می‌زند، تقوای خود را به شما می‌دهد. شما تقوای بیشتری گرفته‌اید، پس از طریق تمرین تزکیه می‌توانید حتی به سطح بالاتری برسید. آیا آن چنین اصلی نیست؟ آیا آنچه که شما به‌دست آورده‌اید بسیار عالی‌تر از توانی نیست که این فرد عادی در ازای ایجاد این رنج برای شما، کسب کرده است؟ بنابراین همان‌طور که او شما را می‌زند یا به شما توهین می‌کند و برای شما دردسر درست می‌کند، شما آن درد و رنج را تحمل خواهید کرد. در میان این رنج، کارمایی که بدن‌تان حمل می‌کند، ماده سیاهی که از زندگی‌های قبلی خود بدهکار هستید و کارما نامیده می‌شود نیز به تقوا تبدیل خواهد شد. آن نیز مقدار قابل‌مقایسه‌ای تقوا به شما خواهد داد. به‌عنوان فردی عادی، همه درباره آن بیندیشید. در ازای یکی، دوتا به‌دست آورده‌اید. او مقدار بسیار کمی رنج برای شما به‌وجود آورده است، اما شما جبرانی دو برابر گرفته‌اید.

به‌هرحال، به‌عنوان تمرین‌کننده، شخص چهار چیز به‌دست خواهد آورد. درحالی‌که تمام این را تحمل می‌کنید، خود را تا سطح او پایین نیاورده و قلب‌تان بسیار آرام است. شما درعوض آن، او را زنده و به او دشنام ندادید. وقتی قلب‌تان بسیار آرام باشد، درباره این بیندیشید، آیا شین‌شینگ‌تان در تزکیه رشد نکرده است؟ اگر او این مشکل را برای شما ایجاد نکند و برای شما درد و رنج ایجاد نکند، چگونه می‌توانید تزکیه کنید؟ اینکه بخواهید با نشستن به‌طور راحت و نوشیدن چای درحال تماشای تلویزیون در تزکیه صعود کنید و به‌سطحی به آن اندازه بالا برسید، مطلقاً غیرممکن است. دقیقاً در این محیط پیچیده در میان آزمایش‌ها و محنت‌ها است که می‌توانید ذهن‌تان را رشد داده و به استانداردهای بالا و قلمروهای بالا برسید. بنابراین شین‌شینگ شما مانند او نیست. پس آیا شین‌شینگ‌تان در تزکیه بهبود نیافته است؟ در ازای یکی، سه‌تا به‌دست آورده‌اید! آنگاه به‌عنوان تمرین‌کننده، آیا نمی‌خواهید سطح خود را بالا ببرید تا هرچه زودتر تزکیه خود را کامل کنید؟ از آن‌جاکه شین‌شینگ شما در تزکیه رشد کرده است، آیا گونگ شما نیز بالا نرفته است؟ قطعاً چنین اصلی وجود دارد که می‌گوید: «سطح گونگ به بلندی سطح شین‌شینگ است.» آن کاملاً غیرممکن است که ادعا کنیم شین‌شینگ فرد فقط این اندازه بالا است، اما گونگ او به رشد خود ادامه می‌دهد. چنین چیزی وجود ندارد و آن مطمئناً غیرممکن است. شخص ممکن است فکر کند: «شین‌شینگ برخی تمرین‌کنندگان حتی به‌خوبی شین‌شینگ من نیست و چرا آن‌ها گونگ دارند؟» آن‌ها شاید از این جنبه بهتر از شما نباشند، اما احتمالاً از جنبه‌های دیگری از شما بهتر باشند. زیرا در تمرین تزکیه، شخص وابستگی‌ها را یکی پس از دیگری رها می‌کند، برخی از وابستگی‌هایی که هنوز رها نکرده باعث می‌شوند که او هنوز مانند یک فرد عادی به نظر برسد. اما وابستگی‌هایی که رها شدند، رفته‌اند، بنابراین البته

آن‌ها نشان داده نخواهند شد. به‌عنوان تمرین‌کننده، وقتی درد و رنج را تحمل می‌کنید، به ازای یکی، چهارتا به‌دست می‌آورید. به شوخی بگوییم، کجا می‌توانید معامله‌ای به این خوبی پیدا کنید؟

«کسی مرا می‌زند یا کسی به من ناسزا می‌گوید.» این شخص به‌شدت خشمگین و کاملاً در قلبش آزرده‌خاطر است، یا «کسی از من سوءاستفاده کرده و به‌وسیله من پول به جیب زده است.» این صرفاً برای این شخص غیرقابل تحمل است! مردم چنین چیزهایی را بسیار جدی می‌گیرند و حتی یک ذره از منفعت شخصی خود را نمی‌توانند از دست بدهند. درباره آن بیندیشید. زندگی این شخص چقدر رقت‌انگیز است! وقتی مقدار اندکی سود به‌دست می‌آورد، فقط به‌خاطر آن مقدار اندک منفعت، از اعماق قلبش خوشحال می‌شود. مردم این روزها این‌گونه هستند. آن‌ها نمی‌دانند واقعاً چه چیزی از دست داده‌اند و این وحشتناک‌ترین چیز است! چرا این تقوا بسیار ارزشمند است؟ همه می‌دانند که افراد کهنسال در شرق همگی می‌گویند که صرفاً با داشتن تقوا، بخت و اقبال خوب خواهید داشت. این بخت و اقبال خوب شامل جنبه‌های متعددی می‌شود: مقامی عالی‌رتبه بودن، پول زیادی به‌دست آوردن، صاحب خانه‌هایی شدن، صاحب زمین و خوشبختی بودن و غیره. همه این‌ها با آن تقوا مبادله می‌شود. آن همراه با زندگی شخص پیش می‌رود. وقتی فردی می‌میرد، آن روح اصلی او را دنبال می‌کند. وقتی دوباره به دنیا می‌آید، آن همچنان بازپیدایی شما را دنبال خواهد کرد. نه تنها تقوا، بلکه ماده سیاه یا کارما که ذکر کردم نیز همراه زندگی فرد پیش می‌رود. این دو ماده همیشه فرد را همراهی می‌کنند. در گذشته اشخاص سالخورده می‌گفتند، «انجام کار بد به مجازات منجر می‌شود.» چه کسی شما را تنبیه می‌کند؟ چه کسی آن حساب شما را ضبط می‌کند؟ چگونه می‌تواند کسی وجود داشته باشد تا برای شما از این چیزها مراقبت کند؟ اما این تقوا همراه بدن شما است، و محکم به شما چسبیده است. زندگی بعدی تماماً به این تقوا بستگی دارد. با کارمای بسیار زیاد، این زندگی شما رنج بسیار، بیماری بسیار و بدبختی فراوان خواهد داشت. با تقوای زیاد، زندگی شما پول زیاد، بخت و اقبال خوب فراوان، و مقامی بالا دربر خواهد داشت. آن‌ها همگی نتیجه‌ای از چنین چیزی هستند. پس به‌عنوان یک تمرین‌کننده این تقوا حتی با ارزش‌تر است زیرا می‌تواند به‌گونگی تبدیل شود. این صرفاً چنین اصلی است.

علم نوین قادر نیست این نکته را ببیند زیرا آن نمی‌تواند به خارج از این بعد نفوذ کند. نژاد بشری ما در چه نوع بعدی زندگی می‌کند؟ به همگی می‌گوییم که این لایه مربوط به بعدی که بشریت در آن زندگی می‌کند مابین دو نوع از ذرات است. درخصوص ذرات، افرادی از ما که فیزیک خوانده‌اند می‌دانند که مولکول‌ها، اتم‌ها، هسته‌های اتم، کوارک‌ها، و نوترینوها، هر کدام لایه‌ای از ذرات هستند. آن‌ها عناصر فیزیکی هستند که ذرات بزرگتر را می‌سازند. انسان در کدام لایه از ذرات وجود دارد؟ بزرگترین چیزهایی که ما با چشمان بشری می‌بینیم سیارات هستند و کوچکترین چیزهایی که می‌توانیم زیر میکروسکوپ ببینیم مولکول‌ها هستند. نوع بشر ما درست در این لایه بعدی مابین سیارات و مولکول‌ها زندگی می‌کند. ممکن است آن را بسیار وسیع، بسیار گسترده، و به‌طور غیرقابل‌قیاسی بزرگ بدانیم. من می‌گویم که علم نوین پیشرفته نیست. بدون توجه به اینکه یک سفینه فضایی تا چه مسافتی می‌تواند پرواز کند، نمی‌تواند ورای این بعد فیزیکی ما برود. یک کامپیوتر هر قدر پیشرفته باشد، با مغز بشری یکسان نیست. حالا نیز مغز انسان هنوز یک راز است. بنابراین علم بشریت هنوز بسیار سطحی است.

همگی سعی کنید این را تصور کنید. نژاد بشری ما، بین این دو نوع از ذرات یعنی سیارات و مولکول‌ها زندگی می‌کند. مولکول‌ها از اتم‌ها تشکیل می‌شوند، پس بُعد بین اتم‌ها و مولکول‌ها به چه شکل است؟ دانشمندان نوین صرفاً می‌توانند یک اتم را به‌عنوان یک نقطه درک کنند، به‌عنوان یکی از ساختارهای کوچک آن. درحقیقت، مکانی که اتم‌ها وجود دارند نیز یک سطح است، و بُعد فیزیکی‌ای که به‌وسیله چنین سطحی شکل گرفته نیز کاملاً عظیم است. صرفاً این‌طور است که آنچه شما کشف کرده‌اید یک نقطه است. سپس درون گستره این سطح، این بُعد چقدر بزرگ است؟ معیار ما برای اندازه‌گیری فاصله‌ها همیشه براساس چشم‌انداز علم نوین نوع بشر است تا همه چیز را قضاوت کند. شما باید از این چهارچوب و مفاهیم علم تجربی بیرون بیایید. برای این که به آن بعد وارد شوید، باید با شکل‌های آن بعد مطابقت داشته باشید، و فقط آن هنگام می‌توانید وارد آن شوید. فاصله بین یک اتم تا یک مولکول، همان‌طور که علم آن را درک می‌کند، تقریباً به اندازه یک صف دومیلیون عددی از اتم‌ها می‌شود، و فقط آن موقع یک اتم می‌تواند به یک مولکول برسد. به‌عبارت دیگر، این فاصله که آن می‌تواند درک کند بسیار وسیع است. شما نمی‌توانید آن را از نقطه‌نظر این مدل علمی تجربی حال حاضر نوع بشر درک کنید. پس لطفاً سعی کنید لحظه‌ای

درباره آن بیندیشید. آیا بین یک اتم تا هسته آن، یک لایه بعدی وجود ندارد؟ و آنگاه فاصله بعدی بین هسته اتم و یک کوارک چقدر بزرگ است؟ درباره فاصله بین یک کوارک و یک نوترینو چطور؟ البته علم حاضر نوع بشر فقط می‌تواند تا نوترینوها را درک کند. انسان نمی‌تواند آنها را ببیند، بلکه صرفاً با استفاده از ابزار و وسایلی، مدل هستی آنها را تشخیص می‌دهد. در واقع معلوم نیست که چقدر از سرچشمه اصلی ماده دور هستند!

آنچه که می‌گوییم ساده‌ترین شکل هستی بعدی است. تمام مواد فیزیکی نوع بشر ما، از جمله تمام موادی که شما نمی‌توانید در هوا ببینید و همین‌طور آن موادی که می‌توانیم ببینیم مانند آهن، سیمان، حیوانات، گیاهان، اجسام، و بدن بشری، از مولکول تشکیل شده‌اند. نوع بشر در این سطح از مولکول‌ها وجود دارد، درست مانند یک نقاشی سه‌بعدی. شما در این سطح زندگی می‌کنید و نمی‌توانید از آن بگریزید. علم نوع بشر نیز در این یک بُعد محدود شده و نمی‌تواند حتی از آن بیرون رود. اما هنوز مردم ادعا می‌کنند که علم چقدر پیشرفته است و تمام تئوری‌های دیگر را نادیده می‌گیرند. فناوری نوع بشر نمی‌تواند به درک بالاتری از جهان برسد. اگر واقعاً قادر بود این لایه بعدی را شکافته و خارج شود، شکل هستی زندگی و شکل هستی ماده در بعدهای دیگر و نیز ساختار درون آنها که به وسیله زمان و مکان به وجود آمده را می‌دید. اما، تمرین‌کنندگان ما می‌توانند آن را ببینند. فقط بوداها بزرگترین دانشمندان هستند.

هنگام صحبت درباره باز کردن چشم سوم، این موضوع را ذکر کردم. شخص می‌تواند از به کار بردن این چشم‌ها برای دیدن چیزها اجتناب کرده و از طریق این چشم سوم مان ببیند، یعنی بین دو ابرو، یا آن‌طور که مدرسه دائو می‌نامد، از نقطه شنگین ببیند. در ریشه بینی‌تان، مستقیماً گذرگاهی به غده صنوبری شما باز می‌شود. در علم پزشکی، غده صنوبری نامیده می‌شود. تمرین‌کنندگان در مدرسه دائو آن را کاخ نیوان می‌نامند، که به همان اشاره می‌کند. اما دانشمندان پزشکی هم‌اکنون کشف کرده‌اند که قسمت جلوی این غده صنوبری، به وسیله تمام اجزای ساختار یک چشم انسان مجهز شده است. برای دانشمندان پزشکی نوین این بسیار عجیب است. چرا یک چشم در داخل وجود دارد؟ آنها آن را چشمی رشدنکرده در نظر گرفته و هنوز این چیزها را با تئوری تکامل توضیح می‌دهند. درحقیقت آن صرفاً به این شکل وجود دارد و اصلاً فاسد و تباه نشده است. وقتی شخص از به کار بردن این چشمان بشری اجتناب می‌کند، البته وقتی این چشمان بشری تزکیه شده باشند، این چشمان نیز می‌توانند نفوذ کرده و این نوع از توانایی فوق‌طبیعی را نیز داشته باشند. فای بودا بی‌کران است. به‌طور کلی، وقتی فرد از به کار بردن چشم‌ها اجتناب می‌کند، از به کار بردن چشمانی که از مولکول‌ها تشکیل شده‌اند برای نگاه کردن اجتناب می‌کند، او خواهد توانست این بُعد را شکافته و صحنه‌هایی را در بعدهای دیگر ببیند. این صرفاً چنین اصلی است. بنابراین تمرین‌کنندگان می‌توانند چیزهایی را ببینند که مردم عادی نمی‌توانند ببینند. البته برخی از مردم عادی گاه‌گاهی پدیده‌های غیرقابل توضیحی را در زندگی خود به صورت مبهم می‌بینند. برای مثال ممکن است ببینند شخصی از جلوی چشمان‌شان عبور می‌کند و فوراً ناپدید می‌شود، یا ممکن است چیزی دیده باشند یا صداهایی شنیده باشند. آن احتمالاً وضعیتی است که در واقع چیزی در بعد دیگر را به‌طور مبهم دیده یا شنیده‌اند. به‌خاطر اینکه چشم سوم فرد به‌طور خیلی محکمی مهر و موم نشده یا گوش‌هایش خیلی محکم مهر و موم نشده، هر از چندگاهی می‌تواند صداهایی از بعدهای دیگر بشنود یا پدیده‌هایی از بعدهای دیگر را ببیند.

درباره این بعد که نوع بشر در آن زندگی می‌کند، صحبت کرده‌ام. در واقع این سیاره که نژاد بشر بر روی آن ساکن است نه بزرگترین ذره است و نه بزرگترین ماده. فراتر از سیارات هنوز مواد بزرگتری وجود دارند! از این‌رو، چشمان بودا شاکيامونی می‌توانست مواد کاملاً میکروسکوپی را در جهان کوچک بی‌نهایت ریز ببیند و می‌توانست ماده کاملاً عظیم و بزرگ را در جهان ماکروسکوپی ببیند. اما در انتها بودا شاکيامونی نتوانست ببیند که سرانجام این جهان چقدر بزرگ است. بنابراین، این‌طور بیان کرد: «آنقدر بزرگ است که هیچ سطح خارجی ندارد و آنقدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد.» چقدر این جهان عظیم است! لطفاً درباره اینکه چقدر پیچیده است بیندیشید. آن خلاف چیزی است که نوع بشر می‌داند. حتی برای این بعد ما، این شکل، آن کاملاً پیچیده است! علاوه بر این شکل بعدی، شکل بعدی دیگری هست که به صورت عمودی وجود دارد، و درون گستره این بعد عمودی نیز بهشت‌های یگانه بسیاری وجود دارد. آن بسیار پیچیده است. جهان‌های یگانه‌ای که درباره آنها صحبت می‌کنم به بهشت‌ها و غیره اشاره می‌کند. هر بُعد، زمان مکان متفاوتی دارد. آیا فکر می‌کنید زمان در بُعدی که از اتم‌ها

ساخته شده، می‌تواند با زمان در بُعد ما اینجا که از مولکول ساخته شده، یکسان باشد؟ مفهوم مکان و فاصله آن نیز با مفهوم آنها برای ما، متفاوت است، و هر چیزی متفاوت می‌شود. چرا سفینه‌های فضایی موجودات فضایی یک مرتبه ظاهر می‌شوند و می‌روند و بسیار سریع پرواز می‌کنند؟ آنها در بُعدهای دیگر سفر می‌کنند؛ آن بسیار ساده است. اگر انسان سعی کند پدیده‌های غیرقابل توضیح در جهان را از منظر علمی حال حاضر خودش درک کند یا از این شیوه برای مطالعه تزکیه یا مذاهب استفاده کند، هرگز در تحقیقاتش به آن دست نخواهد یافت. او باید شیوه تفکر خود را تغییر دهد، و باید آن را از منظری دیگر درک کند. در تاریخ بشر، علم فقط آن به اصطلاح علم تجربی امروزه‌ای نیست که اروپاییان کشف یا اختراع کردند. این گونه نیست که فقط این یک مسیر وجود داشته باشد؛ مسیرهای دیگری نیز وجود دارد. برای آن تمدن‌های باستانی که بر روی زمین کشف شده‌اند و زمانی در تاریخ وجود داشته‌اند، دوره پیشرفت آنها همگی راه‌های متفاوتی برای درک زندگی، ماده، و جهان را برگزیده بودند. علم باستانی چین نیز مسیر دیگری را انتخاب کرد. فرهنگ چین، با اینکه سطوحی که در برمی‌گرفت بسیار بالا بود، اما از آنجاکه دیگر اخلاقیات مردم خوب نبود، آن نیز متوقف شد. بنابراین آن منتقل نشد و به جای آن، این پایین‌ترین شکل علم از غرب برای انسان به‌جای ماند. بنابراین، این نسبتاً ناکامل است.

پیش‌تر گفتم که انسان در این بعد فیزیکی ما خلق نشد و درباره هدف از موجودی بشری بودن، صحبت کردم. اگر انسان به انحطاط ادامه دهد، با نابودی روبرو خواهد شد، یک نابودی کامل، که «انهدام بدن و روح» نامیده می‌شود. آن بسیار وحشتناک است! بنابراین، بوداها دقیقاً می‌خواهند انسان را از مواجهه با چنین موقعیت ناگزیری نجات دهند و شما را نجات داده و به بهشت برده و از رنج بشریت دور کنند. آن حقیقتاً و به‌طور اساسی مسئله رنج کشیدن انسان را حل می‌کند. نقطه شروع باور داشتن به بوداها برای مردم امروزه، کاملاً متفاوت از مردمی است که در روزگار باستان به بوداها اعتقاد داشتند. در گذشته افرادی که به بوداها اعتقاد داشتند آنها را پرستش می‌کردند، به‌سوی بودا شدن تزکیه می‌کردند، به بوداها احترام می‌گذاشتند و هیچ انگیزه دیگری نداشتند. امروزه مردم به بوداها اعتقاد دارند تا چیزی از آنها درخواست کنند، اما برای بوداها این ذهنیت در طلب بودن کثیف‌ترین و پلیدترین ذهنیت است. بنابراین، همگی درباره این بیندیشید. بوداها اینجا هستند تا شما را نجات دهند، اما شما برای راحتی و خوشبختی در میان مردم عادی دعا می‌کنید. اگر واقعاً اجازه می‌داشتید با بهره‌مندن شدن از برکات شاد باشید و در میان مردم عادی بسیار راحت زندگی کنید، واقعاً نمی‌خواستید یک بودا شوید. هم‌اکنون یک بودا می‌بودید. این چگونه می‌تواند امکان‌پذیر باشد؟ به جای بازپرداخت کارمایی که زندگی پس از زندگی بدهکار هستید و اعمال بدی که انجام داده‌اید، فقط به دنبال خوشبختی می‌گردید. آن چگونه می‌تواند با در طلب بودن به دست آید؟ شما فقط یک انتخاب دارید: تزکیه کنید و فقط آن‌گاه می‌توانید کارمایی که بدهکار هستید را از بین ببرید. فرض کنید نمی‌خواهید یک بودا شوید، باید شخص خوبی باشید، کارهای خوب بیشتری انجام دهید، کارهای شروانه کمتری انجام دهید. فقط در این صورت می‌توانید در آینده خوشبخت باشید، و زندگی خود واقعی شما می‌تواند ادامه پیدا کند. اما ممکن است پس از اینکه در زمان بازپیدایی، مغزتان پاک شد، در محیط بدی بازپیدا شوید و همراه با جریان آن، تا مرز نابودی بروید.

الان ذکر کردم که بودا شاکيامونی گفت این جهان آنقدر بزرگ است که هیچ سطح خارجی ندارد و آنقدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد. شاید برخی هنوز معنی این گفته را کامل درک نکنند. بودا شاکيامونی حقیقتاً چه چیزی را دید؟ او درباره تئوری سه‌هزار جهان بزرگ صحبت کرد. بودا شاکيامونی گفت نه تنها افرادی که در بُعدهای دیگر زندگی می‌کنند، با بدن فیزیکی بشری مشابه ما، مانند ما هستند، بلکه سه‌هزار عدد از چنین جهانی نیز وجود دارد که مانند اجتماع بشری ما هستند. درون گستره این راه شیری سه هزار عدد از چنین سیاراتی وجود دارند. به‌علاوه، او مطلب دیگری نیز بیان کرد و گفت: «یک دانه شن از سه‌هزار جهان تشکیل شده است.» او گفت درون یک دانه شن سه‌هزار عدد از چنین بعدی که نوع بشر ما بر روی آن ساکن است وجود دارد. اما درباره تناسب اندازه برای مردم آنجا، شما نمی‌توانید درک و مفاهیم علم نوین را برای فهمیدن آنها به کار ببرید چراکه آنها در حالت دیگری از زمان و مکان وجود دارند.

برخی از مردم ممکن است آنچه که می‌گوییم به نظرشان عجیب و غیرقابل درک باشد. همگی سعی کنید درباره آن بیندیشید. زمین به‌طور خیلی منظمی می‌چرخد. پس چه تفاوتی است بین چرخش الکترون‌ها دور هسته اتم و چرخش زمین به دور

خورشید؟ آنها الگوی مشابهی دارند. اگر می‌توانستید یک الکترون را به اندازه زمین بزرگ کنید و نگاهی به آن می‌انداختید، می‌دیدید که آیا بر روی آن، حیات وجود دارد یا خیر و چه نوع ماده‌ای بر روی آن وجود دارد. بودا شاکيامونی گفت: «آنقدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد.» او تا چه اندازه‌ای دید؟ در دنیای ذره‌بینی ماده، او توانست چیزی بسیار میکروسکوپی ببیند. او گفت در یک دانه شن سه‌هزار دنیای عظیم وجود دارد. درون یک دانه کوچک شن سه‌هزار دنیای عظیم وجود دارد. پس همگی سعی کنید لحظه‌ای ببینید. اگر آنچه بودا شاکيامونی گفت حقیقت داشته باشد، درون آن دانه شن، در آن جهان، آیا رودخانه‌ها، جویبارها، دریاچه‌ها و دریا‌هایی نیز وجود ندارد؟ پس در کناره‌های آن رودخانه‌ها، جویبارها، دریاچه‌ها و دریاها آیا شنی وجود ندارد؟ سپس درون آن دانه شن آیا سه‌هزار دنیای عظیم نیز وجود ندارد؟ پس در آن شن درون آن دانه شن، آیا هنوز سه‌هزار دنیای عظیم وجود ندارد؟ با جستجوی بیشتر، بودا شاکيامونی پی برد که آن بی‌انتهاست. بنابراین این گفته را بیان کرد: «آنقدر کوچک است که هیچ سطح داخلی ندارد.» او اصلی‌ترین منشأ ماده را ندید. البته ما درباره این اصلی‌ترین سرچشمه ماده در گذشته صحبت کرده‌ایم، بنابراین اینجا بیشتر در مورد آن صحبت نمی‌کنم. اگر چیزی بسیار عمیق و ژرف بگوییم، ممکن است مردم آن را درک نکنند، مخصوصاً وقتی بسیاری از افراد، زبان چینی را کاملاً درک نمی‌کنند، بنابراین درباره چیزهایی در این خصوص زیاد صحبت نخواهم کرد. فکر می‌کنم ابتدا همین مقدار می‌گوییم. اکنون می‌توانید پرسش‌های خود را در ارتباط با تزکیه و مطالعه فا بالا بفرستید و من برای شما به آنها پاسخ می‌دهم.

پرسش: ما کتاب «جوآن فالون» یک و دو را خوانده‌ایم، در آن جمله‌ای پیدا کردم که درک آن ساده نیست، زیرا سابقاً مرید روش تانتريسم بوده‌ام. موضوعی که عنوان شده این است که به‌نظر می‌رسد سطوح بودی‌سات‌واها و تاتاگاتاها هم‌اکنون در حال تجربه فاجعه هستند؟

استاد: این سؤالی بسیار سطح بالا است. فقط وقتی از طریق تمرین تزکیه به سطح بالایی رسیده باشید، می‌توانید آن را ببینید و درک کنید. البته صرفاً می‌توانم به شما پاسخی کلی و ساده بدهم. این حقیقت که این فا در سطح بشری دیگر مؤثر نیست به این دلیل است که اخلاقیات جامعه بشری در کل به انحطاط رفته است. ارزش‌های اخلاقی در قلب مردم فاسد شده است. وقتی ذهن درستی وجود نداشته باشد، به این معنی است که فا دیگر مؤثر نیست. وقتی فا دیگر در جامعه بشری مؤثر نباشد، بشریت سقوط خواهد کرد. اگر این فا غیرمؤثر شود نه از این اجتماع نوع بشر، بلکه از بُعدی بسیار سطح بالا، آنگاه آن موجب انحراف می‌شود و موجودات فیزیکی به پایین سقوط می‌کنند. آنها دیگر خوب نیستند، پس به پایین سقوط می‌کنند. در آن صورت، اگر موجب مشکلاتی در سطحی وسیع شود، آن دیگر فقط مسئله بشریت نیست. برای مثال، این دافا تمام مسیر به پایین می‌آید. اگر در بالا مقدار بسیار کمی منحرف شود، زیر آن، همه چیز به‌طوری بسیار گسترده‌ای تغییر می‌کند. آن مانند شلیک یک گلوله است. اگر نشانه‌گیری شما فقط به میزان اندکی خارج از هدف باشد، آنگاه وقتی گلوله بیرون می‌آید، نمی‌دانید به کجا اصابت خواهد کرد. چرا چنین تغییر عظیمی آن پایین اتفاق می‌افتد؟ تغییر در جامعه بشری کاملاً وحشتناک بوده است! مردم در انجام کارهای شیطانی مانند مصرف و خرید و فروش مواد مخدر از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند. بسیاری از افراد کارهای بسیار بد زیادی انجام می‌دهند. چیزهایی مانند جنایات سازمان‌دهی شده، همجنس‌بازی، روابط جنسی نامتعارف و غیره، هیچ یک از اینها استانداردهای موجود بشری نیست. بوداها چگونه به این مسائل نگاه می‌کنند؟ حکومت شما آنها را مجاز می‌داند. قوانین آنها را مجاز می‌داند. اما آن فقط تأییدی به‌وسیله خود انسان‌ها است. اصول آسمان آنها را مجاز نمی‌داند! در گذشته مردم به‌دنبال چیزهای خوب و زیبا بودند. اکنون به اسباب‌بازی‌هایی که فروخته می‌شوند و به نقاشی‌هایی که کشیده می‌شوند نگاه کنید، همگی آنها به‌طور تصادفی و اتفاقی رنگ‌ها را با هم ترکیب و آغشته کرده‌اند و این استعداد هنری است. آن چیست؟ هیچ کسی با اطمینان نمی‌تواند بگوید. تمام مفاهیم بشری در مسیر مخالف در حال تغییر هستند. توده‌ای آشغال آنجا پخش می‌شود و تبدیل به اثری شاهکار در مجسمه‌سازی می‌شود. تمام پدیده‌های اجتماعی مانند این است. درخصوص اسباب‌بازی‌ها در فروشگاه‌ها، حتی مدفوع را به شکل اسباب‌بازی درآورده و می‌فروشند. در گذشته یک عروسک باید بسیار زیبا ساخته می‌شد تا مردم تمایل به خرید آن داشته باشند. اکنون اسکلت‌ها، شخصیت‌های اهریمنی، دیوها، شیاطین، ارواح و هیولاها را به شکل اسباب‌بازی می‌سازند، و آنها به‌سرعت فروش می‌روند. افرادی که افکار مهربان ندارند تمایل به خرید آنها دارند. این چه موضوعی را روشن

می‌کند؟ ارزش‌های مردم به‌طور بدی در حال انحطاط است! در گذشته خوانندگان صدای زیبایی داشتند و از مدارس موسیقی فارغ‌التحصیل می‌شدند. فیزیک و رفتار و سلوک شخص باید تا حد ممکن برزنده باشد چراکه موسیقی برای این است که به مردم حسی از زیبایی بدهد. امروزه افرادی هستند که به‌سختی می‌توان تشخیص داد مرد هستند یا زن، با موهای بلند، که با هیجان فریاد می‌زنند «آه!» و با کمک تبلیغات تلویزیون به خواننده‌ای ستاره تبدیل می‌شوند. همه چیز در حال فاسد شدن است و هر چیزی از بشریت در حال انحطاط است. همچنین پدیده‌های بسیاری وجود دارند که به‌شدت وحشتناک هستند! اگر شما تزکیه نکنید متوجه آنها نخواهید شد. درک انسان از مذاهب نیز متفاوت شده است و با آن به‌صورت امور سیاسی برخورد می‌کند. برخی افراد به‌محض باز کردن دهان‌شان به بو‌ها توهین می‌کنند. حتی به‌اصطلاح «بودا از روی دیوار می‌پرد» در منوی یک رستوران وجود دارد. این تهمت و افترا به بو‌ها است! امروزه چه اتفاقی برای جامعه بشری افتاده است؟ اگر تزکیه نکنید نمی‌دانید. وقتی تزکیه کنید، اگر برگشته و نگاهی بیندازید شوکه می‌شوید! همگی درباره آن ببینید. این بشریت در انزوا تا این حد فاسد نشده است. آن به این خاطر است که مشکلاتی برای این فا در بُعدهای خاصی اتفاق افتاده است. آن در نتیجه این است که مواد بسیار و حیات‌های بسیاری از فا منحرف شده‌اند. فقط به این شیوه می‌توانم آن را به شما بگویم. اگر خیلی عمیق درباره آن صحبت کنم، بسیاری از افراد که اینجا نشسته‌اند نمی‌توانند آن را درک کنند. فکر می‌کنم وقتی آن را به این شیوه مطرح کنم شما آن را درک خواهید کرد.

پرسش: در ابتدا خیلی خجالت می‌کشیدم، اما اگر از این فرصت استفاده نکنم، واقعاً می‌ترسم آن را از دست بدهم. این سؤالی است که بسیاری از افراد نتوانستند پاسخ دهند. امروز معلم اینجا است، و این فرصت بسیار گرانبها است. آن این است که سال‌ها پیش یک بار برطبق روش تانتریک حدود ساعت ۱۲ نیمه شب مدیتیشن نشسته انجام می‌دادم. من در گذشته تانتریک را تمرین کردم. به‌هرحال، مانند ملخ هواپیما شروع به چرخیدن کردم. آنقدر سریع بود که نمی‌توانم آن را توصیف کنم، و به همین شکل در هوا شناور شدم. به این اندازه از زمین بلند شدم و از بالای سر خود بیرون آمدم. وقتی که از بالای سر خود خارج می‌شدم یک مقدار درد تیز وجود داشت. وقتی با همان درد به بالا رفتن ادامه دادم، بسیار وحشت‌زده بودم. فکر کردم شاید روحم بدنم را ترک کرده است، نمی‌توانستم بدنم را ببینم. روز بعد، پدیده‌ای عجیب اتفاق افتاد. در روز روشن در اتاق نشسته بودم که یک هاله و نور تیره‌ای دیدم. پنج دقیقه بعد آن ناپدید شد. روز سوم یک فالون دیدم. چه اتفاقی در حال وقوع بود؟

استاد: اگرچه شما در گذشته تانتریک را تمرین می‌کردید، اما آن تأثیری نداشته است. چرا توانستید یک فالون ببینید؟ زیرا ما از همان زمان قبل از تزکیه‌تان در حال مراقبت از شما بوده‌ایم. برای یک تمرین‌کننده بلند شدن از زمین بسیار ساده است، درحالی که دانشمندان نمی‌توانند امروزه آن را توضیح دهند. درحقیقت وقتی تمام کانال‌های بدن یک فرد به‌طور کامل باز شده باشد، او می‌تواند پرواز کند. حتی اگر نتواند پرواز کند، هنگام راه رفتن نیز احساس سبکی و شناور بودن خواهد داشت. خواه هنگام پیاده‌روی باشد یا بالا رفتن از پله‌ها، احساس خستگی نخواهد کرد. این زمانی است که کانال‌ها باز شده‌اند، و آن به این شکل خواهد بود. درخصوص بیرون آمدن روح اصلی فرد، روح اصلی برخی از افراد می‌تواند به‌راحتی بدن‌شان را ترک کند درحالی که روح اصلی افراد دیگر به آن راحتی نمی‌تواند بیرون آید. پس از اینکه آن بدن شما را ترک کرد، فالون، بدن شما را که پرواز کرده بود به حرکت درآورد. بنابراین به‌سرعت می‌چرخید. درخصوص اینکه جرأت نداشتید آنقدر بالا بروید، به این خاطر است که در آن زمان، شما فقط به آن ارتفاع انرژی داشتید. اولین باری که با این نوع مسئله مواجه شوید خواهید ترسید. همه می‌ترسند. درحقیقت تمرین‌کنندگان بسیاری در فالون دافای ما هستند که پرواز کرده‌اند. آن کاملاً عادی است. وقتی یک تمرین‌کننده تزکیه را آغاز می‌کند، شروع می‌کند که کانال‌های خود را باز کند. سپس، به‌محض اینکه مدار آسمانی بزرگ شخص باز شود، او می‌تواند پرواز کند.

این را آشکار کرده‌ام، اما هنوز مایلیم به همه توصیه کنم که هیچ‌کسی نباید این فکر را داشته باشد: «چقدر فوق‌العاده می‌بود اگر می‌توانستم پرواز کنم!» یک‌بار که ایده در طلب بودن را داشته باشید، حتی اگر بتوانید پرواز کنید، پرواز نخواهید کرد. آن به این دلیل است که تمرین تزکیه مستلزم بی‌قصدی، خالی بودن، و تزکیه هدفمند اما بدون قصد دستیابی است. شخص باید قصد

تزکیه را داشته باشد اما بدون قصد به دست آوردن گونگ. هرکسی باید چنین حالتی را در تمرین تزکیه خود حفظ کند. اگر فرد همیشه در تمام روز دربارهٔ بوداشدن فکر کند، آن یک وابستگی قوی است. شخص اگر این وابستگی را رها نکند هرگز به آن دست نمی‌یابد. بنابراین تمرین تزکیه زدودن وابستگی‌های بشری است. در میان مردم عادی هر چیزی که به آن چسبیده باشید یک وابستگی است. با صحبت درباره طلب کردن این و طلب کردن آن، هرچه بیشتر آن را بخواهید، کمتر آن را خواهید داشت. فقط هنگامی که از این وابستگی دست بکشید آن را خواهید داشت. همگی باید مطمئن شوید که این اصل را به خاطر می‌سپارید. در میان مردم عادی اگر بخواهید چیزی را کسب کنید، می‌توانید در طلب آن باشید، آن را مطالعه کنید، و پس از تلاش بسیار آن را به دست آورید. اما برای چیزهایی ورای مردم عادی، فقط با رها کردن آن می‌توانید آن را کسب کنید. آن چه نامیده می‌شود؟ آن نامیده می‌شود «به‌طور طبیعی به دست آوردن، بدون در طلب بودن».

شما به مسئله ترس اشاره کردید. درحقیقت چیزی برای ترسیدن وجود ندارد. اگر پرواز می‌کنید، صرفاً پرواز می‌کنید. شما ترسیده بودید زیرا کسی در آن زمان درباره آن به شما نگفته بود و در میان مردم عادی استادی نبود تا به شما آموزش دهد. پرواز پدیده‌ای بسیار عادی است، که به وسیله ذهن فرد کنترل می‌شود. اگر بگویید «می‌خواهم پایین بیایم»، به محض اینکه که به آن فکر کنید پایین خواهید آمد. دوباره اگر بخواهید، می‌توانید پرواز کنید. اگر به طور فزاینده‌ای بترسید، آن نیز یک وابستگی است، و به راحتی سقوط می‌کنید. بنابراین مطمئن شوید که هرگز نمی‌ترسید. در گذشته شخصی بود که از طریق تزکیه به مقام یک آرهات رسید، و به محض اینکه مشعوف شد سقوط کرد. چرا؟ شعف، شعف بشری نیز یک تجلی احساسات و یک وابستگی است. به‌عنوان فردی که در تزکیه موفق شده است، اگر به او دشنام دهید یا چیز ناخوشایندی به او بگویید، تکان نمی‌خورد. همچنین اگر چیزهای خوبی دربارهٔ او بگویید تکان نمی‌خورد. اگر چیز بدی درباره او بگویید به دل نمی‌گیرد. بنابراین وقتی مشعوف شد، سقوط کرد. اینکه از طریق تزکیه به مقام یک آرهات رسید نیز کار خیلی راحتی نیست. در انتها این شخص دوباره به تزکیه ادامه داد! چند سال بعد دوباره به سطح یک آرهات رسید. این بار با خود فکر کرد، «نباید مشعوف شوم. اگر مشعوف شوم، دوباره سقوط خواهم کرد.» سپس در ذهنش از مشعوف شدن ترسید. بنابراین وقتی ترسید دوباره سقوط کرد زیرا چنین ترسی نیز یک وابستگی است. تزکیه بوداشدن مسئله‌ای بسیار جدی است، شوخی نیست! بنابراین همگی باید به این مسئله توجه کنند.

پیش از این که به پرسیدن سؤالات ادامه دهید، بایستی مسئله دیگری را ذکر کنم، این که باید در تمرین خود به یک روش تزکیه پای‌بند باشیم. می‌دانم که بسیاری از افرادی که اینجا نشسته‌اند در گذشته تانتریسیم را مطالعه کرده‌اند. بسیاری از مردم به بودیسم اعتقاد دارند، و بسیاری به مسیحیت یا کاتولیک باور دارند. گفته‌ام که شخص باید فقط به یک روش تزکیه پای‌بند باشد! چرا فرد باید به یک روش تمرین بچسبند؟ این یک حقیقت مطلق است! این دلیل اصلی آن است که چرا امروزه مردم نمی‌توانند در تزکیه خود در دوره پایان دارما موفق شوند. آن چند دلیل دارد: قادر نبودن به درک فا، و دیگری مخلوط کردن روش‌های تزکیه با هم. مخلوط کردن روش‌های تزکیه یک دلیل اساسی است. وقتی به این روش تمرین می‌کنید، نباید روش‌های دیگر را تمرین کنید. چرا این را به شما می‌گویم؟ آن به این علت است که عبارت «برداشتن بهترین‌های هر مدرسه» چیزی است که مردم عادی می‌گویند، و آن اصلی است برای دنبال کردن مهارت‌ها و تکنیک‌هایی در میان مردم عادی. اما اصول تمرین تزکیه چسبیدن به یک روش تمرین را لازم می‌داند. در بودیسم نامیده می‌شود تنها به یک روش تزکیه چسبیدن. اگر بگویید که هر دوی مدرسه بودا و مدرسه دائو را دنبال می‌کنید، چیزی را به انجام نخواهید رساند. هیچ کسی به شما گونگ نمی‌دهد زیرا «تمرین تزکیه به شخص بستگی دارد درحالی که تبدیل گونگ به استاد بستگی دارد.» لطفاً درباره آن بیندیشید. آیا فرد می‌تواند صرفاً با انجام تمرین چی‌گونگ یک بودا شود؟ آیا فرد صرفاً با خواندن ذکرهای تانتریک به‌علاوهٔ برخی فعالیت‌های ذهنی و تعدادی حرکات دست می‌تواند یک بودا شود؟ خواست ذهنی بشری چیزی به جز یک آرزو نیست. آنچه واقعاً باعث می‌شود چیزها اتفاق بیفتند استاد است! برخی از افراد ممکن است فکر کنند: «از آنجاکه همگی به مدرسه بودا تعلق دارند، آیا این خوب نیست که هر دوی بودیسم و تانتریسیم، و نیز چی‌گونگ مدرسه بودا را تمرین کنیم؟» این یک درک بشری است، و خدایان این گونه فکر نمی‌کنند. همگی درباره آن بیندیشید. چگونه بودا تاتاگاتا یا بودا آمی‌تابا در تزکیه خود موفق شدند؟ آنها بر طبق روش خود در تمرین تزکیه، تزکیه خود را کامل کردند. آن همچنین بر طبق شکل‌های تبدیل شدن گونگ‌شان بود که گونگ‌شان

شکل‌گیری بهشت‌شان و موفقیت‌شان در تزکیه را کامل کرد. هر چیزی که آنها دارند به‌وسیله عناصر شیوه تزکیه خودشان در طول دوره تزکیه ایجاد شده بود.

روش بودا شاکيامونی در کامل کردن تزکیه «احکام (اخلاقیات)، سامادی (مدیتیشن)، خرد» نامیده می‌شود. شخص باید چهار نوع مدیتیشن عمیق و هشت شکل از تمرکز، و غیره را تزکیه کند و روش تزکیه او را دنبال کند. در تمرین این روش تزکیه، گونگ شما همچنین باید آن گونگ تزکیه‌شده توسط بودا شاکيامونی باشد. فقط در آن صورت می‌توانید از طریق تمرین تزکیه به مکان او بروید. اگر بخواهید تانتريسم را تمرین کنید، باید الزامات «بدن، زبان، ذهن» در تانتريسم را دنبال کنید، و فقط در آن هنگام می‌توانید از طریق تزکیه به بهشت تحت سرپرستی تاتاگاتایی [به اسم] «داری» بروید. اگر همه چیز را تمرین کنید، چیزی به‌دست نخواهید آورد. اگر مدرسه سرزمین پاک را تمرین کرده و بودا آمی‌تابا را به‌صورت ذکر بخوانید، اما برگشته و تئوری‌های بودیسم ذن را نیز مطالعه کنید، به همین شکل چیزی کسب نخواهید کرد. یک شخص صرفاً یک بدن دارد. هر کسی می‌داند آن کار راحتی نیست که بدن فرد را به شکل یک بودا یا بدن یک بودا تبدیل کرد و شما خودتان نمی‌توانید آن را انجام دهید. آن باید توسط یک بودا انجام پذیرد. آن کاری فوق‌العاده پیچیده است که بدن‌تان را به یک بدن بودا تبدیل کرد، و آن پیچیده‌تر از دقیق‌ترین ابزار و وسایل نوع بشر است. او در بدن شما سیستمی نصب می‌کند که یک مکانیزم انرژی نامیده می‌شود. به‌علاوه بذره‌های زیادی را سر جای خود می‌گذارد تا نیروهای خدایی مختلف بودا را رشد داده و آنها را در منطقه دن‌تی‌ان (زیر شکم) می‌کارد. تمام این چیزها به مدرسه تزکیه او تعلق دارد به‌طوری که می‌توانید در مدرسه او تزکیه کرده و از طریق تزکیه خود به بهشت آن بودا بروید. اگر بر یک مدرسه تمرکز نکنید، با فقط یک بدن، چگونه می‌توانید یک نفر را برای دو بهشت بودا تزکیه کنید؟ چگونه می‌توانید در تزکیه دو تا از شما موفق شوید؟ وقتی بوداها می‌بینند که شما به این صورت هستید، هیچ یک از آنها هیچ چیزی به شما نخواهند داد، و فکر می‌کنند که شین‌شینگ‌تان خوب نیست. ساده بگوییم، آنچه انجام می‌دهید این است که موجودی بشری تلاش می‌کند تا فای بودا را آشفته کند. برای یک بودا تاتاگاتا موفقیت در تزکیه بودا تاتاگاتا چقدر سخت و دشوار است! برای یک بودا تاتاگاتا که تزکیه بودا تاتاگاتا را کامل کند، چقدر رنج باید تحمل کند قبل از اینکه در تزکیه یک بودا تاتاگاتا موفق شود! به‌عنوان یک شخص عادی، اگر بخواهید چیزهای او را تغییر داده یا آنها را با مخلوط کردن دو چیز با یکدیگر درهم و برهم کنید و آنچه که دو بودا به آن روشن‌بین شدند را آشفته کنید، آیا این تخریب فای بودا نیست؟! آن این‌قدر جدی است! به هر حال راهبان و نوع بشر امروزه درحال تخریب فای بودا هستند، و هنوز حتی آن را نمی‌دانند. البته اگر ندانید، نمی‌توانیم فقط شما را مقصر بدانیم. اما اگرچه آن تماماً تقصیر شما نیست، اما هنوز چیزی به شما داده نخواهد شد. به یک شخص اجازه داده نمی‌شود که به‌طور عمد فای بودا را درهم و برهم کند. برای دو مدرسه فای بودا، فای دو بودا تاتاگاتا، که توسط شما آشفته شود، آن مطلقاً غیرممکن است! بنابراین تا زمانی که تزکیه را مخلوط می‌کنید، غیرممکن است چیزی را به‌دست آورید. این‌طور نیست که بگوییم اگر فقط شیوه‌های مدرسه بودا را تمرین کنید و نه شیوه‌هایی از مدرسه تائو، آن اشکالی ندارد. اگر شما بودیسم ذن، تانتريسم، شاخه سرزمین پاک، شیوه تزکیه‌ای هوایان، و شیوه تزکیه‌ای تیان‌تای از مدرسه بودا را تمرین کنید، هنوز درحال آشفته کردن چیزها هستید. آن بی‌ملاحظه بودن نامیده می‌شود، و هیچ چیزی به‌دست نمی‌آورد. واقعاً هیچ چیزی کسب نخواهید کرد، بنابراین باید به یک روش تزکیه چسبیده، و فقط در این صورت می‌توانید تزکیه خود را کامل کنید.

آنچه اینجا درحال گفتن آن هستم یک اصل است. نمی‌گویم که باید این فالون دافای لی هنگ‌جی را مطالعه کنید. مانند بودیسم بودا شاکيامونی، فالون دافای ما یکبار در مقیاسی وسیع در جامعه بشری مردم را در طول زمان پیش از تاریخ نجات داد. در این دوره تمدن بشری، هرگز آن انجام نشده است. از زمان ظهور نوع بشر در این زمان، اولین بار است که دوباره آن را عمومی کرده‌ایم، و همچنین می‌تواند آخرین بار باشد که آن علنی می‌شود و به انسان آموزش داده می‌شود. در عین حال آن چیزی است که هرگز معیوب و ناقص نخواهد شد. البته ما بهشت فالون را داریم، و آن مریدانی که تزکیه خود را کامل می‌کنند می‌توانند به بهشت فالون بروند. اما نمی‌گویم که شما باید در فای من تزکیه کنید. شما ممکن است در هر نوع فای دیگری تزکیه کنید. تا آنجا که آن یک فای راستین باشد یا اگر شما قادر باشید آموزش‌های واقعی از آن مدرسه را دریافت کنید و فکر کنید که می‌توانید

تزکیه خود را در آن مدرسه کامل کنید، پیش بروید و در آن تزکیه کنید. اما به شما نصیحت می‌کنم که فقط به یک مدرسه بچسبید.

همچنین در حال گفتن این به همگی هستم که یک بودا نمی‌تواند مستقیماً بیاید تا شما را با ظاهر واقعی بودا نجات دهد، و قدرت‌های الهی عظیمی به نمایش گذارد. اگر یک بودا اینجا بنشیند و به شما فا را آموزش دهد، آن نجات مردم نیست. آن تخریب فانی نامیده می‌شود. با دیدن یک بودای واقعی در اینجا، افرادی با همه نوع گناهان غیرقابل بخشش نیز می‌آیند تا آن را یاد بگیرند و دیگر نیازی به روشن بینی نمی‌بود. چه کسی آن را یاد نمی‌گرفت. تمام نوع بشر آن را می‌آموخت. آیا به این صورت نمی‌بود؟ از این رو فقط استادی که در میان مردم عادی باز پیدا شده است می‌تواند آن را آموزش دهد و مردم را نجات دهد. یک مسئله روشن بینی در این وجود دارد. این به شما بستگی دارد که آن را باور کنید یا نه. اما می‌توانید خودتان فا را بسنجید. به هر حال، به خاطر اینکه نسبت به شما مسئول هستم چنین اصلی را فاش می‌کنم. این را به شما می‌گویم زیرا می‌خواهید تزکیه کنید. در غیر این صورت مشابه این می‌بود که نسبت به شما مسئول نیستم. اکنون که شما چنین فرصت و رابطه‌ای تقدیری دارید که اینجا بنشینید، به شما درباره آن می‌گویم. امروزه بسیار مشکل است که در هر مدرسه‌ای در تزکیه موفق شد و دیگر هیچ کسی به آن اهمیتی نمی‌دهد. نکته مهم این است که تمرین‌های تزکیه همگی آشفته شده‌اند. البته اگر فکر می‌کنید که می‌توانید خودتان آن را به طور مناسبی اداره کنید، می‌توانید خودتان تزکیه کنید. اگر فکر می‌کنید می‌توانید تزکیه را با موفقیت کامل کنید، پس اشکالی ندارد که در هر مدرسه‌ای تزکیه کنید. آن صرفاً به این شکل است. زیرا بوداها برای نوع بشر نیت خوبی دارند، به علاوه به همگی می‌گویم که اگر می‌خواهید تزکیه کنید، باید به یک مدرسه بچسبید. نباید هم‌زمان حرکاتی از مدارس دیگر را تمرین کنید، و نه آموزش‌های مدارس دیگر را بخوانید. شما نباید در ذهن‌تان درباره چیزهای آن مدارس دیگر فکر کنید، و نه حتی یک نیت ذهنی داشته باشید. زیرا در تمرین گونگ چیزهای بسیاری به خواست ذهنی متکی است. یکبار که خواست ذهنی پیش بیاید، آن تبدیل به یک درطلب بودن می‌شود. اگر شما به دنبال چیزی بروید، آن می‌آید. آنگاه گونگ در بدن شما درهم و برهم خواهد شد، و فالون از شکل خواهد افتاد و تأثیر خود را از دست خواهد داد. تزکیه‌تان بیهوده می‌شود.

به همه می‌گویم که این فالون حقیقتاً بسیار ارزشمند است. با اینکه آن را به شما داده‌ام پیش از آنکه انتقال آن را شروع کنم، کسانی که برای هزاران سال در تائو تزکیه کرده‌اند تا آن را به دست بیاورند، نتوانستند آن را کسب کنند. پس از به دست آوردن آن، می‌توان گفت که شخص هم‌اکنون به نیمه راه تزکیه خود رسیده است و گونگ او به صورت خودکار به وسیله فالون تبدیل می‌شود. تا وقتی قلب خود را تزکیه کنید، گونگ رشد خواهد کرد و ترفیع می‌یابد. آن یک حیات بالاتر است. به این معنی که آن حتی بالاتر از زندگی شما است. من آن را به شما داده‌ام زیرا می‌خواهید تزکیه کنید، که تجلی سرشت بودایی در شما است. با بیان چنین آرزویی، ما شما را نجات می‌دهیم و آن را به این شکل انجام داده‌ایم. آنچه کسب کرده‌اید بسیار گرانبها است. تزکیه بوداشدن موضوعی بینهایت جدی است. همچنین نمی‌توانیم به شما اجازه دهیم آن را آشفته و خراب کنید. اگر تزکیه خود را با چیزهای دیگر مخلوط کنید، باید آن را پس گرفته و اجازه ندهیم این حیات-حیاتی بالاتر- را نابود کنید. برخی افراد فکر می‌کنند: «وقتی چیزهای دیگری را مطالعه کردم چرا فالون که چنین قدرت‌های عظیمی دارد دخالتی نکرد؟» آن به این خاطر است که اصل دیگری در جهان وجود دارد، آن این است که شما خودتان تصمیم می‌گیرید که چه بخواهید. آن چیزی است که خود شما خواستید. شما چیزی شیطانی خواستید، آنگاه آن چیز شیطانی به طور فراگیری در حال گسترش است. حتی اگر آن را نخواهید، هنوز با خزیدن در اطراف به دنبال راهی است. اگر آن را بخواهید، فوراً می‌آید، و آن در کسری از ثانیه خواهد آمد. چرا فالون دخالت نکرد؟ زیرا شما آن را خواستید. بنابراین همگی باید واقعاً مراقب باشید. تمرین تزکیه انسان موضوعی بسیار بسیار جدی است.

زمانی که در حال آموزش تمرین در چین بودم، افراد زیادی بودند که چشم سوم‌شان در سطوح نسبتاً بالایی باز شد. آن نیز آسان نیست که با چشم سوم باز تزکیه کرد. آنها آن موجود خدایی بزرگ و عظیم را می‌بینند، او بزرگ و بلند قامت به نظر می‌آید زیرا شکل‌های زندگی در بدهای دیگر می‌توانند بسیار بزرگ شوند. او همچنین لباسی زرد رنگ پوشیده است. مردم فکر می‌کنند او قابلیت‌های فوق طبیعی عظیمی دارد. ممکن است به شما بگوید: «تو را به عنوان مرید خود انتخاب می‌کنم، و از من بیاموز.» اگر

وابستگی شخص ظاهر شود و فوراً از او یاد بگیرد، این شخص به یکباره تباه خواهد شد. هرچند ممکن است عظیم‌الجثه به‌نظر بیاید، اما هنوز از سه‌قلمرو بالاتر نرفته است. او چیزی نیست، فقط اینکه در این بُعد نیست، و می‌تواند بدن خود را تبدیل کند. بنابراین همگی باید مطمئن باشید که مراقب چنین مسائلی هستید. اهریمن‌هایی نیز هستند که می‌آیند تا با شما مداخله کنند: «بیا و از من یاد بگیر، و به تو چیزی خواهم آموخت.» بعضی افراد مخصوصاً آنهایی که چی‌گونگ‌های دیگر را تمرین می‌کنند، زمانی که آنجا می‌نشینند به راحتی و بی‌اختیار، برخی از انواع حرکات را انجام می‌دهند و حرکات دست آنها بسیار زیبا به‌نظر می‌آید. بگذارید به شما بگویم اهریمنان نیز چنین چیزهایی را می‌دانند. نمی‌دانید چه کسی آن را به شما داده است. بنابراین تا زمانی که در تمرین از آن پیروی کنید، چیزهایی به بدن‌تان اضافه خواهد کرد، و بدن‌تان آشفته خواهد شد. افرادی را دیده‌ام که به‌نظر می‌رسد این یا آن تمرین را انجام می‌دهند، و بدن‌شان با انواع و اقسام چیزها آشفته شده است. شما قادر نخواهید بود دیگر تزکیه کنید. ما به رابطه تقدیری باور داریم. اگر با من مواجه شوید این نیز از رابطه تقدیری شما است. اگر واقعاً می‌خواهید تزکیه کنید، کاملاً آن را برای شما پاک می‌کنیم. ما بایستی چیزهای خوب را نگه داشته و چیزهای بد را برایتان پاک کنیم. بدن‌تان پاک و هموار خواهد شد. فقط با رسیدن به حالت بدن سفید شیری، می‌توانید گونگ را رشد داده و سطح‌تان را ارتقاء دهید.

پرسش: شما فاشن زیادی دارید که می‌توانند تمرین تزکیه افراد را راهنمایی کنند. اما ما در استرالیا هستیم. چه کسی ما را راهنمایی خواهد کرد؟ چه کسی باید معلم ما باشد؟

استاد: او در اینجا پرسش بسیار مهمی را مطرح کرد. همه می‌دانند که این مسئله‌ای بسیار جدی برای شخص است که تزکیه کند. به‌خاطر اینکه فرد زندگی پس از زندگی کارما دارد و در زندگی‌های پیشین خود کارهایی انجام داده که خوب نبودند، او دشمنان و طلب‌کارانی در بُدهای دیگر خواهد داشت. اگر آن‌ها متوجه شوند که درحال تزکیه هستید، برای انتقام نزد شما می‌آیند. آنگاه یک فرد مبتدی در تزکیه با خطر تهدید جانی روبرو خواهد شد. به همین علت است که گفتم اگر استادی نمی‌داشتید کاملاً برایتان غیرممکن می‌بود در تزکیه موفق شوید، و مطلقاً غیرممکن می‌بود تا آن را به انجام برسانید. فقط اگر استادی باشد که مراقب شما بوده و از شما حفاظت کند، می‌توانید در تزکیه موفق شوید. فقط وقتی نگذاشت با هر مشکل مهمی مواجه شوید است که می‌توانید در تزکیه موفق شوید. در گذشته همه جا در جهان تمرین‌کنندگان تزکیه وجود داشتند، و تعداد نسبتاً بیشتری از آن‌ها در چین بودند. بسیاری از تمرین‌کنندگان دائوئیستی مریدانی داشتند. هرچند ممکن است متوجه شوید که در دائوئیسم، که بعداً پدیدار شد، تعداد مریدان زیاد بودند، اما استاد فقط به یک نفر به‌طور واقعی آموزش می‌داد بنابراین می‌توانست اطمینان حاصل کند که آن شخص در هیچ مشکلی نمی‌افتد. او فقط می‌توانست مراقب یک نفر باشد چراکه مدرسه دائو آرزوی ارائه نجات به همه موجودات ذی‌شعور را ندارد.

چرا می‌توانم به مردم بسیار زیادی آموزش داده و آن‌ها را نجات دهم؟ بدون درنظر گرفتن شاگردان خارجی، در چین ده‌ها میلیون نفر درحال یادگیری آن هستند. چرا هیچ اتفاقی برای کسی نیفتاده است؟ کسانی هستند که اکنون اینجا نشسته‌اند و با ماشین تصادف کردند. آن ماشین آسیب دید اما درحقیقت هیچ اتفاقی برای شخص نیفتاد. آن فرد نه دردی داشت و نه ترسیده بود، و هیچ جای بدنش آسیب ندیده بود. چرا آن به این شکل اتفاق افتاد؟ آن به این خاطر بود که آن طلبکاران سراغ شما آمدند تا (برای قرضی که به آنها بدهکار بودید) تقاضای بازپرداخت کنند. اما نمی‌توانیم اجازه دهیم خطر واقعی برای شما اتفاق بیفتد، اما بدهی‌ها باید پرداخت شوند. بدون حفاظت استاد، او فوراً می‌مرد. اگر او می‌مرد چگونه می‌توانست تزکیه کند؟ فاشن بی‌شماری دارم که دقیقاً شبیه من هستند. آن‌ها در بُعدی دیگر هستند، پس البته که می‌توانند بزرگ یا کوچک شوند. آن‌ها می‌توانند بسیار بزرگ یا بسیار کوچک شوند. خرد آن‌ها با همان قدرت فاما مانند آنچه که یک بودا دارد کاملاً باز شده است. بدن اصلی اینجا با من است، و آن‌ها این توانایی را دارند تا کارها را به‌طور مستقل انجام دهند. آن‌ها از شما مراقبت می‌کنند، به شما کمک می‌کنند تا گونگ تبدیل شود و کارهای به‌خصوصی انجام می‌دهند. در حقیقت آن‌ها تجسم خرد من هستند. از این‌رو قادر هستم تا از شما

مراقبت کنم. اگرچه شخصاً در استرالیا نیستم، اما دافا هم‌اکنون به شما منتقل شده است، و می‌توانید فا را به‌عنوان استاد در نظر بگیرید.

پرسش: آیا فاشن می‌تواند ترکیه ما را هدایت کرده و از ما حفاظت کند؟

استاد: وقتی یک تمرین‌کننده در آستانه مواجه شدن با مشکلی است، فاشن من چنین چیزهایی را برای شما حل و فصل خواهد کرد و اجازه نمی‌دهد آن‌ها اتفاق بیفتند. همچنین ممکن است اشاره‌ای به شما برساند. وقتی که واقعاً نتوانید به آن آگاه شوید و هنوز در تزکیه خود کاملاً به‌خوبی عمل می‌کنید، ممکن است پیش چشمان‌تان ظاهر شده و چیزی به شما بگوید یا شاید اجازه دهد صدایش را بشنوید. از آنجاکه سطح تزکیه شما به اندازه کافی بالا نیست، اجازه نمی‌دهد او را ببینید، اما اجازه خواهد داد تا صدایش را بشنوید. بیشتر اوقات اجازه می‌دهد که در خواب او را ببینید. به این طریق، مانند این است که شما در یک رؤیا هستید، و آن هنوز موضوعی از آگاهی و روشن‌بینی است، اینکه آیا آن واقعی است یا جعلی. در نتیجه اکثر افراد می‌توانند او را در رؤیایا ببینند. اگر قدرت تمرکز شما بسیار خوب باشد، ممکن است او را در طول مدیتیشن نشسته نیز ببینید. اما اگر همیشه بخواهید مرا ببینید، آن نیز نوعی از درطلب بودن یا وابستگی است. بنابراین اجازه نخواهید داشت او را ببینید. وقتی درباره آن فکر نکنید، تا زمانی که تزکیه کنید، مطمئناً در آینده خواهید توانست او را ببینید.

پرسش: استاد از من محافظت می‌کنند، اما کارمای من بسیار بزرگ است. چگونه می‌توانم مورد مراقبت قرار گیرم؟

استاد: این نیز موضوع بسیار مهمی را مطرح می‌کند. زیرا در اجتماع بشری امروزه، مردم همگی به این مرحله رسیده‌اند که کارما روی کارما انباشته‌اند و کارمای‌شان هم‌اکنون کاملاً عظیم است. فقط موجودات بشری نیستند که چنین کارمای بزرگی دارند، زیرا یک حیات بشری می‌تواند بازپیدا شده و تبدیل به یک حیوان، ماده فیزیکی، یک گیاه، موجودی از بُعدی سطح بالا، یا یک موجود از بُعدی سطح پایین شود. این سامسارا (شش مسیر بازپیدایی) است، بنابراین هر چیزی می‌تواند بازپیدا شود. مردم هر دوی تقوا و کارما را با خود حمل می‌کنند. مردم زمانه مدرن قسمت کوچکی تقوا و مقدار زیادی کارما دارند. پس این‌طور نمایان می‌شود که نه تنها انسان کارما دارد، بلکه سیمان و خاک هم آن را دارد. ما همگی می‌دانیم که در گذشته در چین اگر دست یک کشاورز در حین کار در مزرعه بریده می‌شد، مقدار اندکی خاک برداشته و روی آن زخم می‌گذاشت، و آن خوب می‌شد. مقدار اندکی خاک می‌پاشیدند، و آن درمان می‌شد. آیا اکنون جرأت دارید به خاک دست بزنید؟ حتی اگر به آن دست نزنید مبتلا به کزاز می‌شوید! کارما همه‌جا هست. کارما در ماده، گیاهان، حیوانات و مردم وجود دارد. کارما همه‌جا هست. از این‌رو وقتی از بُعدی سطح بالا نگریسته شود، امواج سیاه در جامعه بشری غلت می‌زند. چرا بیماری‌های همه‌گیر وجود دارد؟ بیماری‌های همه‌گیر بسیار وخیم، آن امواج سیاه هستند، که توده کارما با تراکمی بالا هستند، که در اطراف غلت می‌خورند. وقتی آن‌ها در این مکان غلت بخورند، بیماری‌های همه‌گیر ظاهر خواهد شد. امروزه کارمای نوع بشر بسیار بزرگ است. چه کاری باید انجام شود؟ اجازه دهید بگویم همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردم اگر بخواهید تزکیه کنید، و فقط پس از پاک شدن بدهی تعدادی از زندگی‌هایی که بدهکار هستید تزکیه کنید، متأسفانه ممکن است شرایط با گذشت زمان متفاوت شود و همچنین امکان دارد با من مواجه نشوید.

پس چه کاری باید انجام شود؟ مردم در این جهان قرار نیست موجودات بشری باشند، بلکه هدف این است که تزکیه کرده و به مکانی که در آن آفریده شدید بازگردید. فرد ممکن است بگوید: «من در جامعه مردم عادی هستم، و نمی‌توانم از احساسات مردم عادی دست بکشم. اگر تزکیه کنم، همسر، پسران، دختران، والدین و برادرانم چه خواهند شد؟ آنگاه بی‌هدف زندگی خواهم کرد.» این درک از نقطه‌نظر بشری شما است و فکری در سطح حال حاضر شما است. وقتی تا اساس و پایه‌ای جدید بالا روید و پس از ارتقاء سطح‌تان، این‌طور فکر نخواهید کرد. زمانی که در قلمروی دیگری هستید، به این شکل فکر نخواهید کرد. اما اصلی را به شما می‌گویم. خویشاوندان حقیقی‌تان چه کسانی هستند؟ اینجا در حال مداخله با روابط خانوادگی شما نیستم. در سامسارا در این زندگی انسان هستید و در زندگی بعدی یک حیوان یا یک گیاه. از یک زندگی تا زندگی دیگر، چه تعداد والدین،

همسر، پسر، دختر، خواهر و برادر در هر دوره زندگی داشته‌اید؟ در سفر طولانی زندگی‌تان، حتی نمی‌توانید آن‌ها را بشمارید. همچنین برخی انسان هستند و برخی انسان نیستند. کدامیک از آن‌ها واقعی است؟ صرفاً این‌طور است که موجودات بشری عمیقاً در این پیچ و خم گم شده‌اند! والدین حقیقی‌تان در مکانی هستند که جهان، شما را در آن‌جا آفرید. آن‌جا جایی است که والدین‌تان هستند. آن به این خاطر است که زندگی دو نوع منشأ دارد: یکی این است که زندگی از حرکت ماده عظیم آفریده شد، دیگری زندگی با یک شکل است که از حرکت ماده در جهان خلق شد. در ذات خود، آن مانند شخصی است که آبستن است، و به یک زندگی تولد می‌بخشد. برای چنین حیات‌هایی آن‌ها والدینی خواهند داشت. بنابراین والدین حقیقی شما هم‌اکنون از آن‌جا در حال مشاهده شما هستند، و آرزو می‌کنند که برگردید، اما به جای بازگشت، شما اینجا گم شده‌اید و هنوز احساس می‌کنید خانواده‌تان اینجا هستند.

برای موجودات بشری انسان بودن هدف نیست. هدف این است که به خود واقعی‌تان برگردید. یک‌بار که شخص این فکر تزکیه بوداشدن را داشته باشد، اگرچه فرصت تزکیه را نداشته باشد، هنوز هم، بذره‌های میوه مرحمت‌آمیز تزکیه بوداشدن را کاشته است. چرا این‌طور گفته می‌شود؟ زیرا برای او داشتن این فکر صرفاً بسیار گرانبها است! برای شخصی در محیطی به این تلخی و در محیطی به این گیج‌کنندگی، او هنوز قلبی برای برگشت و قلبی برای تزکیه بوداشدن و مهربان بودن دارد. آن‌گاه اگر بخواهید تزکیه کنید، هرکسی به شما کمک خواهد کرد و به دنبال شیوه‌هایی است که بگذارد این کار را انجام دهید. وقتی شخص چنین فکری داشته باشد، دنیا را در ده سو می‌لرزاند. مانند طلا می‌درخشد و هرکسی می‌تواند آن را ببیند. اگر این شخص بخواهد تزکیه کند، به این صورت خواهد بود. با کارمای بسیار زیاد، چه کاری می‌توان انجام داد؟ بنابراین اقداماتی باید صورت گیرد تا کارمای شما پاک شود. پاک شدن کارما نمی‌تواند بدون شرط انجام شود، و تمام کارما نیز نمی‌تواند برای‌تان پاک شود. دیگران تا چه حدی می‌توانند آن را برای شما انجام دهند؟ من به آن نگاه نمی‌کنم. اما در بودیسم گفته شده است که نمی‌توانید در یک دوره زندگی در تزکیه موفق شوید، و اینکه تنها پس از چندین بازپیدایی می‌توانید در تزکیه موفق شوید. یعنی شما قادر نیستید تمام آن مقدار زیاد کارما را در یک آن فوراً پاک کنید. اما اگر واقعاً بخواهید تزکیه کنید، ما راهی پیدا خواهیم کرد تا به شما اجازه دهد در این دوره زندگی در تزکیه موفق شده و در این یک دوره زندگی آن را کامل کنید. اگر واقعاً خیلی پیر باشید یا زندگی‌تان کوتاه باشد و زمان باقی‌مانده کافی نباشد، درانتهای مدت معین زندگی‌تان فالون را با خود خواهید برد و بازپیدا می‌شوید. بلافاصله که به دنیا بیایید، آن را حمل خواهید کرد تا به رابطه تقدیری بعدی خود متصل شوید.

برای شخصی که در فای راستین تزکیه می‌کند، من کارمای او را تا درجه‌ای پاک خواهیم کرد که بتواند تزکیه کند و بتواند آن را تحمل کند. پاک کردن تمام آن مجاز نیست، و اصلاً بازپرداختن آن نیز اجازه داده نمی‌شود. پس آن بخشی که باید بازپرداخت شود را چگونه پس می‌دهید؟ باید آن را در مسیر تزکیه‌تان قرار دهیم، و تمام آن کارمای خود شما است که در سطوح مختلف، درجایی که پیشرفت‌تان در تزکیه ضروری است، قرار داده می‌شود. آن به‌عنوان امتحانات یا سختی‌هایی برای رشد شین‌شینگ‌تان به کار خواهد رفت. زمانی که باید سطح‌تان را ارتقاء دهید، با مشکلی مواجه خواهید شد یا بدن‌تان ممکن است در جایی احساس درد داشته باشد. این‌ها برای آگاهی و روشن‌بینی شما هستند. وقتی این اتفاق می‌افتد، آن آزمایشی است که آیا می‌توانید با خود به‌عنوان یک تمرین‌کننده رفتار کنید، آیا با این مشکلات مانند یک فرد عادی رفتار خواهید کرد، یا آیا می‌توانید خودتان را از آن‌ها جدا کرده و آن‌ها را سبک بگیرید. وقتی شما هر آزمایش یا هر سختی را به‌عنوان فرصت خوبی برای پیشرفت در نظر بگیرید و از آن رها شوید، خواهید توانست آزمایش را بگذرانید. برخی افراد سختی‌هایشان در تزکیه را بسیار بزرگ در نظر می‌گیرند، اما درواقع آن‌ها بزرگ نیستند. هرچه بیشتر آن‌ها را بزرگ در نظر بگیرید، آن‌ها بزرگتر خواهند شد و شما کوچکتر خواهید شد. اگر اهمیتی ندهید و آن‌ها را در ذهن خود نگه ندارید، با استاد و فا در این‌جا چه چیزی برای ترسیدن وجود دارد؟ تا وقتی که کوه‌های سبز باقی هستند، هیچ ترسی از نبود هیزم برای سوزاندن وجود ندارد. آن‌ها را نادیده بگیرید! وقتی آن‌ها را رها کنید، متوجه خواهید شد که سختی‌ها کوچک شده‌اند و شما بزرگتر شده‌اید. در یک گام بر آن‌ها غلبه خواهید کرد، و سختی‌ها هیچ خواهند شد. تضمین می‌شود که به این شکل باشد. اگر کسی نتواند بر آن‌ها غلبه کند، درواقع این‌گونه است که نمی‌تواند وابستگی‌ها را رها کند یا به فا باور ندارد. در بیشتر موارد، آن به این خاطر است که شخص نمی‌تواند این یا آن وابستگی را رها

کند. شکست او تماماً به خاطر عدم توانایی‌اش برای رها کردن وابستگی‌ها است. از آنجاکه نمی‌تواند آن یک قدم را پیش برود و از بشر بودن جدا شود، نمی‌تواند بر آن آزمایش‌های سخت چیره شود.

پرسش: من یک سؤال دارم. هم‌اکنون فالون دافا را برای زمان زیادی تمرین کرده‌ام. کتاب‌های معلم را می‌خوانم و ویدئوهای معلم را تماشا می‌کنم با احساسی مانند اینکه گرسنگی یا تشنگی‌ام را فرو می‌نشانند. اما یک جمله هست که درک نمی‌کنم. آن این است که معلم بیان کردند: «فالون نمی‌تواند به‌وسیله تمرین خودتان رشد داده شود. فالون باید شخصاً به‌وسیله معلم نصب شود.» بنابراین به این فکر می‌کنم که به چین بروم تا از معلم بخواهم یک فالون برای من نصب کنند. این یک سؤال است. سؤال دیگر این است که اگر شخصی یک فالون داشته باشد، چگونه می‌تواند تشخیص دهد که یک فالون دارد؟ اینها این دو سؤال هستند.

استاد: بسیاری از افراد درباره یک موضوع نگران هستند، اینکه ما می‌خواهیم این فا را مطالعه کنیم، اما در سخنرانی‌های شما شرکت نکرده‌ایم یا شما را شخصاً ندیده‌ایم. آیا ما هم یک فالون خواهیم داشت؟ برخی افراد نیز چیزی حس نمی‌کنند. آیا معلم از ما مراقبت نمی‌کند؟ این سؤالی است که بسیاری از افراد خواهند داشت. درحقیقت، هم‌اکنون این را در کتاب نوشته‌ام که شما فالون خواهید داشت. زیرا دقیقاً آدم تا نجات را به تمام موجودات ذی‌شعور عرضه کنم، اگر نسبت به شما مسئول نباشم، خواندن چنین چیزهایی تماماً برای شما خطر به‌بار می‌آورد. بنابراین باید از شما مراقبت کنم. اگر شما واقعاً تزکیه کنید و من مراقب شما نباشم، آن مشابه این است که به مردم آسیب زده و آنها را در خطر مرگ قرار دهم. پس تنبیه می‌شدم، بنابراین نمی‌توانم به این شکل انجام دهم. اکنون که آن را انجام داده‌ام، نسبت به شما مسئول خواهم بود. بسیاری از افراد با کیفیت مادرزادی خوب می‌توانند ببینند که هر کلمه در این کتاب یک فالون است. به‌خاطر اینکه بعدها بسیار متفاوت هستند، با بیشتر نگاه کردن درون بُعدهای عمیق‌تر، هر کلمه فاشن من است، که تمامی آنها تصویر یک بودا است. هر جزء از هر کلمه نیز یک بودای مجزا است. همگی درباره آن بیندیشید. قدرت یک بودا بسیار زیاد است. چرا وقتی این کتاب را برای خواندن برمی‌دارید بیماری‌های‌تان درمان می‌شود؟ قدرت بینایی شما خوب نیست. زمانی که این کتاب را می‌خوانید چرا می‌بینید که کلمات بزرگتر و بزرگتر می‌شود و چشم‌های‌تان دیگر خسته نمی‌شود؟ چرا این‌گونه است که وقتی که این کتاب را می‌خوانید تغییرات معجزه‌آسا اتفاق می‌افتد؟ زیرا آن کلمات از فا ساخته شده‌اند. آنها می‌توانند هر کاری برای شما انجام دهند، و آنها می‌توانند فالون را برای شما نصب کنند. همچنین فاشن دارم که از شما مراقبت می‌کند، و آنها تمام این کارها را انجام خواهند داد. بنابراین شما هنوز بدون این که مرا شخصاً ببینید آن را به‌دست خواهید آورد.

در مورد حس کردن، برخی از افراد ممکن است حساس باشند و چرخش در زیر شکم را احساس خواهند کرد. نه تنها آن در یک نقطه می‌چرخد، بلکه در همه جا می‌چرخد، در سرتاسر بدن‌شان. شخصی که اینجا نشسته مطلب اشتباهی گفت و باید در آینده دقت کند. ادعا شد که فالون دافای ما نه فالون را تمرین می‌کند. بگذارید بگویم فقط یک فالون به‌وسیله من به‌طور حقیقی برای شما نصب شده است. این یک فالون قدرتی غیرقابل مقایسه دارد و می‌تواند خودش را بدون محدودیت تقسیم کند. در مرحله ابتدایی تزکیه‌تان، به‌منظور تنظیم بدن شما، معلوم نیست چند صد فالون بیرون بدن‌تان نصب می‌کنم، و آنها در همه جا درحال چرخش بودند. کسی گفت آن اینجا و آنجا می‌چرخد. اوه! کل بدن درحال چرخش بود، و آن در همه جا می‌چرخید. آن به این خاطر است که بدن‌تان احتیاج داشت تا پاک شده و جذب شود. من از ویژگی گونگ‌مان استفاده می‌کردم تا شما را تنظیم کنم، بنابراین شما احساس می‌کردید که این فالون است که همه جا درحال چرخیدن است و آنقدر تعدادشان زیاد بود که نمی‌توانستید آنها را بشمرید. ممکن است احساس کرده باشید که نه فالون وجود دارد بنابراین گفتید که نه فالون وجود دارد. من از فالون‌های خارجی بسیاری استفاده خواهم کرد تا بدن شما را تنظیم کنم. برخی افراد حساس هستند درحالی که برخی نیستند. کسانی که حساس نیستند آنها را حس نمی‌کنند درحالی که افرادی که حساس هستند می‌توانند آنها را حس کنند. اما، بدون توجه به اینکه بتوانید آن را حس کنید یا نه، تمام این‌ها در مرحله ابتدایی رخ می‌دهد. وقتی افرادی که آن را حس می‌کنند به آن عادت کنند و آن قسمتی از بدن‌تان شود، دیگر آن احساس را نخواهید داشت. قلب شما می‌تپد، آیا به‌طور معمول می‌دانید آن می‌تپد؟ وقتی از

آن آگاه می‌شوید که با دست‌تان آن را حس کنید. شکم‌تان حرکات موجی دارد. آیا آگاهید که شکم‌تان حرکات موجی دارد؟ خون‌تان در گردش است. آیا از آن آگاهید؟ زمانی که آن قسمتی از بدن‌تان شود، آن احساس را نخواهید داشت، و آن را حس نخواهید کرد. همچنین مواقعی هست که در ابتدا هیچ حسی وجود ندارد. در مراحل اولیه، بسیاری از افراد هستند که هیچ چیزی حس نمی‌کنند. اما در تزکیه در آینده، چیزهای زیادی را احساس خواهید کرد. تا وقتی تزکیه کنید، قطعاً از شما مراقبت خواهیم کرد.

واضح‌ترین چیز این است که بدن شما به سرعت پاک خواهد شد. بسیاری از افراد در سرزمین اصلی چین می‌دانند که تزکیه در فالون دافا حقیقتاً بسیار معجزه‌آسا است! به محض شروع تمرین، بیماری خواهد رفت. چرا این طور است؟ بسیاری از افراد به دنبال درمان بیماری‌ها نیستند. فکر می‌کنند دافا خوب است، پس آن را تمرین می‌کنند! در نتیجه بیماری‌های آنها شفا می‌یابد. اما بعضی اوقات افرادی هستند که برای آنها، آن تأثیر خیلی خوب نیست. چرا خوب نبود؟ اگر کسی بشنود که تمرین فالون دافا می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد، پس می‌آید تا با هدف شفای بیماری‌ها آن را تمرین کند. بنابراین بیماری او درمان نخواهد شد. «به‌طور طبیعی به دست آور بدون در طلب بودن.» آرزوی شما برای شفای بیماری‌ها نیز یک در طلب بودن است. بدن‌های بشری قرار است که کارما پس دهند و باید بیماری‌هایی داشته باشند. صرفاً باید قلبی برای تزکیه داشته باشید و وابستگی خود به درمان بیماری‌ها را رها کنید. فقط با فکر نکردن به شفای بیماری‌ها و نادیده گرفتن چنین چیزهایی، تا وقتی به تزکیه ادامه می‌دهید هر چیزی را کسب خواهید کرد. اگر وابستگی شفای بیماری‌ها را داشته باشید، هیچ چیزی به دست نخواهید آورد. در گذشته همیشه افرادی با بیماری‌های ذهنی و بیماری‌های وخیم را از ورود به کلاس‌ها منع کرده‌ایم. به عبارت دیگر، بدون توجه به اینکه چگونه از چنین فردی با بیماری وخیم بخواهید که از وابستگی خود دست بکشد، او هنوز نمی‌تواند آن را رها کند. زندگی او تقریباً تمام شده است. آیا می‌تواند درباره آن بیماری‌اش فکر نکند؟ نمی‌تواند شب‌ها بخوابد زیرا تمام آنچه که فکر می‌کند آن بیماری است. بنابراین بدون توجه به اینکه چگونه از او می‌خواهید از آن دست بکشد، هنوز نمی‌تواند آن را رها کند. بعضی اوقات، او می‌گوید که آن را رها خواهد کرد، اما در ذهنش هنوز شدیداً درباره آن فکر می‌کند. بنابراین ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. چرا نمی‌توانیم هیچ کاری انجام دهیم؟ زیرا آموزش این فای راستین برای نجات مردم الزامات خود را دارد، الزاماتی بسیار صریح، در غیر این صورت یک فای شیطانی را آموزش می‌دادیم. شما باید این فکر را تغییر دهید، و آنگاه می‌توانیم به شما کمک کنیم. اگر فکرتان را تغییر ندهید، نمی‌توانیم هیچ کاری انجام دهیم. با تغییر این فکر، شما دیگر یک فرد عادی نیستید. اگر نتوانید این فکر را تغییر دهید، هنوز یک فرد عادی خواهید بود. تفاوت درست در اینجا است. بنابراین فقط می‌تواند این‌گونه باشد که شخص به‌طور طبیعی بدون در طلب بودن، به دست آورد. برخی افراد اینجا می‌آیند بدون هیچ پیش‌تصور و آن را بسیار خوب می‌یابند، بنابراین آمدند تا آن را امتحان کنند. وقتی دیدند دیگران چی‌گونگی تمرین می‌کنند، آنها نیز آمدند تا بدون هیچ هدف واضحی آن را تمرین کنند. به هر حال، همگی آنها شفا یافته‌اند. البته ما به یکباره الزامات زیادی برای افراد نداریم. یک روند درک وجود دارد، که مجاز است. اما با وابستگی در طلب بودن نیاید که تزکیه کنید.

پرسش: معلم بسیار عذر می‌خواهم. می‌خواهم سه سؤال بپرسم. سؤال اول این است که وقتی جوان فالون را خواندم، آن می‌گوید که مدرسه چی‌من (روش تزکیه غیر معمولی) مقداری از گونگی که تزکیه کردید را جدا نمی‌کند. برخی روش‌ها پس از اینکه آنها را تمرین کنید، هشتاد درصد از گونگ را جدا می‌کند تا به آن بهشت، ماهیت جسمانی دهد. پس آیا دافایی که ما تمرین می‌کنیم نیز آن را جدا می‌کند؟

استاد: به خاطر اینکه شخص در میان مردم عادی تزکیه می‌کند، او باید از طریق تزکیه، هر چه را که در آینده به‌عنوان یک بودا نیاز دارد رشد دهد. همه می‌دانند که یک بودا می‌تواند هر چیزی را که بخواهد، داشته باشد و قدرت‌های الهی عظیمی دارد. بخت و اقبال خوب او بی‌همتا است. آنها را از کجا گرفته است؟ هر اندازه بیشتر رنج ببرد، به آن اندازه بخت و اقبال خوب خواهد داشت. در نتیجه قبل از اینکه بتواند در تزکیه بوداشدن موفق شود، گونگی که تزکیه می‌کند باید به سطح کاملاً بالایی برسد. در گذشته این فقط در میان افراد بسیار سطح بالا در جامعه تزکیه‌کنندگان ذکر می‌شد و در میان مردم عادی گفته نمی‌شد. یک

تزکیه کننده قبل از اینکه بتواند به کمال دست یابد درحقیقت باید به سطح بسیار بالایی در تزکیه برسد. چرا این طور است؟ اگر فقط با گونگ بالا روید، هر آنچه که بخواهید را نخواهید داشت و هیچ بخت و اقبال خوبی ندارید. آن طور نخواهد بود. در طول دوره تزکیه تان، باید تمام آن را از طریق تزکیه رشد دهید. رنجی که در سرتاسر تمام دوره تزکیه تحمل کرده اید، تقوای عظیم شما است. رنج کشیدن گونگ را افزایش می دهد، و به محض رشد شین شینگ، شخص گونگ را افزایش خواهد داد. بنابراین پس از اینکه تزکیه شما در آینده به سطح بسیار بالایی برسد، هشتاد درصد از گونگ شکسته شده تا بخت و اقبال مقام ثمره بی کران تان را کامل کند و بهشت کوچک خودتان را غنی سازد. آن از تزکیه تان از طریق تحمل سختی ها می آید. حتی استاندارد شین شینگ که تزکیه کرده اید شکسته می شود تا درون را غنی سازد. آن بخت و اقبال حقیقی شما است، و تمام آن از رنج کشیدن تان می آید. درخصوص بیست درصد باقی مانده، آن مقام ثمره شما است. کسانی که به استاندارد یک بودی ساتوا می رسند، بودی ساتوا خواهند بود. آنهایی که به استاندارد بودا می رسند، بودا خواهند بود. آنهایی که به استاندارد آرهات می رسند، آرهات خواهند بود. اگر به قلمروی بالاتری برسید بودای بزرگتری خواهید بود. اما راه تزکیه مدرسه چی من نسبتاً پیچیده است، اما فرد همچنین باید از گونگ خود استفاده کرده تا بخت و اقبال و تقوای خود را کامل کند.

پرسش: سؤال دوم این است که، از آنجاکه سطح شین شینگ مان به اندازه کافی بالا نیست، وقتی دیگران به من توهین می کنند یا مرا آزار می دهند، در قلبم بسیار عصبانی می شوم. بر طبق آنچه معلم گفتند، وقتی دیگران شما را می زنند، به شما دشنام می دهند، یا شما را اذیت می کنند، همگی به شما تقوا می دهند. اما شما نباید در قلب خود عصبانی شوید. آیا این طور است که اگر فرد عصبانی شود گونگ رشد نخواهد کرد؟

استاد: زیرا به عنوان یک تزکیه کننده، وقتی شما از یک فرد عادی عصبانی می شوید هم اکنون مانند یک فرد عادی هستید. وقتی عصبانی می شوید، آن را کنار می زنید، با این تفاوت که مقابله به مثل نکرده اید. مقابله به مثل نکرده اید، زیرا شما کسی هستید که ابتدا از دست می دهد. تا زمانی که شما نیز مانند او رفتار کنید، مقابله به مثل خواهید کرد. شخص ممکن است فکر کند که این فرد مرا بسیار اذیت کرده و پول زیادی از من کلاهبرداری کرده است. باز هم باید خوشحال باشم و از او تشکر کنم. شما مرا مورد ضرب و شتم قرار می دهید، و من باید توهین را نیز تحمل کنم. نه تنها باید آن را تحمل کنم، بلکه باید از او متشکر هم باشم. آیا دیگران نخواهند گفت که شما آه کیو (یک شخصیت خودفریب در یک داستان) شده اید؟ و خیلی ضعیف هستید؟ خیر. همگی درباره آن بیندیشید. اگر شما شین شینگ به آن بلندی نداشته باشید، نمی توانید آن کار را انجام دهید. آن نشان دهنده اراده قوی یک تزکیه کننده است. آیا یک فرد عادی می تواند آن کار را انجام دهد؟ اگر شخص اراده ای به آن قدرتمندی نداشته باشد، نمی تواند آن را انجام دهد. آن ترسو و ضعیف بودن نیست. البته شما باید خوشحال باشید. همگی درباره آن بیندیشید. اگر او شما را اذیت نکرده بود، نمی توانستید یک تکه تقوای بیشتری به دست بیاورید. اگر یک تکه تقوای اضافه تری به دست آورید، تکه دیگری گونگ تزکیه کرده و رشد خواهد داد. وقتی شما را اذیت می کرد، کارمای تان نیز در حال از بین رفتن بود! آیا وقتی هنوز کارما با خود حمل می کنید می توانید یک بودا شوید؟ باید آن را به طور کامل از بین ببرید. وقتی شما را آزار می داد، به شما تقوا می داد، و کارمای تان نیز از بین می رفت. شما مانند او رفتار نکردید، ذهنی آرام را حفظ کردید. استاندارد شین شینگ تان بالاتر رفت. شین شینگ، یک معیار بالای سر فرد دارد. آن معیار بالای سر فرد به بلندی سطح گونگ است. سطح شین شینگ شما بالاتر است. سطح گونگ تان نیز بالاتر است. کارمای تان نیز به تقوا تبدیل می شود. همچنین به شما تقوا داد. شما چهار چیز در ازای یکی به دست آورده اید. آیا نباید از او تشکر کنید؟ باید از اعماق قلب تان از او سپاسگزار باشید. زیرا همان طور که ذکر کردم، اصول خوب یا بد که اجتماع به آن باور دارد معکوس هستند. فرد با رسیدن به سطحی بالاتر، پی خواهد برد که چیزهایی که مردم به آنها وابستگی دارند همگی بد هستند.

پرسش: سؤال سوم موضوع کشتن است که در کتاب ذکر شده است. کشتن یک زندگی گناه بسیار بزرگی است. اگر شخصی مرتکب خودکشی شود، آیا آن گناه محسوب می شود یا خیر؟

معلم: آن گناه محسوب می‌شود. اکنون این اجتماع بشری دیگر خوب نیست، و انواع و اقسام چیزهای عجیب و غریب ظاهر شده است. آنها درباره‌ی به‌اصطلاح مرگ آسان با رضایت خود شخص [که معمولاً برای بیمارانی که زجر می‌کشند استفاده می‌شود] صحبت می‌کنند و افراد را تحت تزریق قرار می‌دهند و می‌گذارند که آنها بمیرند. همگی آن را می‌دانید. چرا آنها فرد را تحت تزریق قرار می‌دهند و می‌گذارند که او بمیرد؟ آنها فکر می‌کنند او درحال رنج‌بردن است. اما ما فکر می‌کنیم که رنج‌بردن او کارما را از بین می‌برد. وقتی او در زندگی بعدی باز پیدا شود، بدنی سبک و بدون کارما خواهد داشت، و بخت و اقبال خوبی منتظر او خواهد بود. زمانی که او در میان درد و از بین بردن کارما است، مطمئناً روزگار راحتی ندارد. اگر به او اجازه ندهید تا کارمایش را از بین ببرد و او را بکشید، آیا آن قتل نیست؟ اگر درحالی که آن کارما را با خود حمل می‌کند از دنیا برود، در زندگی بعدی باید آن کارما را بپردازد، پس می‌گویید کدام درست است؟ مرتکب خودکشی شدن گناه دیگری دارد. آن به این خاطر است که زندگی فرد از قبل نظم و ترتیب داده شده است. شما ترتیب کل طرح آن خدا را مختل کرده‌اید. از طریق وظایفی که در جامعه به انجام می‌رسانید، بین مردم این نوع روابط متقابل وجود دارد. اگر شخص بمیرد، آیا این نظم و ترتیب که توسط خدا چیده شده است نیز مختل نمی‌شود؟ اگر آن را مختل کنید، اجازه نمی‌دهد شما بروید. بنابراین مرتکب خودکشی شدن گناه‌آمیز است.

پرسش: یک بودا هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد. آیا این‌طور نیست که یک بودا ذهنی پاک و امیالی اندک دارد؟ آیا او هنوز خوش می‌گذراند؟

معلم: برخی از مردم می‌گویند که یک بودا غذا نمی‌خورد و اینکه یک بودا بدن بشری ندارد. این گفته این‌طور به نظر می‌رسد که گویی مردم همگی فکر می‌کنند یک بودا به این شکل است. بگذارید به شما بگویم آنچه شخص در میان جامعه تزکیه‌کنندگان می‌گوید نباید با ذهن بشر عادی درک کرده شود. یک بودا بدن بشری ندارد، به این معنی است که او این بدن آلوده بشری ساخته‌شده از مواد در سطح ذرات مولکولی را ندارد. درشت‌ترین ذرات بدن او در سطح، اتم‌ها هستند درحالی که ریزترین ذرات او ذرات میکروسکوپی‌تر در جهان هستند. هرچه ماده او میکروسکوپی‌تر باشد، انرژی رادیواکتیویته‌ی او بیشتر است. نور بودا همه جا می‌درخشد. برخی از مردم می‌گویند یک بودا غذا نمی‌خورد. یک بودا غذای بشری نمی‌خورد. او موادی از گستره‌ی سطح خودش را می‌خورد. همچنین او آن را مانند اصطلاحات بشری، «غذا» نمی‌نامد. بنابراین شما قادر نیستید که معنی زبان در قلمروی بودا را بفهمید و آنها را درک کنید. موجودات بشری صرفاً شیوه تفکر بشری دارند.

برخی از مردم عادی می‌گویند اگر شخص یک بودا شود چقدر کسل‌کننده خواهد بود. او چیزی نخواهد داشت، مانند یک تکه چوب آنجا می‌نشیند. بگذارید به شما بگویم که یک بودا پادشاه‌فا در دنیای آسمانی خودش است. ما او را یک تاتاگاتا می‌نامیم که روشی است برای اشاره به تجلی سطح استاندارد شین‌شینگ او. درواقع او پادشاه‌فا در آن دنیای خودش است. در آن دنیا، موجودات بی‌شماری هستند که تحت سرپرستی او هستند. البته آن مانند سرپرستی مربوط به مردم عادی نیست که همراه قوانینی برای استحکام آن باشد. او به‌طور کامل آن را با مهربانی و رحمت محبت‌آمیز اداره می‌کند. هر کسی مطابق استاندارد آن قلمرو است و آن به شکلی فراتر از قیاس، شگفت‌انگیز است. آنها احساسات مردم عادی را ندارند. اما رحمت دارند، یک قلمروی بالاتر و چیزی خالص‌تر. آنها هیچ یک از چیزهایی که مردم عادی دارند را ندارند. آنها در یک قلمروی بالاتر چیزهایی دارند که به‌طور متناظر شگفت‌انگیزتر هستند. آن یک زندگی بالاتر است؛ حیات‌های حتی بالاتر، حتی بالاتر، و حتی بالاتری وجود دارد. اگر آن تماماً کسل‌کننده می‌بود، شخص بهتر بود که بمیرد و به تمام آن خاتمه دهد. آن شگفت‌انگیزتر است. فقط با رفتن به آن دنیا، شخص می‌تواند بفهمد که شادی چیست. آن شگفت‌انگیزتر است، اما اگر وابستگی‌های مردم عادی را رها نکنید و نتوانید آنها را از بین ببرید، قادر نخواهید بود به آن دست یابید.

پرسش: چرا مدرسه غیرمعمولی گونگ را نمی‌شکنند؟

معلم: چه کسی گفته است که مدرسه غیرمعمولی گونگ را بر نمی‌دارد؟ هر کسی باید مقام ثمره خود را با گونگ تزکیه‌شده‌اش کامل کند. مدرسه غیرمعمولی فقط یک نوع تزکیه ندارد. آنها انواع و اقسام روش‌هایی را دارند که بسیار منحصر به فرد هستند. در

طول دوره تزکیه، برخی از آنها چنین روشی را کامل می‌کنند درحالی که هنوز درحال تزکیه هستند، اما تلاشی که صرف می‌کنند، یکسان است. آنها آن را اینجا توسعه نمی‌دهند و در نتیجه احتیاجی ندارند که آن را بشکنند. درخصوص افرادی که نیاز دارند آن را بشکنند، گونگ‌شان به سرعت رشد خواهد کرد. اگر شخصی آن را نشکند و درحالی که هنوز درحال تزکیه است بخت و اقبال خوب خودش و تقوایش را کامل کند، آن را بسیار آهسته رشد خواهد داد، اما تلاش یکسان است.

پرسش: دو سؤال دارم. سؤال اول این است که روز اولی که شروع به مدیتیشن نشسته کردم، فاشن استاد را دیدم که کنارم، در سمت چپ نشسته بودند. اما لباس هایش سیاه بود، و چهره‌ای خندان داشتند. سپس آنچه در یک متن گفته شده بود را خواندم. چون اولین مرتبه‌ای بود که او را می‌دیدم، امروز مایلم دوباره بیرسم چرا او به همان رنگ در نوار ویدئویی تلویزیون نبودند.

استاد: آن به خاطر این نیز هست که یک اختلاف بین بُعدهای مختلف وجود دارد. برای مثال یک دائویست شبیه چه رنگی است؟ آن بنفش است. بنابراین او درباره این صحبت می‌کند که چی بنفش از شرق می‌آید و بنفش را به‌عنوان بالاترین درنظر می‌گیرد. مدرسه بودا زرد یا زرد طلایی را دوست دارد. اما آنها از یک رنگ هستند. آن در این بُعد بنفش است و در بُعدی دیگر طلایی است. پس آنچه در بُعد ما سیاه دیده می‌شود در بُعد دیگر سفید دیده می‌شود. آنچه در اینجا نزدیک به سفید دیده می‌شود؛ در آنجا تقریباً تیره است. اینجا آن سبز است؛ آنجا قرمز است. تمام رنگ‌ها چنین تجلی متفاوتی در بعدهای مختلف دارند. پس اگر فقط در چنان وضعیتی بودید، آنچه دیدید آن رنگ بوده است. همگی باید کمی دقت کنید زیرا اهریمنان گاهی اوقات مداخله‌های بسیار شدیدی ایجاد می‌کنند. اکثریت بدن‌های قانون من لباس بودا می‌پوشند و موهایی آبی دارند، موهایی آبی مجعد. آن بسیار آبی است، یشم آبی روشن. گاهی اوقات، فقط تحت شرایط بسیار خاص، فرد می‌تواند فاشن مرا در چنین لباس‌هایی که می‌پوشم ببیند. آن بی‌نهایت بی‌نهایت خاص است و بسیار به‌ندرت دیده می‌شود. در نتیجه همگی باید آن را به‌خوبی تشخیص دهید. اگر آن واقعاً من باشد، در ذهن تان بسیار مطمئن خواهید بود که آن من هستم. اگر او من نباشم، یک علامت سؤال در ذهن تان ایجاد خواهد شد.

پرسش: هم‌اکنون این فا را برای دو ماه مطالعه کردم. در این دو ماه احساس می‌کنم بیماری‌های چندین دهه من همگی ناپدید شده‌اند زیرا هدفم از مطالعه دافا از بین بردن کارمایم است. من واقعاً در این دو ماه بی‌نهایت خوب زندگی کردم بدون مصرف دارو. این یک نکته. نکته دیگر این که مایلم از استاد بیرسم آیا آنچه در طول مدیتیشن نشسته دیدم یک فالون بود؟ من دیدم چیزی می‌چرخد و می‌چرخد مانند شکلی مارپیچ. اما رنگ آن مانند رنگ خاک بود شبیه رنگ خاک رس. چرخش آن به‌طور کلی بسیار حیرت‌آور بود. اما نتوانستم ساختار درونی آن را ببینم.

استاد: زیرا به جز نماد فالون، رنگ زمینه آن تغییر می‌کند. رنگ آن می‌تواند به رنگ‌های متفاوتی تغییر کند: قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی روشن، آبی، بنفش، رنگارنگ یا بی‌رنگ. بنابراین فالون ممکن است همیشه به این رنگ نباشد. به‌علاوه وقتی که فالون درحال تنظیم بدن شما است، به‌طور فوق‌العاده‌ای سریع می‌چرخد. آن مانند یک توربین فن الکتریکی یا مانند یک گردباد می‌چرخد. گاهی اوقات بسیار آرام می‌چرخد، و فرد می‌تواند ساختار درون آن را به‌وضوح ببیند. وقتی بسیار سریع می‌چرخد، ساده نیست که آن را ببینید. به‌هنگام تنظیم بدن فرد در ابتدا، آن خودش می‌داند چه موقع باید تند یا کند بچرخد و چگونه باید بچرخد. این مسئله‌ای نیست و همه این‌ها طبیعی است.

پرسش: آیا ما می‌توانیم علامت دست گل نیلوفر آبی بزرگ را انجام دهیم؟

استاد: علامت دست گل نیلوفر آبی بزرگ یک دینگ بین است، که علامتی ثابت است. این علامت دست گل نیلوفر آبی بزرگ است (علامت دست را انجام می‌دهند). ما نیازی نداریم آن را در طول تمرین مان انجام دهیم. شخص زمانی آن را انجام می‌دهد که از استاد درخواست می‌کند تا در خانه تبرک را برای یک مجسمه بودا، یک مجسمه لاژودی در مدرسه دائو، مجسمه خدای اولیه آسمان، یا برای دیگر مجسمه‌های بودا، انجام دهد. بهترین چیز این است که کتاب مرا در دست بگیرید. آیا آن

عکس مرا ندارد؟ مثل اینکه با من درحال صحبت کردن هستید، می‌گویید: «معلم، لطفاً برای من تبرک را انجام ده.» با دست خود علامت دست بزرگ گل نیلوفر آبی را انجام دهید و این کتاب را در دست‌تان خود جای دهید، و آن در عرض سه ثانیه انجام می‌شود. فاشن من از یک فاشن آن خدای مجسمه بودا دعوت خواهد کرد. اگر تبرک را برای بودا آمی‌تابا انجام دهید، فاشن من یک فاشن بودا آمی‌تابا را به این مجسمه بودا دعوت خواهد کرد، و آن تبرک واقعی نامیده می‌شود. امروزه، راهبانی که به‌طور حقیقی در مذاهب خود تزکیه نمی‌کنند و آن استادان فراوان چی‌گونگ دروغین نمی‌توانند تبرک را انجام دهند. آنها تقوای عظیم برای دعوت یک بودا را ندارند. آن یک بودا است، نه هر کسی که بیاید و مهم نباشد چه کسی او را دعوت کرده است. البته افرادی هستند که یک آینه جلوی مجسمه بودا نگه می‌دارند، و آن را تبرک می‌نامند. افرادی نیز هستند که چشم‌های مجسمه یک بودا را با کمی جوهر سولفور جیوه رنگ کرده و چشم‌ها را بسیار قرمز می‌کنند، و آنها نیز آن را تبرک می‌نامند. همگی آنها درحال آشفته کردن چیزها هستند.

پرسش: شما اشاره کردید که انسان خودش از بهشت‌های مختلف یا سطوح مختلف به اینجا سقوط کرده است. پس به‌طور طبیعی اصولاً، او باید به بهشتی بازگردد که اصالتاً از آنجا سقوط کرده است. اما به‌نظر می‌رسد که در این سطح بشری او نمی‌داند کدام بهشت همان است که از آن سقوط کرده است. بنابراین درحالی که تزکیه می‌کند، ممکن است راه دیگری انتخاب کند همان‌طور که ممکن است رابطه [تقدیری] برای مطالعه فالون دافا داشته باشد.

استاد: شما هنوز می‌خواهید به آن بهشتی بازگردید که اصالتاً از آنجا آمدید، مکانی که زندگی‌تان در آنجا خلق شده بود. این آرزو خوب است. اکنون اولین چیزی که باید حل شود این است که چگونه به آنجا بازگشت، و چگونه از طریق تمرین تزکیه به آنجا بازگشت. این حیاتی‌ترین مسئله است. هیچ مجالی برای انتخاب دیگری وجود ندارد، به‌هیچ‌وجه هیچ مجالی نیست. این گونه نیست که هر چیزی آنجا گذاشته شده باشد با بوداهایی که آنجا نشسته باشند تا هر کدام را که می‌خواهید به شما داده شود. درخصوص صعود شما در تزکیه، اگر بتوانید واقعاً از طریق تزکیه به سطحی بسیار بالا برسید و بتوانید به مکان اصلی خودتان بازگردید، درحالی که در آن بهشت هستید، همیشه می‌توانید بستگان خود را در آن بهشت ملاقات کنید و در اطراف قدم زده و نگاهی بیندازید. بدون توجه به اینکه در کدام بهشت هستید. بدون توجه به اینکه در سیدنی زندگی می‌کنید یا بریزین.

پرسش: در نواحی آسیای جنوب شرقی، چیزی وجود دارد که دائوی آسمانی نامیده می‌شود و به‌طور وسیع اشاعه یافته است. آن درباره چیست؟

استاد: اجازه دهید به همگی بگویم که اکنون دوره آخرین ویرانی است. بودا شاکيامونی ذکر کرد که در دوره پایان دارما، هزاران اهریمن به جهان می‌آیند. در آن زمان که بودا شاکيامونی در این جهان بود، اهریمن گفت: «من اکنون نمی‌توانم دارمای تو را خراب کنم، وقتی دارمای تو به دوره پایان دارما وارد شود، مریدان و پیروانم را می‌فرستم تا در معابد تو تمرین کنندگان حرفه‌ای شوند. نگاه می‌کنم ببینم درباره آن چه کار می‌توانی بکنی!» آن زمان بودا شاکيامونی گریست. البته بودا شاکيامونی نمی‌توانست هیچ کاری درباره آن انجام دهد. آن به پایان دارما رسیده است، بنابراین آشفته شده است. همان‌طور که او ذکر کرد در دوره پایان دارما، نه تنها در میان مردم یا نه فقط در معابد، بلکه همه جا در جامعه بشری چیزهایی هستند که امور انسانی را تخریب می‌کنند، و چنین مردمی وجود دارند. مذاهب شیطانی همه جا هستند! در ظاهر آنها نیز به مردم می‌گویند که خوب باشند، اما در عمق وجودشان، برای این کار نیستند. آنان یا برای شهرت هستند یا پول؛ در غیر این صورت، برای تأثیرات منفی و تاریک وجود دارند. همگی چنین چیزهایی هستند. بنابراین فکر می‌کنید دنبال چه چیزی هستند؟ فای بودا برای نجات مردم عمومی شده است. اگر کسی برای کسب پول از آن استفاده کند، به‌خاطر فجع‌ترین گناه مقصر است! البته یک اهریمن به چنین چیزهایی اهمیت نمی‌دهد. او تحت لوای مذهب یا تحت لوای توصیه مردم به خوب بودن عمل می‌کند تا نوع بشر را ویران کند، ذهن بشر را خراب کند، و فای ذهن انسان را تباه کند. این شرورانه‌ترین است! از این‌رو، فکر می‌کنم، البته سخنانی هست که قصد ندارم

بگویم، زیرا در مورد راستین و شیطانی، شما باید بتوانید این دو را از هم تشخیص دهید، و خودتان بین آنها تمایز قائل شوید. من نمی‌خواهم به شما بگویم چه کسی شیطانی است یا چه کسی شیطانی نیست.

اما فقط می‌توانم به شما بگویم اگر کسی بخواهد برای نجات مردم به جامعه‌ی عادی بشری بیاید، آن مسئولیت بسیار بزرگی است. خدایان در تمام جهان باید با آن موافقت کنند. زیرا آن شامل جنبه‌های گوناگون و شامل تمام نژادها در جامعه بشری می‌شود که با آنها در بالا مرتبط هستند. مسائل زیادی وجود دارد که شامل می‌شود. آن چیزی نیست که هر کسی بتواند همین‌طوری و بدون برنامه‌ریزی انجام دهد. من می‌دانم که چرا عیسی به صلیب کشیده شد. چرا بودا شاکیامونی مسیر نیروانا را انتخاب کرد؟ انتقال فای راستین آسان نیست. اما اگر یک فای شیطانی آموزش داده شود هیچ کسی مزاحم آن نمی‌شود. این‌طور نیست که کسی به آن اهمیت نمی‌دهد. صرفاً این‌طور است که وقتی یک فای راستین آموزش داده می‌شود، معمولاً فای شیطانی بسیاری نیز وجود دارد، آن تماماً بستگی به این دارد که وارد کدام در می‌شوید. اگر آن همگی از یک مدرسه می‌بود یا هر چه آموزش داده می‌شد فای راستین می‌بود و هیچ فای شیطانی در جهان وجود نمی‌داشت گویی که کاملاً از بین رفته بودند، برای مردم بسیار آسان می‌بود که تزکیه کنند. این‌ها چگونه می‌توانست کسب شود؟ هر کسی فای شما را تمرین می‌کرد چراکه فقط این یک مدرسه شما وجود می‌داشت. میدان چگونه می‌توانستند مورد آزمایش قرار گیرند که آیا باوری راسخ به فای شما دارند؟ بنابراین، معمولاً وقتی یک فای راستین آموزش داده می‌شود، فای شیطانی نیز آموزش داده می‌شود، تمام آن بستگی به این دارد که مردم وارد کدام در خواهند شد. برای ارزیابی کیفیت روشن بینی شما، در دوره تزکیه‌تان همیشه افرادی خواهند بود که به‌سوی شما می‌آیند: «بیا، با من بیا و این یکی را تمرین کن؛ بیا آن یکی را تمرین کنیم؛ هی، من حالا تمرین خوبی یاد گرفته‌ام، و مانند آن.» آنها شما را با خود می‌کشند و شما را امتحان می‌کنند، و این چیزها مطمئناً اتفاق می‌افتد. در طول تمرین تزکیه‌تان، از ابتدا تا انتها چنین پدیده‌ای را تجربه خواهید کرد تا شما را بیرون بکشند. چرا ما از این چیزها مراقبت نمی‌کنیم؟ فاشن می‌تواند از هر چیزی مواظبت کند. چرا از آن مواظبت نمی‌کند؟ آن به این خاطر است که آنها از این اهریمنان استفاده می‌کنند تا قلب فرد را آزمایش کنند که ببینند آیا به‌طور اساسی به این‌ها باور دارید. تزکیه بوداشدن چنین مسئله‌ی جدی‌ای است که این چنین مسائلی اجتناب‌ناپذیر هستند.

به‌هرحال، درباره خوب و بد صحبت کردم. حالا حتی برای مذاهب راستین نیز بسیار سخت است که مردم را نجات دهند، چه‌رسد به مذاهب شیطانی! کسی هست که مانند یک مدل لباس می‌پوشد تا دیگران او را تبلیغ کنند و همه جا مورد توجه قرار گرفته تا پول جمع کند. با این حال مردم همه به او باور دارند. مردم بسیار نادان هستند! وقتی مردم‌ها را کسب نکرده باشند، به‌راحتی فریب می‌خورند.

پرسش: کارمای فکری چیست؟

استاد: برخی مردم به‌طور نادانسته در ذهن‌شان افکاری که خوب نیست را شکل می‌دهند. ما درحال تمرین تزکیه فای راستین هستیم. من درحال انجام چنین کاری مبتنی بر اصل مسئول بودن نسبت به جامعه، مسئول بودن در برابر بشریت، و مسئول بودن نسبت به افراد هستم. چنین شخصی نیز می‌داند آن خوب است، اما ذهنش به من دشنام می‌دهد. همچنین به او می‌گوید که آن را باور نکن و اینکه تمامش نادرست است. چرا آن این‌گونه است؟ زیرا به‌غیر از کارمایی که در بدن خودش وجود دارد، او کارمای فکری نیز دارد. تمام مواد زنده هستند، و کارمای فکری نیز زنده است. اگر می‌خواهید تمرین تزکیه را انجام دهید، نیاز دارید ذهن‌تان را پالایش کنید و تمام این افکار توهین‌آمیز، عقاید اکتسابی، و انواع مختلف کارمایی که از یک زندگی تا زندگی دیگر تولید شده است را از بین ببرید. فقط آنگاه سرشت اصلی‌تان می‌تواند ظاهر شود. وقتی تزکیه کنید تا آن‌ها را از بین ببرید و بخواهید این افکار و مفاهیم توهین‌آمیز را از بین ببرید، آن‌ها نمی‌خواهند بگذارند که این اتفاق بیفتد. آن‌ها چگونه می‌توانند به خودشان اجازه دهند که بمیرند؟ آن‌ها در ذهن‌تان منعکس خواهند شد: که این کاملاً نادرست است؛ به او ناسزا بگو و به مردم ناسزا بگو. هر قدر بیش‌تر تزکیه می‌کنید، آن‌ها بیشتر به مردم ناسزا می‌گویند. ذهن‌تان کلمات ناسزا و گویشی کثیف تولید خواهد کرد. درواقع، بگذارید به شما بگویم که آن‌ها شما نیستند. آنها کارما هستند؛ آنها کارمای فکری هستند. شما باید آن را رد کنید.

این روش تزکیه ما به شما داده شده است تا خودتان را تزکیه کنید. اگر هنگامی که کلمات ناسزا بیرون می‌آیند، آگاهی اصلی خودتان روشن نباشد و ذهن‌تان قوی نباشد، خودآگاه اصلی خودتان از آن پیروی خواهد کرد. شما دیگر تمرین نخواهید کرد و دیگر محکم نخواهید بود. پس، ما نیز دیگر قادر نخواهیم بود از شما مراقبت کنیم. زیرا آنچه درحال نجاتش هستیم شما است، اگر رها کنید، دیگر شما را نجات نخواهیم داد.

در گذشته بسیاری از این نمونه‌ها وجود داشته‌اند. در چین، افکار برخی افراد به‌شدت واکنش نشان داد. آن بسیار جنون‌آمیز دشنام می‌داد، و شخص حتی با اینکه تلاش کرد نمی‌توانست آن را رد کند. در نهایت، او گفت: «معلم، من واقعاً شما را مأیوس کردم! من حتی به شما دشنام دادم. این کارمای من واقعاً بسیار زیاد است. نباید دیگر زندگی کنم و باید یک چاقو بردارم تا گلویم را ببرم.» البته، شما نباید تلاش کنید چنین تجربه‌ای را روی خودتان امتحان کنید. با این حال، بدون توجه به اینکه چگونه تلاش کرد که گلویش را ببرد، نتوانست آن را بشکافد. نه هیچ دردی را احساس کرد، نه توانست خونی از آن خارج کند. آنقدر عصبانی شد که بیرون دوید تا دستگیری را پیدا کند و از او پرسید: «ذهنم همیشه به معلم دشنام می‌دهد. باید برای آن چه کار کنم؟» دستیار با دیدن او در این حالت، شروع به خواندن فابرایش کرد، و او احساس خیلی خوبی کرد. بعداً، از من درباره این پرسید، پس به او گفتم. در واقع، این کارمای شما بود که درحال ناسزا گفتن بودن، نه خود شما. نباید هیچ بار روانی را تحمل کنید چون این شما نبودید که به من دشنام می‌دادید، بلکه کارما بود. با این حال خودآگاه اصلی‌تان باید روشن باشد، آن را رد کنید، بهترین سعی خود را بکنید که آن را رد کنید، و نگذارید که دشنام دهد. آن را رد کرده و سرکوب کنید. به این طریق، فاشن من خواهد دانست. زیرا او هر چه انجام می‌دهید را می‌داند، حتی قبل از آنکه دشنام دهد پیشاپیش آن را می‌داند. این یک آزمایش نیز هست، آزمایشی از اینکه آیا خودآگاه اصلی‌تان محکم و پایدار است یا خیر. اگر شما محکم شوید پس از مدت‌زمانی فاشن این کارما را برای شما ازبین می‌برد. زیرا چنین کارمای فکری مستقیماً با تزکیه‌تان مداخله می‌کند و مستقیماً روی کیفیت روشن‌بینی شما تأثیر می‌گذارد، ما آن را ازبین می‌بریم. هر کسی باید این مسئله را به‌خاطر بسپارد و باید هنگامی که چنین مشکلی رخ می‌دهد، تمایز قائل شود.

پرسش: من پرسشی مطرح می‌کنم، که مرتبط با مسئله تمرین و همچنین رابطه بین تمرین و شین‌شینگ است. آیا این‌طور است که افزایش تمرین می‌تواند سبب رشد شین‌شینگ شود؟

استاد: هیچ ارتباط مستقیمی وجود ندارد، اما تمرین نیز جنبه‌ای کلیدی از کامل کردن تزکیه است و همچنین بسیار مهم است. در این تمرین ما، فا افراد را تزکیه می‌کند. گرچه درحال انجام تمرین‌ها نباشید، اما فا شما را در همه اوقات تزکیه می‌کند، چه در خواب باشید، چه درحال کار، یا غذا خوردن. آن همیشه شما را بیست و چهار ساعت در شبانه‌روز تزکیه می‌کند، بنابراین، منجر به کوتاه کردن زمان تمرین در سال‌های باقی‌مانده‌تان می‌شود تا به شما اجازه دهد تمرین تزکیه را در سریع‌ترین زمان ممکن تکمیل کنید. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، برای آن که اجازه داده شود تزکیه را در این دوره زندگی تکمیل کنید، باید به این صورت انجام داده شود. با این حال، حرکات تمرین ما متفاوت از سایر روش‌ها است که می‌گویند اگر تمرین کنم گونگ را رشد خواهم داد و اگر تمرین نکنم، متوقف خواهد شد. تمرین ما برای تقویت همه مکانیزم‌هایی است که برای‌تان نصب کردم، هم مکانیزم‌های داخلی و هم خارجی. وقتی حرکات را تمرین می‌کنید، درواقع درحال تقویت این مکانیزم‌ها هستید. چرا گفتم که این حرکت دست به شکل گوان‌دینگ (پر کردن بالای سر با انرژی) نیست، و بیرون دادن و جاری کردن چیزی نیست، بلکه حرکت با کف دست به سمت بدن است؟ زیرا وقتی دستان‌تان در مسیر مکانیزم‌های انرژی حرکت می‌کنند، آن‌هایی که بیرون بدن‌تان نصب کردم، درطول تمرین مقدار زیادی انرژی حمل می‌کنند و درحال تقویت کردن مکانیزم‌های انرژی هستند. یعنی درواقع درحال تقویت مکانیزم‌ها هستید. قرار دادن دو دست در مقابل پایین شکم مکانیزم انرژی در دن‌تی‌ان را تقویت می‌کند. وقتی کشیده می‌شوید، درحال تقویت مکانیزم حرکت هستید. بنابراین، تمرین ما برای تقویت مکانیزم‌ها است، که شما را قادر خواهند ساخت تمرین طولانی‌مدت ۲۴ ساعته را بدون وقفه ادامه دهید. بدین طریق درحال تقویت آن‌ها هستید. تمرین گونگ وسیله‌ای برای کامل کردن تزکیه است. با این حال، آن مطلق نیست، آن ابزاری مکمل برای کامل کردن تزکیه است. اما، تمرین

گونگ همچنین بسیار حیاتی است. این حقیقت که چیزهایی که از این مدرسه تزکیه شده‌اند به اشتباه نخواهند رفت رابطه مستقیمی با این سیستم شما و حرکات تان را دارد. زیرا ما همچنین چیزهایی مثل توانایی‌ها را داریم، چیزهایی که زندگی را تبدیل کرده و آن را طولانی می‌کنند و چیزهایی که توانایی‌های فوق‌طبیعی را تقویت می‌کنند، و غیره، حرکات تمرین می‌تواند در این خصوص نقش خاصی را ایفا کند. تزکیه بر تمرین تقدم دارد. تزکیه در مکان نخست است درحالی که تمرین در جایگاه دوم قرار دارد. اما، اگر بخواهید تزکیه را در این مدرسه کامل کنید، تزکیه و تمرین هر دو الزامی هستند.

پرسش: هنگامی که تمرین را انجام می‌دهم، نمی‌توانم هیچ پدیده‌ای به جز نور سفید ببینم. اگر بخواهم تصویر معلم را ببینم، می‌توانم آن را ببینم. آیا یک توهم است؟

استاد: من آن را به دو پرسش تقسیم می‌کنم تا درباره‌اش صحبت کنم. آنهایی که چشم سومشان نمی‌تواند ببیند، ممکن است این‌گونه باشد که درحال صعود به سطحی بالاتر هستند. برای شخصی که کیفیت روشن بینی بسیار خوبی دارد و می‌تواند به سطح بسیار بالایی تزکیه کند، هرچه بیشتر مجاز به دیدن نباشد، تزکیه‌اش سریع‌تر خواهد بود. زیرا او درحال رنج کشیدن است و درحال رسیدن به روشن بینی در یک سردرگمی است. بنابراین، حتی با این که از همان سختی رنج می‌کشد، اما پیشرفت او دو برابر است. این موقعیت دیگری است، و احتمالاً درحال تزکیه به سطوح بالاتر است.

موضوع دیگر این است که گفتید هیچ چیزی نمی‌بینید. درواقع، شما درحال حاضر این را دیده‌اید. در حالت بی‌اعتنایی، نور سفید را درحال درخشش اطراف بدن دیده‌اید. علاوه بر این، گاهی اوقات هنگامی که می‌خواهید چیزی ببینید، آن را می‌بینید. درواقع حقیقتاً آن را دیده‌اید، اما آن را یک توهم درنظر می‌گیرید. بسیاری از مردم هنگامی که قادر به دیدن چیزی هستند، آن را یک تصور در نظر می‌گیرند. بگذارید به شما بگویم هنگامی که چشمان انسان به چیزی نگاه می‌کند، شما به آن عادت کرده‌اید و فکر می‌کنید که آن را با چشمان تان دیده‌اید. با این حال، آیا به این فکر کرده‌اید که آنچه می‌بینید تصویر منعکس شده‌ای است که از طریق اعصاب بینایی به مغزتان فرستاده شده است؟ این نوعی از شیئی مشاهده شده است که از مغز منعکس شده درحالی که چشمان تان فقط به‌عنوان لنز یک دوربین عمل می‌کنند. آنها خودشان نمی‌توانند چیزها را تحلیل و منعکس کنند. این مغز است که تصاویر را منعکس می‌کند. از آنجاکه این مغز است که تصاویر را منعکس می‌کند، آنچه از طریق چشم سوم و تصور بشری ناشی از فکر می‌بینیم همه روی مغز منعکس می‌شوند. آنچه فکر می‌کنید، توسط مغزتان فکر شده است. آنچه می‌بینید نیز در مغزتان تصویر شده است. بنابراین ممکن است وقتی شخص قادر به دیدن چیزی باشد، آن را یک تصور درنظر بگیرد. با این حال، آنها یکی نیستند زیرا آن چه تصور می‌کنید به واضحی آن نیست و نمی‌تواند حرکت کند، آن یک تصویر ثابت است. درعوض، آنچه واقعاً می‌بینید در حرکت است. هنگامی که به این‌ها عادت کنید، فقط دیدن را به آرامی به این طریق ادامه دهید. وقتی برای مدتی طولانی به‌کندی به آن عادت می‌کنید، به‌تدریج پی خواهید برد که واقعاً آن را می‌بینید. علاوه بر این، ممکن است قادر باشید که بهتر از آن استفاده کنید.

در گذشته، وقتی برخی افراد در مدرسه دائو شاگردان خود را تعلیم می‌دادند، به‌طور خاص از آن‌ها درخواست می‌کردند که برای تعلیم دادن توانایی‌های فوق‌طبیعی‌شان، فکر کنند زیرا این رابطه را می‌دانستند. هیچ سببی در مقابل چشمان تان نیست. فرض کنید به شما گفته شده سببی در مقابل چشمان تان قرار داده شده و استاد به شما می‌گوید که آن سبب چطور به‌نظر می‌رسد، درحالی که واقعاً چیزی وجود ندارد. آن‌ها به شما آموزش می‌دادند که عطر آن را استشمام کنید و سپس می‌خواستند که همان‌طور که این سبب را می‌بینید، آن را حس کنید یا بگویید چگونه به‌نظر می‌رسد. آن‌ها یک شخص را بدین طریق آموزش می‌دادند. به‌خاطر اینکه تصاویر همه در ذهن شکل گرفته‌اند، برخی افراد قادر نیستند که موضوع را به‌وضوح توضیح دهند. در هر حال، آنچه تصور می‌کنید حرکت نمی‌کند، فقط آنچه می‌بینید حرکت می‌کند.

پرسش: من یک شب رؤیایی داشتم و چیزی بسیار وحشتناک دیدم. به شما فکر نکردم، و چیزی که به آن فکر کردم تانتریسیم بود. اما، بسیار وفادارانه فالون دافا را تمرین می‌کنم. آیا این طور نیست که اگر یک روز چیزی برایم اتفاق بیفتد خواهم مرد و روح اصلی من نیز دور انداخته خواهد شد؟

استاد: به خاطر این است که کتاب را به اندازه کافی نخوانده‌اید. با این که اکنون در حال تزکیه دافا هستید، چیزهای تانتریسیم هنوز در ذهن تان باقی است. از این رو، شما در خواب به جای دافا به تانتریسیم فکر کردید. برخی افراد از من پرسیدند: «وقتی زندگی‌ام در خطر است باید چه کار کنم؟» گفتم با چیزهایی که ارتباطی با تزکیه شما ندارند مواجه نخواهید شد، و اینکه تضمین شده که با آن‌ها مواجه نشوید. در خصوص چیزهایی که به تزکیه‌تان مرتبط هستند، با آنها مواجه خواهید شد. اگر حقیقتاً باید امروز زندگی‌تان را از دست بدهید، آن نشان می‌دهد هیچ مدرسه تزکیه‌ای نیست که از شما مراقبت کند، و شما اصلاً تزکیه را تمرین نکرده‌اید. در خصوص مذاهب، آنها به یک زندگی در ازای یک زندگی اعتقاد دارند و می‌گویند که اگر یک نفر در یک طول عمر تزکیه‌اش را کامل نکند، پس از بازپرداخت با زندگی خود، در زندگی بعدی تزکیه را ادامه خواهد داد. این چیزی است که آنها می‌گویند. اما اینجا در این باره صحبت نمی‌کنیم. آنچه اینجا می‌گوییم این است که شما مجاز به داشتن این مشکلات نخواهید بود. آن تمرین‌کنندگان واقعی من تضمین شده‌اند که مطلقاً با هیچ خطری که تهدیدکننده زندگی باشد، مواجه نشوند.

پرسش: من آن زمان آگاه نبودم که این یک رؤیا بود.

استاد: شما آن زمان در حال تمرین تانتریسیم بودید و واقعاً تزکیه نمی‌کردید. این صرفاً عملی نبود. بنابراین، هیچ کسی از شما مراقبت نکرد. شخصی گفت که در رؤیایی پولی را روی زمین دیده بود و آن را برای خودش برداشته بود. در واقع، این خواب‌ها همه امتحان‌هایی برای مردم بودند که دیده شود آیا شین‌شینگان مستحکم است. تمرین‌کننده‌ای گفت در طول روز می‌تواند خیلی خوب عمل کند، اما در رؤیایها نه. این نشان می‌دهد که هنوز عمیقاً در ذهنش محکم نیست، و در رؤیا امتحان شد که دیده شود آیا مستحکم است یا خیر. به همین دلیل است که این چیزها روی می‌دهند. هنگامی که آن روی می‌دهد اگر شخص نتواند آن را خوب انجام دهد نیازی نیست احساس افسردگی کند. اما یکبار که از اهمیت آن آگاه می‌شوید و تصمیم می‌گیرید که بهتر عمل کنید، در آینده خوب خواهید بود.

پرسش: در چین، معلم لی فالون را برای همه آن‌هایی که در کلاس‌ها بودند، نصب کردند. آیا شما امروز هم درحالی که به کلاس‌تان گوش می‌کنم فالون را برای مان نصب نکرده‌اید؟ پرسش دیگری هست. افراد عقب‌افتاده ذهنی برای تمرین تزکیه پذیرفته نمی‌شوند. آیا هیچ راهی برای آن‌هایی که مشکلات ذهنی کوچکی دارند هست؟

استاد: بگذارید با پرسش اول شروع کنم. به خاطر اینکه اشاره کردم که هر کلمه در این کتاب فاشن مرا دارد، هر کلمه تصویر فاشن من است و هر کلمه تصویر یک بودا است. فاشن بیشمار دارم، که نمی‌تواند با اعداد محاسبه شود. همه می‌دانند که بودا شاکيامونی گفت بودا آمی‌تابا دو میلیون فاشن دارد. آن قدر تعداد فاشن من زیاد است که نمی‌تواند با اعداد شمارش شوند، و آنها بیشمارند. بدون توجه به اینکه چند نفر وجود داشته باشند، می‌توانم از همه آنها مراقبت کنم و می‌توانم از تمام بشریت مراقبت کنم. البته، این فقط برای تزکیه‌کنندگان واقعی عملی است. ما از غیر تمرین‌کنندگان و امور اجتماعی مراقبت نمی‌کنیم. بنابراین اگر تزکیه کنید، لحظه‌ای که آن فکر را داشته باشید، فاشن من آن را خواهد دانست. موضوع دیگری هست. شما فکر می‌کنید این بدن من مانند یک بدن انسان عادی است و فکر می‌کنید فقط به این بزرگی است. اما پی می‌برید که در بُعد مجاور بعدی بدنم بسیار بلندتر از چیزی است که هستم. در هر بُعد هم‌جوار، بدنم یک بدن بلندتر و بزرگتر از بُعد دیگر می‌شود. بزرگترین بدن من آنقدر بزرگ است که نمی‌تواند توصیف شود. بسیاری از تمرین‌کنندگان هستند که به‌طور اتفاقی آن بدن بسیار بزرگ مرا در یک نظر دیدند. یک نفر گفت: «استاد، من زیر انگشتان پای شما می‌ایستم و نمی‌توانم بالای انگشتان تان را ببینم.» بنابراین، من چنین بدن عظیمی دارم، درباره آن بیندیشید، کل زمین تماماً اینجا است. بدون توجه به اینکه کجا باشید می‌توانم از شما مراقبت

کنم. در مورد آن فالون، آیا باید آن را در مقابل چشمان شما نصب کنم؟ می‌توانم بدون اینکه اینجا با شما باشم آن را کاملاً به‌طور مشابه نصب کنم. هنگامی که اینجا با شما نیستم نیز اینجا با شما هستم.

پرسش دوم شما دربارهٔ اختلال روانی است. خواه آن جزئی باشد یا شدید، کاملاً این را روشن ساختیم که: به او توصیه شده که در تمرین ما وارد نشود. این تمرین ما بر خلاف تمرین‌های دیگر است، و قصد داریم خود شخص را نجات دهیم. اگر نتوانیم خود شخص را نجات دهیم، آن را به شخص دیگری نمی‌دهیم. گونگ ما فقط به خود شخص داده می‌شود و فقط خودآگاه اصلی او و نیز خود او را نجات می‌دهد. هیچ‌گاه چنین چیزی در تاریخ نبوده است. به‌طور تاریخی، چه شما تانتریسیم را تمرین کنید یا مذاهب دیگر را، همه آنها خودآگاه کمکی شما را نجات می‌دهند. این یک راز باستانی هزاران ساله است، که آن را آشکار کرده‌ام. هنگامی که از این راز در آن زمان پرده برداشته شد، مقاومت خیلی زیاد بود. اما هنگامی که جهان در آینده بهتر شود، بسیاری از بوداها خواهند بود که به این جهان می‌آیند تا مردم را نجات دهند. فقط من نیستم، آنها نیز خودآگاه اصلی شخص را نجات خواهند داد. من این جنبه را تغییر داده و برگردانده‌ام زیرا نجات دادن خودآگاه اصلی یک شخص منفعت مستقیمی در پایداری ارزش‌های اخلاقی بشریت دارد. در نجات خودآگاه کمکی، خود شخص نمی‌تواند تزکیه کند و قادر نیست تزکیه کند. حتی اگر فرد به یک مذهب ملحق شود، جامعه همان باقی خواهد ماند و تأثیر زیادی بر جامعه نخواهد داشت. بنابراین، در نجات خودآگاه اصلی یک شخص، چه او تزکیه را تمرین کند یا نه، او شخص خوبی در جامعه خواهد بود. این به‌خودی خود منفعتی برای جامعه است. یک شخص عقب‌مانده ذهنی خودش آگاهی روشنی ندارد، و نمی‌توانیم او را نجات دهیم. ما افراد با آگاهی روشن را نجات می‌دهیم. اگر چیزها را به آنهایی که آگاهی روشنی ندارند بدهیم، آنها در روز بعد به‌وسیلهٔ دیگران گرفته خواهند شد. او ممکن است آن را تمرین کند یا نکند. بیشتر اینکه، نمی‌تواند این قانون ما را که باید فقط در یک مدرسه پای‌بند باشد و این یا آن را تزکیه نکند رعایت کند. چون تزکیه بوداشدن مسئله‌ای بسیار جدی است، اگر حتی نتواند آن را پیروی کند راهی برای نجات او نیست. برخی مردم او را مجبور می‌کنند که یاد بگیرد. با این حال، اگر مشکلی رخ دهد، شما خودتان باید شخصاً مسئولیت آن را بر عهده بگیرید. اگر در طول تمرین مشکلی برایش پیش بیاید، آنگاه ممکن است بگوید به‌خاطر تمرین فالون دافا است. ما هرگز به آنهایی که بیماری روانی دارند آموزش نمی‌دهیم، و مطمئناً این‌طور است. به‌خاطر اینکه یک شخص عادی است، بیمار خواهد شد و دچار مشکلات خواهد شد. ممکن است زمانی که سعی می‌کند تمرین را در یک محل تمرین انجام دهد مشکل رخ بدهد. مشکل از تمرین نیست. از آن است که هنگامی که وقتش برسد باید بیمار شود.

پرسش: همه مردم در سرتاسر نوع بشر یکسان هستند. بودیسم به‌طور گسترده‌ای در شرق گسترش یافته است درحالی که مسیحیت در غرب، با تفاوت‌هایی به آن بزرگی. بودیسم در غرب بسیار ضعیف است. آیا آنها دو سیستم هستند؟

استاد: چرا مسیحیت در غرب است درحالی که بودیسم در شرق است؟ چرا مذاهب شرقی یا مذاهب غربی یکسان نیستند و چنین تفاوت‌های بزرگی دارند؟ در حقیقت، مسیحیت نیز درون سیستم مدرسه بودا است، به جز اینکه تفاوت‌ها در گونه‌های بشر، فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های آسمانی، موجب ایجاد تفاوت‌هایی در ظاهر انسان‌ها و شیوه تفکرشان شده است. یعنی، ویژگی‌های استانداردهای بشری یکسان نیستند، چیزی که به تفاوت‌هایی در روش‌های تزکیه بوداشدن و در مفاهیم و درک آنها از خدایان در سطوح بالاتر منجر می‌شود. تفاوتی در جوهرشان وجود ندارد و همه آنها در قلمرو بودا هستند. درواقع عیسی در سطح تاتاگاتا است، اما، به‌خاطر تفاوت‌ها در فرهنگ، در مفاهیم ایدئولوژیکی، و در ظاهر، یک بودا نامیده نمی‌شود. نام بودا در شرق استفاده می‌شود. البته، به‌خاطر تفاوت‌ها و اختلافات در ظاهر، مردم در بهشت عیسی همگی ردای سفید می‌پوشند درحالی که مردم در بهشت یک بودا همگی ردای زرد می‌پوشند. موها نیز متفاوت است، و بزرگترین اختلاف در تنوع موها است. فرد در مدرسه دائو موی خود را پشت سرش می‌بندد. یک آرهات در مدرسه بودا طاس است درحالی که مدل موی یک بودی‌ساتوا مشابه یک خانم چینی باستان است. چرا این‌طور است؟ زیرا چنین آرایش و پوششی در چین باستان مشابه آن آرایش و پوششی بود که مردم آسمانی دارند. درواقع، همانند چیزی است که مردم آسمانی در بهشت آسمان می‌پوشند. در غرب نیز همان‌طور است، و آن همان

شیوه‌ای است که آنها در بهشت‌های آسمانی خود لباس می‌پوشند. مردم دقیقاً به همین صورت هستند. قطعاً، مد امروزه همگی به سبک جدید هستند. در واقع، لباس‌هایی که مردم معاصر می‌پوشند بدترین و زشت‌ترین هستند.

چرا هیچ بودیسمی در جهان مردم سفیدپوست نیست، و هیچ مسیحیتی در جهان مردم شرق وجود ندارد؟ صریح بگوییم، وجود ندارد. به خاطر دارم که یهوه و عیسی هر دو در انجیل یا کتاب‌ها این چنین گفتند: «شما نباید به شرق بروید.» چیزهای دیگری هم گفته شده، اما من فقط این عبارت را به خاطر آوردم: «شما نباید به شرق بروید،» به مریدانش می‌گوید آموزش را به شرق منتقل نکنند. مریدانش به حرف‌های او گوش نکردند و به شرق قشون کشی کردند. آنگاه مشکلی رخ داد. نژادهای دنیا اجازه مخلوط شدن ندارند. حالا، نژادها مخلوط شده‌اند و این سبب به‌وجود آمدن یک مشکل جدی غیرعادی شده است. یکبار که نژادها مخلوط شوند، شخص با سطوح بالاتر رابطه متناظری ندارد، و ریشه را از دست داده است. نژادهای مخلوط ریشه‌های‌شان را از دست داده‌اند، به طوری که هیچ کسی در بهشت از آن‌ها مراقبت نخواهد کرد. آن‌ها به هیچ جایی تعلق ندارند، و هیچ جایی آن‌ها را قبول نخواهد کرد. بنابراین، می‌بینید که مکان مابین قاره اروپا و آسیا در گذشته صحرا بود و آن خالی از سکنه بود. هنگامی که وسایل نقلیه پیشرفته نبودند، سخت بود که از آن گذر کرد. با پیشرفت وسایل مدرن، همه این‌ها پشت سر گذاشته شده‌اند. بنابراین، نژادها به‌طور فزاینده‌ای مخلوط شده‌اند، که می‌تواند به تبعات جدی منجر شود. البته، وارد جزئیات نخواهم شد. فقط در حال گفتن این هستم که سطوح بالاتر چنین نژاد انسانی را به رسمیت نمی‌شناسند.

موضوعی که اکنون به آن اشاره کردم آن است که نژادهای بشری رابطه متناظری با سطوح بالاتر دارند. مردم سفیدپوست در سطوح بالاتر بخش کوچکی را تشکیل می‌دهند، بخش بسیار کوچکی از جهان در این دنیا و در این جهان. آن بهشت آسمانی آنان است. اما، تعداد فوق‌العاده زیادی از مردم زردپوست و بهشت بوداها و نیز بهشت دائوئیست‌ها وجود دارد. آن‌ها تقریباً تمام جهان را پر کرده‌اند. تعداد بوداهای تاتاگاتا به فراوانی‌شان در رودخانه گنگ است، کسانی که بسیار فراوان و فوق‌العاده بزرگ هستند. به‌ویژه افرادی با ظاهر مردمان زردپوست فراوان هستند. بنابراین، نژادها از بالا تا پایین مرتبط با یکدیگر هستند. عیسی گفت که شما نباید آموزش را در شرق منتقل کنید، که می‌خواست بگوید آن‌ها متعلق به ما نیستند. عیسی به مردم گفت که آموزش را در شرق اشاعه ندهند. من نیز هیچ مردمی از شرق را در بهشت عیسی نیافته‌ام. این بسیار غم‌انگیز است! مردم در زمان‌های اخیر به کلمات لردشان گوش نمی‌دهند، و مردم شرقی نیز به آموزش بودا گوش نمی‌دهند. بنابراین، انسان این چیزها را آشفته کرده است. همچنین هیچ مردم سفیدپوستی را در بهشت یک بودا در گذشته نیافته‌ام. با این حال، چرا این‌طور است که آنچه امروزه در حال آموزش هستم به غربی‌ها نیز منتقل شده است؟ زیرا آنچه در حال آموزش آن هستم اصول جهان است، اصول کل جهان. همه آن مردم سفیدی که تزکیه‌شان را در این دافای من تکمیل می‌کنند هنگامی که در آینده در تزکیه موفق شوند، به همان ظاهر مردم در بهشت عیسی خواهند بود و شکل تزکیه‌شان نیز همانند مردم آنجا خواهد بود. پس از موفقیت در تزکیه مشابه آن خواهند بود. مردم زرد به هنگام کامل شدن تزکیه شکل فیزیکی طرف بودا را خواهند گرفت. بنابراین، می‌توانم مردم هر دو طرف را نجات دهم زیرا فایبی که آموزش داده شده عظیم است. همچنین بگذارید به شما بگویم... که هرگز هیچ دری نبوده که این‌قدر به‌طور گسترده‌ای باز شود، اما دلایلی برایش وجود دارد.

پرسش: معلم، ممکن است درباره فرزندان بین نژادی به ما بگویید؟

استاد: موضوع فرزندان بین نژادی که هم‌اکنون به آن اشاره کردم، رازی آسمانی است که به بشریت گفته‌ام، اما این‌طور نیست که ما کاری در این زمینه انجام دهیم. گفتم که کار حتی بزرگتری انجام داده‌ام، به این شکل که می‌توانم فردی با خون مخلوط را نیز نجات دهم، اما فقط می‌توانم او را در این دوره زمانی نجات دهم. با اینکه مردم شرقی و غربی‌ها همگی روی زمین زندگی می‌کنند، اما انسان نمی‌داند که چیزی وجود دارد که شرق و غرب را جدا می‌کند. همه می‌دانند که مردم شرقی به آن به اصطلاح «نه» اعتقاد دارند. آنها آوای آن را دوست دارند که به ابدیت دلالت دارد. «هشت» به صورت «فا» تلفظ می‌شود، که به پول درآوردن دلالت دارد. این نوع چیزها در واقع می‌تواند کمی در شرق تأثیر بگذارند، همچون طالع‌بینی و یا تحلیل منظره و غیره. اما هنگامی که در غرب اعمال شوند، غیر مؤثر ظاهر شده و کار نمی‌کنند. آنها برای سفیدپوستان کار نمی‌کنند. اما به‌همین

شکل، آن به اصطلاح ستاره‌شناسی یا برخی مفاهیمی که سفیدپوستان به آنها باورد دارند نیز برای شرقی‌ها کار نمی‌کند. برخی مردم فکر می‌کنند آنها کار می‌کنند. به خاطر آن است که شما فکر می‌کنید آن‌ها کار می‌کنند. در واقع، کار نمی‌کنند. پس چرا این طور است؟ زیرا سطح زمین و اتمسفر سفیدپوستان ماده فیزیکی خاص خود را دارد که در بعد خودش شکل گرفته است درحالی که سطح زمین و اتمسفر شرقی‌ها ماده خاصی دارد که از زندگی آنها ساخته شده است. این چیزها بر اساس ترکیب زندگی شخص پیش می‌رود. بنابراین، دو طرف یکسان نیستند. پس از آن که نسل‌ها مخلوط شوند، پی خواهید برد که فرزند شخص که متولد می‌شود نوزادی با خون مخلوط است. اما در میان زندگی این فرزند، حائل و جداکننده‌ای وجود دارد. اگر جدا شده باشد، او به طور فیزیکی و فکری ناکامل خواهد بود یا شخصی با یک بدن ناکامل خواهد بود. علم مدرن نیز می‌داند که نسلی پس از نسل دیگر در حال بدتر شدن است. این طور خواهد بود. البته، اگر چنین شخصی بخواهد تزکیه کند، می‌توانم کمک کنم، و می‌توانم از او مراقبت کنم. این برای یک غیرتمرین‌کننده نمی‌تواند انجام شود.

پرسش: هنگامی که در طول تمرین دستم را بالا می‌آوردم، متوجه شدم دستانم در حال گرم شدن هستند. من در هیچ تمرینی این‌گونه آن را احساس نکرده‌ام. هنگامی که در حال انجام تمرین بودم، حس کردم که گویی یک بودی‌سات‌وا هستم، احساس می‌کردم که تنها شخص مورد تکریم من بودم. آیا این درست است؟

استاد: هنگامی که تمرین را انجام می‌دهید، نباید هیچ فکری به آن اضافه کنید. در تمرین تانتریک، شخص خودش را به عنوان یک بودا در نظر می‌گیرد. در اصل او بودا نیست. آیا بدن گوشتی او تغییر کرده است؟ تغییر نکرده است. در آینده پس از موفقیت در تزکیه، چه کسی است که تغییر خواهد کرد؟ آن خودآگاه کمکی او است، همانطور که هنگام آموزش این فا به شما گفتم، خودآگاه اصلی شخص را نجات می‌دهم. اگر خودآگاه کمکی تان در تزکیه موفق شود، هنوز شش مسیر بازپیدایی را دنبال خواهید کرد. هنگامی که این دو موجود از هم جدا شوند، هیچ چیزی نخواهد دانست. این طبیعی است که دست‌های تان احساس گرما کنند.

پرسش: آیا نباید یک نیت ذهنی کوچک به تمرین تزکیه در فالون دافا اضافه شود؟

استاد: نباید هیچ فعالیت ذهنی وجود داشته باشد. هر نیت ذهنی یک وابستگی است.

پرسش: دو سؤال. یکی موضوع مردم شرقی و غربی‌ها است، همان‌گونه که استاد هم‌کنون اشاره کردند. فرض کنید بسیاری از مردم در گذشته در اصل شرقی بودند، اگر آن‌ها به صورت فردی غربی متولد شده باشند، چه کاری می‌تواند انجام شود؟

استاد: آن اهمیتی ندارد. دو موقعیت وجود دارد. اگر چنین شخصی با هدفی نیامده باشد، با این بدن تغییر خواهد کرد، و ما باید این شخص را تغییر دهیم. اگر با هدفی آمده باشد، ماجرای متفاوتی خواهد بود و موضوع متفاوتی است.

به علاوه، بگذارید به همه بگویم که در خصوص رویکردتان در اشاعه فا باید دقت کنید. اگر شخص به آن علاقه‌مند باشد و بیاید که آن را مطالعه کند، آن‌گاه شما نیز در حال جمع کردن نیکوکاری هستید. همچنین این موضوعی از نیکوکاری بی‌حد و مرز است. با این حال، نکته‌ای وجود دارد. اگر شخص نخواهد آن را یاد بگیرد و سعی کنید او را مجبور به انجام آن کنید، او را به اینجا بکشانید تا یاد بگیرد، می‌گویم که آن خوب نیست. زیرا اگر او نخواهد بوداشدن را تزکیه کند، یک بودا نیز نمی‌تواند هیچ کاری برایش انجام دهد. آنچه یک شخص می‌خواهد به آن دست یابد یا طلب کند به خود او بستگی دارد. ممکن است به او بگویید و توصیه مهربانانه به او ارائه دهید، اما نمی‌توانید به او تحمیل کنید. من در حال گفتن این به همه هستم که ما هیچ کسی را مجبور نمی‌کنیم که بیاید و این را یاد بگیرد. علاوه بر این، دستیاران یا سرپرستان ما نباید در آینده برای انجام کارها، روش‌های اداری را به کار ببرند. هر کسی یک تمرین‌کننده است. بنابراین، شخص باید مردم را با فا متقاعد کند. هر کسی در حال مطالعه فا است. اگر یک دستیار خوب عمل نکند یا به صورت نادرست عمل کند، هنگامی که یک تمرین‌کننده او را می‌بیند،

خواهد گفت اینجا و آنجا یک مشکل شین‌شینگ دارید. بنابراین، هیچ کسی از اشتباه او پیروی نخواهد کرد. چرا این‌طور است؟ چون همه فا را مطالعه می‌کنند، همه آن‌ها به جای مفاهیم شما، از الزامات فا پیروی می‌کنند. البته، ما نیز با شما به همان شکل رفتار می‌کنیم. اگر می‌خواهید آن را یاد بگیرید، آن را یاد می‌گیرید. اگر نخواهید آن را یاد بگیرید، می‌توانید ترک کنید. ما به هیچ کسی آسیب نخواهیم رساند. اگر بگویید: «دیگر نمی‌خواهم آن را یاد بگیرم»، اشکال ندارد اگر نمی‌خواهید. اگر می‌خواهید آن را یاد بگیرید و تزکیه کنید، ما نسبت به شما مسئول خواهیم بود و تضمین می‌کنیم که این کار را انجام دهیم. تزکیه بوداشدن با اینکه از نظر شکل بدون ساختار است، اما مسئله‌ای بسیار جدی است. بنابراین نمی‌توانیم اجازه دهیم هیچ انحرافی در چنین فای عظیم و مهمی روی دهد. در طول تاریخ، هیچ چیزی به این عظمت به انسان آموزش داده نشده است. اکنون اینجا می‌نشینید و فکر می‌کنید که من به‌طور طبیعی اینجا آمده‌ام طوری که انگار به اینجا آمدم چون شنیدید کسی به آن اشاره می‌کرد. بگذارید به شما بگویم که این خیلی محتمل است که رابطه تقدیری دارید. احتمالاً چنین رابطه تقدیری زمانی قبل‌تر شکل گرفته بود. این خیلی نادر است که کسی بدون هیچ دلیل یا علتی آمده باشد. فکر می‌کنم اگر به پرسیدن پرسش‌ها ادامه دهید، ممکن است چیز بیشتری برای پرسیدن باقی نماند. شما تمام پاسخ سؤال‌هایتان را در فا پیدا خواهید کرد.

پرسش: این تنها یک پرسش در مورد پای‌بند بودن به یک روش تزکیه است. فکر می‌کنم اگر برخی مردم فالون دافا را مطالعه کنند، ممکن است آن را با چیزهای دیگری که می‌آموزند مخلوط کنند. تکنیک‌های سنتی دیگری نیز وجود دارد...

استاد: تزکیه بوداشدن مسئله مهمی است. آن برای گفتن این نیست که نمی‌توانید ژویی (یک متن ماقبل تاریخی برای تزکیه) یا باگوآ (یک متن ماقبل تاریخ برای تزکیه) را مطالعه کنید. فکر می‌کنم زمان برای تزکیه محدود است. اگر بتوانید از این زمان برای به‌دست آوردن یک درک خوب از این فالون استفاده کنید، این واقعاً قابل توجه است، چراکه هیچ چیز دیگری به اندازه فالون عالی نیست. حتی اصول باگوآ و بسیاری چیزهای تکنیکی که به‌وسیله جامعه بشر عادی شناخته شده است حالا به فراتر از کهکشان نرفته است. این جهان آنقدر بزرگ است که شما نمی‌دانید چقدر بزرگ است. سه هزار جهان مثل این جهان ما، یک جهان بزرگتر را تشکیل می‌دهند، و سه هزار از چنین جهان‌های بزرگتری، یک جهان حتی بزرگتر را می‌سازند. خدایان و بوداهای داخل آن بسیار بی‌شمارند که صرفاً نمی‌توان شمرد. پس درباره کهکشان چطور؟ این بسیار کوچک است. برای آن‌هایی که دافا را مطالعه می‌کنند، درباره آن بیندیشید. چنین فای عظیمی به شما آموزش داده شده است. فکر می‌کنم که یک تمرین‌کننده نیازی ندارد که انرژی خود را (روی این چیزها) تلف کند. اما، اگر شما شاگرد چنین رشته‌ای هستید، مخالف آن نیستیم. زیرا آن دانش مردم عادی است، می‌توانید پیش بروید و آن را مطالعه کنید. اگر بگویید آن سرگرمی اوقات فراغت شما است، فکر می‌کنم بهتر است این وابستگی را رها کنید! من مسئول شما خواهم بود، و تزکیه بوداشدن بسیار جدی است. پس بهتر است انرژی خود را برای مطالعه این فا استفاده کنید، چیزی که از آن به‌طور بی‌نهایتی بهره خواهید برد. آن نمی‌تواند با هیچ موضوع آموزشی مقایسه شود.

درخصوص سر و کار داشتن با موجودات سطح پایین و ارواح در میان مردم عادی، می‌گوییم واقعاً باید آن را رها کنید، زیرا آن موجودات سطح پایین همگی اشباح هستند. اگر این چیزها را طلب کنید، چقدر از این فای بودای ما دور است! علاوه بر این، همگی آن‌ها چیزهای اهریمنی هستند. آن‌ها اشباح هستند. درخصوص موضوع پیش‌گویی، هم‌اکنون در مورد این موضوع در کتاب با جزئیات صحبت کردم. اگر کسی بخواهد تزکیه کند، این موضوعی جدی خواهد شد. وقتی شخصی انرژی داشته باشد، آنچه می‌گوید، می‌تواند یک موضوع را ثابت و قطعی کند. از آنجاکه امور مردم عادی قابل‌تغییر هستند، ممکن است آن‌طوری نباشد که او می‌بیند، اما این‌طور درک می‌کند. یکبار که (به شکلی که آن را می‌بیند) بگوید، آن به شکلی که او گفته اتفاق می‌افتد. پس، او کار بدی انجام داده است. به‌عنوان یک تمرین‌کننده، شخص باید الزامات استاندارد بالاتری را دنبال کند. اگر شما مرتکب کار بدی شوید، آن موضوعی عادی نخواهد بود. دلیل آن که درحال پالایش بدن شما هستیم این است که می‌بینم می‌خواهید تزکیه کنید. اگر بخواهید تزکیه کنید، باید این چیزها را رها کنید و به‌طور پاک و خالصی تمرین کنید.

پرسش: من یک بار ذهنی دارم. امروز، چنین فرصت تقدیری خوبی برای مطالعه فالون دارم. در کتاب [جوآن فالون جلد دوم خواندم که اگر کسی تزکیه‌اش را در این زندگی کامل نکند، می‌تواند عهد ببندد که آن را در زندگی بعدی ادامه دهد. اما هدف اصلی من این است که تزکیه را کامل کنم. با این حال، چه می‌توان کرد وقتی من هم‌اکنون مسن هستم.

استاد: یک شخص مسن چنین مشکلی دارد. گرچه این تمرین ما شخص را قادر می‌سازد به سرعت تزکیه کند، اما آیا زندگی محدودش برای تمرین تزکیه کافی خواهد بود؟ صریح بگوییم، برای هرکسی کافی خواهد بود و برای مردم در همه سنین قابل اجرا است. اما نکته‌ای هست. مردم متوسط نمی‌توانند خودشان را به خوبی اداره کنند. با اینکه ممکن است بگویید می‌توانید خودتان را خوب اداره کنید، اما هنوز نمی‌توانید در واقعیت آن را انجام دهید. زیرا تزکیه شما به چنین قلمروی بالایی نرسیده است و ذهن‌تان به استانداردی به آن بالایی نرسیده است، نمی‌توانید خودتان را خوب اداره کنید. این تمرین ما هردوی ذهن و بدن را تزکیه می‌کند. وقتی تزکیه می‌کنید، بدن‌تان تغییر خواهد کرد تا عمرتان را طولانی کند. تزکیه بدن و ذهن این است که در حال تزکیه، زندگی شخص طولانی شده است. دقیق بگوییم، با زندگی‌تان که هم‌زمان با تمرین تزکیه طولانی شده، به لحاظ تئوری زمان برای افراد در هر سنی کافی است. اما، یک مسئله هست. همه زندگی‌هایی که طولانی شده‌اند باید صددرصد برای تمرین تزکیه استفاده شوند، نه برای زندگی کردن در میان مردم عادی. بنابراین، اگر کسی آگاه نباشد که زندگی‌اش یک زمان قرض داده شده است، قادر نخواهد بود خودش را خوب اداره کند، و نمی‌تواند الزامات برای یک تمرین‌کننده را صددرصد پیروی کند. پس، در هر لحظه با خطر از دنیا رفتن مواجه خواهد شد. این مسئله‌ای است که مردم مسن با آن مواجه می‌شوند.

اما اگر واقعاً نتواند تزکیه‌اش را کامل کند و تلاش کافی نکرده باشد، فقط می‌تواند این سه گزینه را داشته باشد: یکی ادامه دادن به تزکیه در زندگی بعدی است. فاشن من از او مراقبت خواهد کرد و حتی مراقب بازپیدایی او خواهد بود. نظم و ترتیب چیده خواهد شد که او در خانواده‌ای متولد شود که بتواند فا را به دست آورد. یکی دیگر این است که دیگر نخواهید تزکیه کنید. از آنجا که زجر بسیار زیادی در بشریت وجود دارد، به هر سطحی که تزکیه‌تان تا آنجا رسیده باشد، خواهید رفت. اگر سه‌قلمرو را پشت سر گذاشته باشید، عضوی عادی در آن سطح از بهشت در ورای سه‌قلمرو خواهید شد. اگر فراتر از سه‌قلمرو نرفته باشید، درون سه‌قلمرو خواهید بود و در آن سطح از بهشت، یک خدا خواهید شد. اما وقتی فرد درون سه‌قلمرو باشد، در هر پانصد سال یا سی صد سال، برای شش مسیر بازپیدایی هنوز پایین خواهد آمد، فقط اینکه برای چند صد سال از شادی در آنجا لذت خواهد برد. آن انتخاب دیگری است. انتخاب بعدی این است که یک نفر در واقع خیلی خوب تزکیه کرده، اما به استاندارد نرسیده است، اما به‌خاطر درک او از فا، یا به‌خاطر برخی همکاری‌های خاص، به بهشت فالون خواهد رفت تا یک عضو عادی در بهشت فالون شود، که همچنین فراتر از سه‌قلمرو و فارغ از بازپیدایی است. آن قطعاً بسیار خوب است. اما چنین افرادی نسبتاً اندک هستند و الزامات نسبتاً سختگیرانه هستند. با این حال، او نه یک بودا است نه یک آرهای، نه یک بودی‌ساتوا. فقط یک عضو عادی در بهشت فالون است. مسائل به این صورت هستند. در واقع، شما فا را به دست آورده‌اید، و در حال حاضر فرصت تزکیه بوداشدن برای شما کاشته شده است.

پرسش: سؤالی دارم. سطح شخص چگونه بیان می‌شود؟

استاد: چنین عبارتی را گفته‌ام. گفتم وقتی شخصی خردمند دائو را می‌شنود، آن را با پشتکار دنبال خواهد کرد. از کلمات لائو‌زی اقتباس کردم. هنگامی که یک شخص متوسط دائو را می‌شنود، آن را گاه و بی‌گاه انجام خواهد داد. هنگامی که یک شخص حقیر دائو را می‌شنود، به آن خواهد خندید. این چه معنایی دارد؟ «هنگامی که یک شخص خردمند دائو را می‌شنود» بدین معنی است که پس از شنیدن چیزی درباره تزکیه، این شخص فوراً آن را تمرین خواهد کرد، و همچنین به آن ایمان خواهد داشت. چنین شخصی بسیار نادر است. او از آن فرصت درجا استفاده می‌کند و تزکیه‌اش را تا انتها ادامه خواهد داد. این شخصی خردمند است. هنگامی که یک شخص خردمند دائو را می‌شنود، آن را با پشتکار پیروی خواهد کرد. هنگامی که یک شخص متوسط دائو را می‌شنود آن را گاه و بی‌گاه انجام می‌دهد. این به چه معنا است؟ بدین معنا است که وقتی شخص می‌بیند هرکسی می‌آید تا آن را تمرین کند، او نیز پیروی خواهد کرد و فکر می‌کند بسیار خوب است. ممکن است وقتی مشغول است یا وقتی با

مشکلات مردم عادی آزار می‌بیند، آن را فراموش کند. دیگران آن را مطالعه نمی‌کنند. من نیز ادامه نمی‌دهم. تفاوتی ندارد که آن را مطالعه کنم یا نکنم. به این گفته می‌شود: «هنگامی که یک شخص متوسط دائو را می‌شنود، آن را گاه و بی‌گاه تمرین می‌کند.» او ممکن است در تزکیه موفق بشود یا نشود. تمامش بستگی به خود فرد دارد که بتواند در تزکیه موفق بشود یا نشود. وقتی یک شخص حقیر دائو را می‌شنود، به آن خواهد خندید. هنگام شنیدن دائو، چنین شخص حقیری بلند به آن می‌خندد. چه تمرین تزکیه‌ای؟ همه‌اش خرافات است، و به آن باور نخواهد داشت. البته، او احتمال ندارد که آن را تمرین کند. آن به این صورت است. درخصوص اینکه تزکیه شخص می‌تواند چقدر بالا باشد، فکر می‌کنم تمامش بستگی به این دارد که قلب خود او چقدر می‌تواند تحمل کند. هنگامی که به بیرون از این در قدم می‌گذارید، با برخی مشکلات مواجه می‌شوید، ممکن است نتوانید آن را تحمل کنید. هنگامی که اینجا در حال صحبت کردن هستیم، هرکسی فکر می‌کند که آن خوب است. انرژی‌ای که از تمرین این فای راستین حمل می‌شود تمامش نیکخواهی و رحمت است. بنابراین، هرکسی که اینجا می‌نشیند احساس خیلی خوبی دارد مایل است به من گوش دهد. در آینده شما نیز بدین طریق تزکیه خواهید کرد. تمرین تزکیه در فای راستین نیز به این شکل است. با این حال، وقتی به خارج از این در قدم بگذارید، ممکن است دیگر خودتان نباشید. برخی وابستگی‌های مردم عادی در ذهن‌تان ظاهر خواهد شد و بسیار قوی خواهد بود. ممکن است تمرین تزکیه را فراموش کنید. این عملی نخواهد بود.

پرسش: آیا می‌توانید کمی بیش‌تر در مورد بچه‌های نژاد مخلوط‌شده بگویید؟

استاد: هم‌اکنون در مورد این بچه‌های نژاد مخلوط‌شده صحبت کردم. فقط به این پدیده در این عصر پایان دارم اشاره کرده‌ام. اگر شما یک بچه نژاد مخلوط‌شده هستید، این، نه تقصیر شما است و نه تقصیر والدین شما است. به هر حال، این فقط یک چنین موقعیت آشفته‌ای است که بشریت به‌وجود آورده است، که در آن، چنین پدیده‌ای ظاهر شده است. مردم زردپوست، مردم سفیدپوست، و مردم سیاه‌پوست نژادهای متناظر در آسمان دارند. پس، اگر شخصی از نژادش نباشد و متعلق به مردمش نباشد، از او مراقبت نخواهد کرد. این حقیقت است، و این طور نیست که اینجا مطلبی سر هم کرده باشم. آنچه به همه می‌گویم رازهای آسمانی هستند. همه بچه‌های نژاد مخلوط‌شده در عصر پایان دارم به دنیا آمده‌اند. نمی‌توان مردم را برای آن سرزنش کرد، زیرا هرکسی در این جریان حرکت می‌کند و هیچ کسی حقیقت را نمی‌داند. این مسیری است که آن‌ها طی کرده‌اند. اگر بخواهید تزکیه کنید، می‌توانم کمک کنم. در مورد اینکه به کدام بهشت خواهید رفت، باید به موقعیت شما نگاه کنیم. سعی می‌کنم هر قسمتی که بهتر حفظ شده باشد بیشتر [در فا] جذب شود. به هر حال، شما باید روی تزکیه‌تان تمرکز کنید و نباید با این چیزها خودتان را نگران کنید. حالا که فا را به دست آورده‌اید، چیزی برای ترسیدن وجود ندارد. در گذشته که در حال آموزش فا بودم به چنین چیزهایی اشاره نکردم. با این حال، چنین موضوعی دیر یا زود به بشریت گفته خواهد شد.

پرسش: آیا این خوب نبود اگر تمام بشریت گیاه‌خوار می‌شد؟

استاد: خیر. آن چیزی است که شما فکر می‌کنید. آسمان استانداردی را برای زندگی بشر تعیین کرده است. آنها فقط با زندگی در چنین شرایطی می‌توانند موجودات انسانی باشند. مطمئناً گوشت می‌تواند برای بدن انسان کالری بیشتری نسبت به گیاهان فراهم کند. اما تمرین تزکیه متفاوت است.

پرسش: ممکن است لطفاً به ما بگویید که آیا هنگامی که مدیتیشن نشسته را تمرین می‌کنیم استاندارد خاصی برای سکون وجود دارد؟ اگر خودآگاه اصلی فرد به فکر کردن در مورد خودش در تزکیه دافا ادامه دهد، آیا آن بر روی رسیدن به دینگ تأثیر خواهد گذاشت؟

استاد: خودآگاه اصلی و رسیدن شما به دینگ (یک وضعیت تهی و در عین حال آگاه ذهن، تمرکز) دو موضوع مجزا هستند. برای یک شخص غیرممکن است که در آغاز به سکون برسد. چرا شخص نمی‌تواند به سکون برسد؟ زیرا او وابستگی‌های بسیاری دارد. هیچ چیز دنیوی وجود ندارد که نتوانید درباره‌اش فکر کنید مانند، کسب و کارتان، تحصیل‌تان، شغل‌تان تضاد بین

یکدیگر، بیماری فرزندان، والدین بدون مراقبت مانده‌تان و غیره. هر مورد در ذهن‌تان بسیار سنگینی می‌کند. لطفاً در این باره بیندیشید. چطور می‌توانید با تمام این‌ها به سکون برسید؟ وقتی آنجا بنشینید، آن‌ها خودشان را به سطح می‌آورند، هرچند ادعا می‌کنید که دربارهٔ آنها فکر نمی‌کنید. پس هیچ روشی سکون را تضمین نمی‌کند. این دقیقاً مشابه چیزی است که در کتابم گفته شده است که گرچه ادعا می‌کنید می‌توانید با خواندن نام بودا به صورت ذکر به سکون برسید، اما ذهن‌تان هنوز نمی‌تواند به آن برسد. آنها فقط ابزار هستند، اما نمی‌توانند نقشی قوی ایفا کنند. تنها راه این است که به تدریج به وابستگی‌ها بی‌علاقه شوید، وابستگی‌های مردم عادی. هنگامی که شما با آنها با بی‌تفاوتی رفتار می‌کنید، به‌طور طبیعی قادر خواهید بود که به سکون برسید. وقتی واقعاً قادر باشید به سکون برسید، درحال حاضر در قلمروی بسیار بالایی هستید. با این حال، یک نکته وجود دارد. آیا شخص شبیه یک راهب خواهد بود که وقتی فالون دافا را تمرین می‌کند نه هیچ چیزی می‌خواهد و نه هیچ اموال مادی دارد؟ به هیچ عنوان. در تمرین تزکیه‌مان ما بیشترین انطباق را با زندگی مردم عادی داریم. به‌خاطر اینکه در جامعه مردم عادی هستید، نباید خاص باشید و در ظاهر نباید نسبت به یک فرد عادی متفاوت باشید. بنابراین، در تمرین تزکیه، شخص باید تا حد ممکن با زندگی مردم عادی مطابقت داشته باشد. آن افراد جوان که باید ازدواج کنند باید ازدواج کنند. این تمرین بر کسب و کاری که باید انجام دهید یا چه مقامی داشته باشید تأثیری ندارد. درحال صحبت دربارهٔ یک اصل هستیم، آن این است که شخص در هر سطحی از جامعهٔ مردم عادی مشکلات خود را خواهد داشت. بگذارید تشریفات مذهبی را رها کنیم. مدرسه دائو نمی‌تواند فراتر از تاش‌چی‌اش برود درحالی که مدرسه بودا نیز نمی‌تواند فراتر از اصولش برود. بنابراین، ما آنچه در مذاهب گفته شده را رها می‌کنیم. ما درحال صحبت دربارهٔ اصول کل جهان هستیم.

دریافته‌ایم که بدون توجه به اینکه از چه سطحی آمده باشید یا چه نوع کار و حرفه‌ای انجام دهید، همه شما می‌توانید تزکیه کنید. چرا این‌طور است؟ به عنوان مثال یک کارگر عادی، برای اینکه غذا یا لباس برای خود آماده کند، تضادهایی با مردم اطرافش و با کارش دارد. پس، از چنین تضادهایی، می‌تواند یاد بگیرد چگونه یک شخص خوب باشد. دربارهٔ یک کارگر یقه سفید متوسط، موسوم به یک کارمند دفتری، او می‌تواند بیاموزد چگونه در سطح خودش یک شخص خوب باشد. همچنین مصداق‌هایی برای علایق شخصی بین یکدیگر وجود دارند. در تمام جنبه‌ها، شخص می‌تواند بیاموزد چگونه در چنین تضادهایی شخص خوبی باشد. درخصوص یک رئیس، او می‌تواند یاد بگیرد که چگونه در سطح خودش کار انجام دهد و چگونه در میان تضادهای بین یک رئیس و رئیس دیگر، یا تضادهای بین سایر افراد، شخص خوبی باشد. او نیز تضادهای خودش را دارد. این برای یک رئیس‌جمهور نیز همین‌طور است. در رابطه با یک رئیس‌جمهور، او دربارهٔ کشورش نگران است و برای کشورش کار می‌کند. برخی مسائل به آرامی پیش می‌روند درحالی که مسائل دیگر این‌طور نیستند. کارهایی هستند که با موفقیت انجام شده‌اند و کارهایی وجود دارند که انجام نشده‌اند. همچنین تضادهایی بین یک کشور و کشوری دیگر وجود دارد. بنابراین، او مسائل خودش را برای نگرانی دارد. این شیوه‌ای است که انسان زندگی می‌کند. از این‌رو در هر قلمرو، نمی‌توانید از جهان مادی، یا مردم، یا جامعه خارج شوید. همگی شما تضادهایی خواهید داشت. در این تضادها، یاد می‌گیرید که چگونه شخص خوبی باشید. اگر بتوانید شخص خوبی شوید، می‌توانید از مردم عادی پیشی بگیرید.

آنچه ما درباره‌اش صحبت می‌کنیم یک اصل است. برای این نیست که به لحاظ مادی چیزی را از شما برداشت، بلکه برای برداشتن وابستگی انسان است. هر چقدر کسب و کارت‌تان بزرگ باشد، روی تمرین تزکیه‌تان تأثیر نخواهد گذاشت. اگر کسب و کارت‌تان بزرگ باشد، قطعاً پول بیشتری ایجاد می‌شود. اما، پول را در ذهن خود به گرانبهایی زندگی‌تان نمی‌بینید یا خیلی به سودهای جزئی وابسته نمی‌شوید. شما این‌طور نمی‌شوید. خانه‌تان ممکن است از طلا ساخته شده باشد، اما آن را در قلب‌تان نگه نمی‌دارید و آن را بسیار سبک می‌گیرید. این استاندارد است که برای تمرین‌کنندگان مان مورد نیاز است. بدون توجه به اینکه رده و مقام شما چقدر بالا باشد، هنوز می‌توانید کارهای خوبی برای مردم انجام دهید. این استاندارد است که ما لازم می‌بینیم یک تمرین‌کننده دنبال کند. آیا این‌طور نیست؟ ما به فراتر از مذاهب رسیده‌ایم که در مورد چنین موضوعی صحبت کنیم، و ما دربارهٔ جوهر آن صحبت می‌کنیم. فرد می‌تواند در هر محیطی تزکیه کند. با این حال، نکته‌ای وجود دارد. تزکیه در میان مردم عادی مستقیماً قلب شخص را هدف می‌گیرد. بنابراین، دلیل اینکه گفتم به‌طور واقعی شما را نجات می‌دهم این است که شما

به طور واقعی خودتان را بهبود می‌دهید و به طور واقعی فشار اجتماعی را تحمل می‌کنید. به طور واقعی در حال بهبود خودتان هستید. به این دلیل، چنین گونگی باید به شما داده شود، و شما را نجات خواهیم داد.

خودآگاه کمکی نیز می‌تواند گونگ به دست آورد، اما او همیشه فقط نگهبان فایده برای شما است. او نیز می‌تواند در تزکیه موفق شده و شما را دنبال کند. اگرچه امروز چنین چیزی را افشاء کردم، اما هنوز نمی‌توانید ژرفای آن را درک کنید. بگذارید به همگی بگویم که برخی افراد هنوز درباره سایر روش‌های تزکیه صحبت می‌کنند مانند اینکه این روش چطور است یا آن روش چگونه است. شما هنوز نمی‌توانید معنی آنچه گفتم را درک کنید! به لحاظ تاریخی، تمام روش‌های تزکیه، روح کمکی‌تان را به جای شما نجات می‌داده‌اند، و آنها شما را نجات نمی‌دهند! من یک راز اسطوره‌ای هزاران ساله را برملا کردم. در آشکار کردن این موضوع با مشکلات زیادی مواجه شدم. در گذشته بدون توجه به اینکه چقدر به سختی تزکیه می‌کردید، هنوز نجات داده نمی‌شدید. چه کسی را تزکیه می‌کردید؟ برای یک دوره زندگی تزکیه می‌کردید و هنوز باید از میان مسیر شش‌گانه بازپیدایی می‌گذشتید. نمی‌دانستید در دوره بعدی در شکل چه چیزی متولد می‌شوید. آیا نمی‌گویید رقت‌انگیز بودید! چرا آن‌طور بود؟ در گذشته، مذاهب و نیز سایر روش‌های تزکیه، روح اصلی را نجات نمی‌دادند زیرا نجات خودآگاه اصلی را بسیار سخت می‌دیدند، زیرا در یک سردرگمی بزرگ قرار داشت. آن را به این طریق می‌گویم، و همگی ممکن است فکر کنند آن را درک می‌کنند. به محض اینکه پا از در بیرون بگذارید، ادامه می‌دهید مطابق معمول رفتار کنید. در مواجهه با منفعت عملی مردم عادی، فرد دوباره خود را درون آن خواهد انداخت، با دیگران بر سر آن درگیر می‌شود. تضمین می‌کنم به این شکل رفتار می‌کند. از این رو، خدایان پی بردند که نجات مردم بیش از حد سخت است. اما آنچه من نجات می‌دهم شما است. خودآگاه کمکی‌تان نیز همان نام شما را دارد. همگی از بطن مادر می‌آیند و همگی این بدن را کنترل می‌کنند به جز اینکه شما از وجودش آگاهی ندارید. آنچه آنها نجات می‌دهند او است. اگر چه آنها را می‌بینید که با شما در حال صحبت هستند، درحقیقت با او صحبت می‌کنند. گاه و بی‌گاه شما ناخودآگاه چیزی می‌گفتید. اما آن مغزتان نبود که حرف می‌زد. افراد زیادی هستند که مدیتیشن نشسته را انجام می‌دهند. به محض آنکه آنجا می‌نشینند، از چیزی آگاه نیستند و برای چندین ساعت آنجا خواهند نشست. پس از اینکه از دینگ بیرون بیاید احتمالاً هنوز بسیار خوشحال است، «اوه، دیدی چقدر خوب تمرین کردم و برای چندین ساعت آنجا در خلسه نشستم.» آن بسیار ناراحت‌کننده است. آیا شما گونگ تمرین کردید؟ آیا آن را می‌دانید؟ تمرین تماماً برای دیگران بود.

در گذشته، برخی روش‌های دائوئیستی به شما گفتند که الکل بنوشید تا خودآگاه اصلی‌تان را بی‌حس کنید تا خودآگاه کمکی بتواند تزکیه کند. بسیاری از دائوئیست‌ها الکل می‌نوشند، و آن‌ها می‌نوشند تا خودشان را بیهوش کنند. آن‌ها آگاهی را از دست خواهند داد و عمیقاً خواهند خوابید. آن‌گاه خودآگاه کمکی برای تمرین برده خواهد شد. گرچه این گونه به آن اشاره کردم، اما آنچه گفتم اسرار هزاران ساله است. آنها این روش یا آن را روش را داشتند زیرا فهمیدند انسان نمی‌تواند در تزکیه موفق شود. از آنجاکه کسی تزکیه‌اش را از طریق بدن شما کامل کرد، شما نیز به‌عنوان رشدهنده تقوا و کسی که تحمل کرده در نظر گرفته می‌شدید. هرچه باشد، جوانی شما وقف آن مذهب شده بود. چه چیزی باید انجام می‌شد؟ شاید، آن‌ها نیز خوش‌قلب بوده و به شما اجازه می‌دادند به‌عنوان یک خودآگاه کمکی در زندگی بعدی متولد شوید. ممکن است این گونه می‌بود. به‌نظر احتمال چنین چیزی بسیار کم است. سپس، از شما می‌خواستند تزکیه کنید، که آن هم بسیار نادر بود. با این حال، برخی مردم با بخت و اقبال خوب پاداش داده می‌شوند. چگونه فرد با بخت و اقبال خوب پاداش داده می‌شد؟ شخص یک صاحب‌منصب عالی‌رتبه می‌شود، ثروت بسیار زیادی کسب می‌کند و کسب و کار بزرگی خواهد داشت. زندگی بعدی او این چنین خواهد بود زیرا طول عمرش تقوا و اقبالی خوب ایجاد کرده است. فکر نمی‌کنم هیچ کسی از افرادی که اینجا نشسته‌اند بخواهد این گونه باشد. هر بار پس از آنکه درباره این موضوع صحبت می‌کنم، اگر کسی هنوز به من بگوید این یا آن تمرین چگونه است یا این یا آن مذهب چگونه است، احساس می‌کنم کیفیت روشن‌بینی‌اش بسیار ضعیف است. هرکسی می‌تواند خصوصیات فالون دافای ما را بخواند، که تمامش آنجا نوشته شده است. مردم به آن توجه نمی‌کنند و آن را به‌عنوان یک عبارت بسیار عادی و بی‌اهمیت تلقی می‌کنند. این قواعد جهان است. در گذشته این‌طور بوده است.

شاید وقتی به بیرون از این مکان قدم بگذارید، احساس کنید که به لحاظ فیزیکی بسیار راحت هستید. با این حال، نکته‌ای هست. در طول تمرین تزکیه، بدن تان دوباره احساس ناراحتی خواهد کرد. چرا این طور است؟ به این دلیل که کارمای حاصل از دوره‌ای زندگی پس از دوره‌ای دیگر دارید و آن نمی‌تواند همه‌اش در یک لحظه بیرون آورده شود. اگر تمام کارما یک‌دفعه بیرون رانده می‌شد، شخص فوراً می‌مرد. بنابراین، باید چنین کارمایی را به تدریج از درون بدن پاک کنیم. بنابراین، پس از مدتی به صورت فیزیکی خیلی احساس ناراحتی می‌کنید و ممکن است تعجب کنید: «آیا این یک بیماری است؟» به شما می‌گویم این یک بیماری نیست. اما، آن به صورت بسیار دردناک ظاهر خواهد شد. برخی بسیار وخیم هستند و بسیار وخیم ظاهر می‌شوند. با این حال، برخی افراد آن را می‌دانند و هر بار که احساس ناخوشی می‌کنند خوشحال می‌شوند. آنها می‌گویند معلم با از بین بردن بیماری‌ها و برداشتن کارمای درحال مراقبت از من است. برخی افراد اگر به صورت فیزیکی احساس ناراحتی نکنند یا هیچ چیزی احساس نکنند کاملاً نگران می‌شوند. «معلم درحال مراقبت از من نیست، و چرا من درحال از بین بردن کارما نیستم؟» اما برخی تمرین‌کنندگان جدید معمولاً آن را به عنوان بیماری در نظر می‌گیرند و هرگاه احساس ناخوشی کنند دارو مصرف می‌کنند. آنها فکر می‌کنند بهتر است هم‌زمان که تزکیه می‌کنند، دارو نیز مصرف کنند. اما ما اصلی را دیده‌ایم که چون بیمارستان‌ها نمی‌توانند کارما را از بین ببرند و پزشکان تمرین‌کننده نیستند، پس آنها چنین تقوای عظیمی ندارند. آن‌ها کارشناسان فنی در میان مردم عادی هستند، کسانی که فقط می‌توانند دردهای سطحی را از بین ببرند و در بُعدی عمیق‌تر چنین بیماری‌هایی را برای تان به جای می‌گذارند. مصرف دارو برای سرکوب آن‌ها در درون بدن است و مانند انبار کردن آن است. شخص ممکن است در ظاهر دردی احساس نکند، اما آن در سطحی عمیق‌تر در بدن انبار شده است. عمل جراحی نیز همین طور است. به عنوان نمونه، فرض کنید شخصی یک تومور دارد و آن را برداشته است. او فقط ماده‌ای که در سطح بوده را جدا کرده درحالی که دلیل اصلی بیماری در بُعد دیگری است، که دست‌نخورده مانده است. بنابراین، چنین کارمای بیماری و خیمی بازخواهد گشت. برخی به نظر می‌رسد درمان شده‌اند و در این زندگی عود نخواهند کرد. سپس، در زندگی بعدی دوباره بازمی‌گردند. چون در سطحی عمیق‌تر سرکوب شده‌اند، دیر یا زود باز خواهند گشت. کارمای فرد هنوز باید بازپرداخت شود، و آن فقط چنین اصلی است. آنچه اینجا انجام داده‌ایم این است که تمام چیزهای کثیف شما را از سرچشمه اصلی زندگی تان بیرون رانده‌ایم. اما، هیچ کسی چنین کاری را انجام نمی‌دهد. فقط اگر تزکیه کنید، چنین کاری را برای شما انجام خواهیم داد. اما، هر یک از شما باید شین‌شینگ تان را به خوبی اداره کنید و نباید هنگامی که احساس ناخوشی دارید فکر کنید: «اوه، من دوباره بیمار هستم.» اگر به این صورت فکر کنید، پس هنگامی که بیماری می‌آید دارو مصرف می‌کنید. ما مداخله نخواهیم نکرد. زیرا تزکیه به کیفیت روشن بینی بستگی دارد، نه به قواعد اجباری. ما نگفته‌ایم که وقتی احساس خوبی ندارید، نباید دارو مصرف کنید. نگفته‌ایم.

برخی افراد نمی‌توانند با خودشان مانند تمرین‌کننده رفتار کنند. آنها بدون مطالعه فقط تمرین‌ها را انجام می‌دهند و هیچ کاری انجام نمی‌دهند. گرچه آنها را درحال انجام تمرین می‌بینید، اما فاشن من از آنها مراقبت نخواهد کرد. اگر از آنها مراقبت نشود، فقط مردم عادی هستند و بیمار خواهند شد. اگر قانونی بگذاریم که شما را از مصرف دارو منع کنیم و شما نتوانید خودتان را بر اساس استاندارد یک تمرین‌کننده اداره کنید و یک شخص عادی بمانید، ادعا خواهید کرد که لی هنگجی به شما اجازه نمی‌دهد که وقتی بیمار هستید دارو مصرف کنید. بنابراین، نمی‌گویم آیا شخص باید دارو مصرف کند یا خیر، و شما باید خودتان درباره آن تصمیم بگیرید. این درواقع آزمایشی برای شما است. اگر نتوانید خودتان را به عنوان یک تمرین‌کننده در نظر بگیرید، هنوز بیماری‌هایی خواهید داشت. این فقط چنین اصلی است، و ما فقط به اصول آن اشاره کرده‌ایم. بنابراین، به همه گفته‌ام که اگر بخواهید در آینده تزکیه کنید، آن ناراحتی فیزیکی که تجربه می‌کنید بسیار محتمل است که این‌گونه باشد که کارمای تان از زندگی‌های قبلی درحال خارج شدن است. دریافته‌ام که برخی مردم ده‌ها بار یا صد بار متولد شده بودند. بیماری‌های بسیاری در هر طول عمر بوده‌اند، که همگی لازم است خارج شوند. در هر صورت، همه آنها باید از بین بروند. بیشتر آن‌ها از بُعد دیگری برداشته خواهد شد و بخشی از آن باید برای تان از بین برده شود. اما، همه آن‌ها نمی‌توانند از بُعد دیگر از بین برده شوند، زیرا شما مجبورید اندکی زجر بکشید. اگر شخصی زجر نکشد، بدین معنی است که فرد برای کارهای بدی که انجام داده پرداخت نمی‌کند. یک روز که در تزکیه تان موفق شوید و در مقام بودا قرار بگیرید، احساس می‌کردید از بودن در آنجا نسبتاً معذب هستید. دیگران نیز تعجب می‌کردند: «او چگونه اینجا بالا آمده است؟» مگر نه؟ پس، شما باید قسمتی از درد را متحمل شوید. سپس، در حین

تحمل آن، کیفیت روشن بینی خود را بهبود خواهید داد. آیا آن را به عنوان یک بیماری در نظر خواهید گرفت؟ یا آن را از بین بردن کارما برای یک تمرین کننده در نظر خواهید گرفت؟